

سای، سلطنت تو میرسد!



سنجشی درباره امکان "برگشت:

شری ستیا سای بابا

اثر: شریجیت ناراین

خوشا به حال کسانی که قادر خواهند بود آن هشت روی زمین را تجربه کنند.
شری ستیا سای بابا

درخواست از خوانندگان

لطفاً میتوانید وب سایت www.saikingdom.com را به هر خواننده بالقوه/علاقمند توزیع کنید. نویسنده متواضعانه درخواست میکند خوانندگان از فرستادن این فایل PDF از طریق رسانه الکتریکی به هر کس امتناع کنید، زیرا می تواند به سوء استفاده منجر شود.

نظر شما با ارزش است

اگر این کتاب را دوست دارید؛ یا هر نظر، سوال، علائق/نگرانی هایی دارید آنها را لطفاً به snarayan@saikingdom.com بفرستید یا از وب سایت www.saikingdom.com دیدن کنید و نظریه هایتان را بفرستید.

این کتاب یک تقدیمی متواضعانه به پاهای نیلوفرین خدا،
پروردگار محبوبم شری ستیا سایی بابا، یگانه ای که فکر را در من کاشت و بر آن نیز
عمل کرد، است. از تو استدعا میکنم ثمرات ناشی از آن را هم تحمل کن.

مندرجات

پیشگفتار

درباره نویسنده

شناسایی

معرفی

درباره این کتاب

فصل ۱ : آیا سوآمی درباره سال های قمری صحبت میکرد؟

فرضیه سال قمری

مورد مریدان صد ساله

مدرک بیشتر

نویسنده شرح زندگی سوآمی توضیح میدهد

فصل ۲ : نقشه اش چیست؟

آیا سوآمی بعدا نقشه اش را تغییر داد؟

پس نقشه اش چیست؟

فصل ۳ : سوآمی درباره طول عمرش روی زمین صحبت میکند

یک توضیح ممکن

فصل ۴ : پیش بینی های سایی برای آینده

ما حق نداریم شک کنیم

فصل ۵ : سرنخ هایی برای برگشت قریب الوقوعش

معجزه میرسد

خواب های مریدان

فصل ۶ : نادی های باورنکردنی

پیش گویی هایی درباره شری ستیا سایی آواتار در نوشته های نادی

تجربه ی من با نادی ها

نادی ها برگشتن سوآمی را پیش بینی میکنند

طرح نمانی پیش گویی نوستراداموس

فصل ۷ : ناپدید شدن مهدی

مهدی کیست

علائم شناسایی مهدی

سلطنت مهدی روی زمین

ناپدید شدن مهدی

مهدی کی بر خواهد گشت

آیا مهدی در بدن یک جوان بر میگردد

عصر طلایی مهدی

چرا مهدی بر خواهد گشت؟

فصل ۸ : دیدی در آسمان

دارشان ویشوروپ به تاخیر افتاد

فصل ۹ : طلوع عصر طلایی ستیا سایی

عصر طلایی بر خواهد گشت

اهمیت سال ۲۰۱۲

عصر طلایی بر طبق کتب مقدس

آمدن پسر انسان

فصل ۱۰ : چرا سوآمی بدنش را ترک کرد؟

این بدن بخاطر مریدان آمده است

قدرت دعاها

خبری که همه جا سفر کرد

چیزهای بسیار در یک ضریب

فصل ۱۱ : شکوه رستاخیز

موضوع بدن
مفهوم نیرمانا کایاس

فصل ۱۲: پایان

سوآمی به قول هایش وفا میکند
دوره تعلیم به مریدانش
سای سلطنت تو می آید

دعا

کتاب شناسی و مرجع ها

پیشگفتار به وسیله جودی کلیری و تد هنری

بدون رها کردن ترش، خواهم گفت، "سایه، سلطنت تو میرسد" اثر شری جیت ناراین کتابی عالی است. و این تعریف یقیناً کمترین است.

ارائه بی عیب تحقیق شده، منطق غیر قابل تکذیب، دقیق، آرام نویسنده فراتراز سرزنش است. اگر شخص با دقت تا پایانش دنبال کند توضیحات این کتاب چیزی نیست که بتواند آنرا به آسانی نادیده بگیرد یا فراموش کند، فارغ از اینکه تمایلات وی چه باشند.

راجع به من و شوهرم تد هنری، شری ستیا سایه بابا از عمل متقابلش با ما یک کم هم نپریده است. لیلایهای مشغول کننده اش، درس ها، و خواب ها و حضور خدا به همان تداومی که قبلا بود، پس از ماهاسامادی می ماند.

سِوای سوجورن و عشق ما برای او اگر بود دو چندان میشود، او برای ما بیش از آنچه که می توانستیم یا تصور کرده یا خواسته بودیم کرده است و به ما داده است. ما بطور دائم در قدردانی شدید غوطه ور میشویم.

و هنوز... گرچه تد و من چیز بیشتری نمی توانستیم بخواهیم، درباره آنهایی که فرصت نداشتند تا از او لذت ببرند و مستفید شوند چی؟

و هنوز... بنظر میرسد وضع دنیا احتیاج به حتی شوک قوی تری دارد تا از مسیر کنونی اش جلوگیری شود و این دنیا را به "یک خویشاوند مهربان وسیع" آنطور که سوآمی ما یکبار پیش بینی کرد تبدیل می کند.

و هنوز ... "سایه سلطنت تو میرسد" تسکینی بود که افکار، سوآلات، ظن های بسیار پنهانی ما را بیان کرده است. و ما از تجربه یاد گرفته ایم که یقینا باید نا مطمئنی اش را دوست بداریم.

و مهمتر از همه کاری نمی توانیم بکنیم که او نداند.

ما همه تنها وقتی به وجد می آئیم که شاهد تبدیل افراد در جهان شویم. آن حتما بدست آورده خواهد شد آنچه که شریجیت ناراین خیلی با دقت و با شهامت در کتاب " سایه، سلطنت تو میرسد" پیشنهاد میکند جزئی از عصر طلایی، عصر ستیا است.

[جودی کلیری و شوهرش تد هنری از آمریکا، مریدان قدیمی شری ستیا سایه بابا هستند. تد برای بیش از چهل سال یک ژورنالیست تلویزیونی بود که اخیراً از تلویزیون خبری بازنشسته شد. او در ABC در کلیولند، اوهایو، آمریکا، پذیرفته شد تا در میان وظائف بسیارش، یک گزارش خبری هفتگی درباره معنویت به اسم " دل و روح " ارائه دهد. تد و جودی برای پانزده سال گذشته بسیار سفر کرده اند، مصاحبه هایی با مریدان سایه و سایر طالبین معنوی دیگر انجام داده اند. این ویدیو ها از طریق وب سایت های زیرین فراهم است.]

www.vimeo.com/souljourns

www.youtube.com/souljourns

www.souljourns.net

پیشگفتار به وسیله جولی چادوری

"سایبی، سلطنت تو میرسد" خطی که نتیجتاً با این دعای پر معنا- خواست تو انجام میشود دنبال میگردد. خواست باگاوان محبوب عالی است. سلطنت او خواهد آمد آنطور و وقتی که او آنرا اراده می کند! برای سهم ما، احتیاج داریم صبر را پیشه کنیم و منتظر بازشدن وقایع بمانیم، خیلی فوق العاده است، که نسل ها از این پس برای عصرهای آینده در حیرت مطلق از آن صحبت خواهند کرد.

صفحات قدرتمند این گردآوری به شیوه ای تاثیرگذارنده باز میشود، که شخص مجبور میشود به خواندن ادامه دهد؛ هر فرق جزئی را انتخاب میکند تا ظهوری در آن بسازد. کتاب کاملاً موکدا میگوید، که این کتاب تلاش نمیکند پیش بینی کند که چه رخ خواهد داد، و آن مآلاً شکل یک تحقیق علمی میگیرد.

کتاب درواقع یک ترتیب زمانی وقایع دقیق اعلان های باگاوان است، با ظهورش همزمان میشود، ادامه می یابد دهه های زیادی را شامل میشود. و طبیعتاً اثبات هایش، که کلام حقیقت هستند - تسکین را زیاد تر میکنند و امید سوخت گیری میکنند. قسمت کتاب ها با دقت زیاد کتب نادای کهن را دوباره ارائه میدهد که به وسیله روشن بینان و اولیای کهن متکی به سند میشوند، یک الهام حیرت انگیز هستند. گرچه، خبری روشن کننده تر وجود ندارد که گفته شود، معادلک مبحث چنان است که احساسات می جوشد ابراز می خواهند.

آیا کسی هرگز می تواند بیست و چهارم آوریل ۲۰۱۱ را فراموش کند؟ برای تقریباً یکماه باگاوان انتخاب کرده بود خود را درون معبد شفا - موسسه عالی علوم پزشکی شری ستیا سایبی در پراشانتی گرم که او شخصاً بنیاد نموده بود "محدودکنند". مریدان سایبی سراسر دنیا با نفس بند آمده، با اشک های غصه، با تقاضاهای پرشور و دعا‌های مشتاق متحد شدند، که التماس کنند و یگانه محبوبشان خود را شفا دهد، به یاجور برگردد، دارشان را از

سر بگیرد. اما باگاوان نقشه های خودش را داشت و باید بر اساس خواستش باز شوند. راههایش غیر قابل درک و بیگانه، فراتر از ذهن انسان که شکننده، بی معنی، محدود است هستند فقط برای او شناخته میشوند. آن در میدان هوش محدودمان و دید رنگین مان نیست، تا استخراج و درک کنیم. آنچه که او انتخاب میکند بر خود بگیرد، فداکارانه، بدون قید و شرط به قصد نفع فردی و نیز جهانی است. عزیمتش از جسمی، میدان سراسر جهان را ویران کرد، روان را خراب کرد، آنرا با آشوب پوشاند. این چگونه میتواند راست باشد؟ چگونه توانست مثل این ترک کند؟ مطمئناً این یک کابوس زشتی است؟ قاپیدن از زندگی آهنگش بود، با یک ضربه چرخه خداحافظی کرد. ذهن با سوالات پیچید، دل خرد شد. در غم دفن شد، با سونامی غم له شد و روح در خلاء عمیق بی پرواز بنظر میرسد.

خرد میدانند یک فرم باید در بدون فرم مستهلک شود، هرچه میرسد. یکبار که در حوزه مادی متولد شد، روح هم باید از آن جدا شود، اما اینجا به نظر میرسد چیزی نادرست است. یک احساس به جمع کردن تکانه ادامه میدهد - چیز بیشتری وجود دارد که بیاید. عصر ستیا سایی یقیناً چیز خیلی بیشتری در انبار دارد. ورودش خیلی تماشایی، خیلی بی نظیر بود. خروجش، وقتی زمان برسد، بطور برابر آنطور خواهد بود، زیرا او اصل تمام آواتارهاست. این یک وقفه، فترت الاهی است. این وقفه، این مکث زمانی برای تشدید کردن تلاش ها و تمرینات معنوی مان است. آن یک میان پرده برای سادانای (تمرین معنوی) فردی و جمعی عمیق است تا تکلیف خانه خود را کامل کنیم، بر روی خودمان کار کنیم به منظور اینکه فارغ التحصیل شویم. و نیز مرحله ای است، تفکر کنیم، قول دهیم، دوباره اهدا کنیم، و دوباره رضایت مان برای خدمت به او در تمام خلقت را اثبات کنیم. و با تشدید جریان فکر جمعی، یک "توده بحرانی" جمع کنیم و خواهان برگشت گرامی باگاوان محبوب شویم.

چون هیچ چیز بدون خواست خدا رخ نمیدهد، این دستنویس، "سای سلیطنت تو میرسد" این بیرون ریزی عظیم احساسات که از دل، ذهن و روح نویسنده میباشد، به وسیله روح الاهی الهام شده است. این بررسی وسیع در کلام باگاوان محبوب کار برجسته ای است که تنها از طریق رحمت الاهی به اتمام رسانده شده است! زمان هم، به وسیله باگاوان، استاد طرح ریزنده، پیشرو در این توده بحرانی از طریق "سای سلیطنت تو میرسد" انتخاب شده

است. آنچه که جلوتر درباره اش در پیچ پیچ های خاموش شده، امیدها، دیده‌ها و خواب‌ها، اشتیاق و آرزوها، گفتگو میشد، برای گوش های هر کس نبود؛ ایمان ثابت و یقین کامل، آشکار شده است. و برای "سای سلطنت تو میرسد" اعتبار مبارک از چنین رخدادی فراهم میشود. شریحیت، با فداکاری عالی بررسی زیاد دقیقی انجام داده است آن هم درباره کلام، پیام او در گفته سرشار از حقیقت هر کلمه اش، سخن حقیقت، ستیا، حقیقت سایه!

این نمایش الهی چگونه باز میشود کاملا بستگی به او دارد. معذالک قصد ما، ایمان ما، محاب شدگی ما، عقیده و ارادت ما در چنگ مان است. ما هر کدام دنیای خودمان را داریم، و هر چه در این جهان می کشیم بستگی به ما دارد. چیزی چون غیر ممکن برای خداوندمان وجود ندارد، که خواستش تمام چیزهای فانی را به مبارزه می طلبد، هیچ نباشد آن دستخط اوست!

حتی با وجودیکه ما منتظر می مانیم و منتظر می مانیم، از مناظره خود داری می کنیم، بر او و کلامش در سکوت تامل می کنیم، تفکر می کنیم و اندیشه می کنیم. بیائید به هم پیوندیم، حلقه زنجیری شکل دهیم، آنرا با قصد روشن و عشق پاک پر کنیم، اجازه دهیم ترحم حکمفرما شود و برای آشکار شدن آن رخداد که از طریق عصر طلایی و واقعیت، گیتی را مستفید خواهد کرد دعا کنیم. این کتاب بطور شگفت انگیزی اعلان های باگاوان از کتب بشمار را زیر "یک سقف" شبیه میسازد و جمع میکند، می توان گفت برای مراجعه آسان. در حالیکه با دقت آنرا می خوانیم، چند بار باگاوان آشکار کرده که حرف او هرگز غلط از آب در نمی آید؛ هرچه طرح کرده باید موفق شود؛ فعالیت ها و حرکاتش هرگز نمی توانند تغییر داده شوند؛ او هرگز از گفته اش منحرف نمیشود؛ هرچند به سبب اجبار شرایط ممکن است تغییراتی رخ دهد، اما آنها دائم نیستند و راهش را تغییر نخواهند داد؛ که عصر طلایی در عصر ستیا سایه برخواهد گشت و آگاهی از ورود تازه میدهد؛ روز بیداری، انقلابی از قدرت واقعی خدا.

بیائید از باگاوان سایه درخواست کنیم و التماس کنیم بخواهد که سلطنتش زودتر به واقعیت به پیوندد. بیائید از او درخواست کنیم که ما را لایق و سزاوار سازد.

اگر چه او بیکران است،

مقید به گفتارش است،

مقید به مریدانش است،

مقید به زود برگشتن است، تا بدان وسیله به این نمایش سامادی الاهی خاتمه دهد.

سَمَسْتا لُکا سوکینو باؤن تو.

[شری جولی چادوری یک نویسنده ماهر با استوارنامه ای عالی است، که تعداد زیادی

مقاله و شعر در باره خداوند محبوبش شری ستیا سایی بابا نوشته است. او سعادت داشت

که در سنی کم به آغوش سایی بیاید. برای ده سال گذشته نویسنده و مدیر روزنامه شری

ستیا سایی شاخه جوانان پونه است. او برکت داده شد در نوامبر ۲۰۱۰ کتابی با هشتاد و

پنج شعر به عنوان "مادر سایی" به پاهای نیلوفرین الاهی اش اهدا کند.]

پیشگفتار به وسیله کاپیتان جتیندار شاد

به حضور وفادار، باشکوه خدای منتخب که هرگز نمیتواند با هیچ چیز دیگر در تمام جهان مساوی دانسته شود، خداوندی که به او با عشق و ایمان ستایش تقدیم کرده اید، وقتی بدنش را ترک کرد، در دل درد وجود داشت. اما وقتی فرصتی دارید که بازگشت او را بخوانید، از اول تا آخر سراسر بدون وقفه می خوانید!

"سایبی سلطنت تو میرسد" یک گزارش پژوهشی بی نظیر است - آن همه مذاهب و مطالعاتی که فراهم است را مستقیماً مورد بحث قرار میدهد و اشاره کننده ها در هر مذهبی وجود دارند. گرچه آنها به او به عنوان سایبی بابا اشاره نمی کنند، بلکه به عنوان مهدی یا مسیح.

هرکس که درباره شری ستیا سایبی بابا میدانند و یک عکس کوچک دو اینچ در دو اینچ از او در محراب خانه اش میباید سزاوار خواندن این کتاب است تا سروری که من از خواندن آن گرفتم را بگیرد.

من به نویسنده این کتاب برای کار خوبی که خیلی قشنگ انجام داده درود میفرستم. حالا دیگر هیچ تردیدی در ذهنم ندارم. او خواهد آمد! فقط منتظر بمانید و دعا کنید.

بله، در واقع این اعتماد را میدهد که امیدوار باشیم. ما مشتاقانه منتظر برگشت پروردگار محبوبمان هستیم - هنوز باید به نوع بشر دستوراتی داده شود.

همانطور که انتظار بازگشت او را می کشیم، از ما چه انتظاری میرود؟ می توانیم تلاش کنیم از آنچه که در حال حاضر هستیم بهتر شویم.

در تمام اطراف تان در آگاهی کامل دائم از حضورش باشید.

سایبی رایبی - شادمان باشید!

[کاپیتان جاتیندار شاد وقتی در ارتش هند خدمت میکرد به شری ستیا سایی بابا معرفی شد. او در سال ۱۹۸۱ به عنوان سروان ارتش را ترک کرد و از آن زمان در فعالیت های مختلف سوا درگیر شده است. در سال ۱۹۸۵ مهربانانه به او مصاحبه عطا کرد و نیز اجازه داد تیم او مندییر پراشانتی را رنگ کنند. سوآمی همچنن او را هدایت کرد که اولین هولوگرام بابا را در سال ۱۹۹۰ بسازد، که با اولین تصویر برجسته فویل بابا دنبال شد.]

درباره نویسنده

شریچیت ناراین در سال ۱۹۹۲ به آغوش سوآمی آمد و از آن به بعد سوآمی او را به طرق مختلف از طریق خواب ها، و درس های زندگی هدایت کرده است. او که حرفه اش مهندس سافت وِر است در حال حاضر در نیوجرسی، آمریکا ساکن است و در اصل از کرالا، هند آمده است. در حال حاضر به عنوان هماهنگ کننده خدمت برای مرکز سایه بریج واتر کار میکند، بطور مرتب در فعالیت های سایه شرکت میکند و در جامعه سایه ناحیه اش بسیار فعال است. قبل از عزیمت به آمریکا در سال ۱۹۹۷، در کرالای هند جوانی فعال و سوادال بود.

همیشه آرزو داشت درباره سوآمی کتابی بنویسد، گرچه به استعدادش بطورکامل برای انجام آن اعتقاد نداشت، ولی در سال ۹۷ قبل از رفتن به آمریکا طی نامه ای آرزویش را بیان کرده بود. سوآمی خیرخواهانه آنرا پذیرفت، با مهربانی بطور ملایم به دستانش ضربه زد و شری جیت پادنامسکار هم گرفت. او نقل قول ها و مرجوعات زیادی از منابع مختلف برای آن کتاب جمع آوری کرد. اما خواسته اش به دلائل مختلف هرگز اجابت نشد تا اینکه اواخر ژانویه ۲۰۱۲ انگیزه ای ناگهانی داشت که درباره امکان ظهور مجدد سوآمی بنویسد. بعد از آن همه چیز یکی یکی رخ داد و کتاب با رحمت الاهی سوآمی بیرون آمد. بررسی هایی که او برای کتاب دیگرش کرده بود برای این تلاش به او کمک زیادی کرد. وقتی سوآمی نامه ای را برکت میدهد، خودش باعث میشود همان رخ دهد. چنین است عشق خداوند عزیز ما برای مریدانش همانطور که همه میدانیم.

در این کتاب، نویسنده با افتخار یقینش را با یقین شاگردی وفادار مقایسه میکند زیرا بر اساس رسم هندی کهن یک شاگرد همیشه به گفته گورویش کاملاً اعتماد میکند، حتی به آخرین حرفش. چنین است عقیده محکم و ایمانی که نویسنده به کلام سوآمی دارد و بی هیچ شکی معتقد است که همه آنها به حقیقت خواهد پیوست.

تصدیق

(...) از من تشکر نکنید. من شخص سوم نیستم. آیا از مادران که هرروزه به شما غذا میدهند تشکر می کنید؟ می توانید از یک بیگانه که از او لطفی می بینید تشکر کنید، اما من بیگانه نیستم. لذا، هرگز به سوآمی نگوئید متشکرم. سوآمی را مال خودتان بدانید. تنها آنوقت حق دارید به سوآمی نزدیک شوید.

گفتارهای ستیا سای جلد ۳۱ فصل ۴۵

سوآمی عزیزترینم، از شما تشکر نمی کنم زیرا من متعلق به شما هستم و همچنین است این کار. بسیاری به این کتاب کمک کرده اند؛ از آنها هم تشکر نمیکنم زیرا آنها هم مال من هستند. حتی در آگاهی اینکه تنها تو کننده هستی، لحظاتی وجود داشته که منیت به درون خزید که منجر به اشتباهات شد. اگر چنین است صمیمانه درخواست میکنم مرا ببخشید و از خوانندگان تمنا میکنم به فراتر از هر نقصی نگاه کنند.

افسانه میگوید که با لمس صرف قدیس گیانشور¹ یک بوفالو شروع به تلاوت ودا کرد. معنی نام گیانشور "خدای دانش" است، یعنی خود سوآمی. من تلاش نمی کنم ودا تلاوت کنم. اما، میدانم که حتی کوشیدن برای نوشتن یک کلمه تنها درباره او بدون رحمت الاهی اش غیر ممکن است.

با محترمانه ترین درودها به پاهای نیلوفرین پروردگارم، خداوند محبوبم شری ستیا سای بابا، دهنده تمام دانش سجده میکنم، با تمام وجود دعا میکنم این دونائپو² بتواند لمس شود.

¹ شری گیانشور (۱۲۹۶ - ۱۲۷۵) قدیس، شاعر، فیلسوف قرن سیزدهم هند (از ماهاراشترا) بود که تفسیرش از باگاواد گیتا به زبان ساده به عنوان "گیانشوری" شناخته میشود و کلیات "آمروتا نوباو" در ادبیات مراتی سنگ آسیاب به حساب آورده میشود.

² آنطور که سوآمی از روی مهر گاهی اوقات مریدانش را سرزنش میکند. در زبان تلگو به معنی بوفالو است

معرفی

أم شری سایبی رام

سایبی رام های با محبت به خواننده عزیز

لطفا توجه کنید که این کتاب اساسا برای مریدان شری ستیا سایبی بابا در نظر گرفته شده و فرض میشود که خواننده از قبل با تفصیل زیاد درباره ستیا سایبی آواتار میدانند. نظراتی که ابراز شده منحصرأ شخصی هستند و ضرورتا نظرات گروه یا سازمانی را منعکس نمی کنند.

آیا سوآمی بر خواهد گشت؟

بله، من هیچ شکی ندارم!

همه ما مریدان سایبی به تحسّم آینده سوآمی به عنوان پرما سایبی بابا ایمان داریم. اما من درباره برگشت صحبت میکنم. ظهورش در همان فرم فیزیکی شری ستیا سایبی بابا میگویم.

چه چیز مرا وامیدارد اینطور فکر کنم؟

کلام سوآمی هرگز غلط در نمی آید. هرچه گفته است مقید است رخ دهد. با آن یقین، هر چیز دیگر نامربوط میشود. در فصول بعدی کلامش که اشاره روشن تاملین میکند که هنوز آن زمان ناپدیدی نهائی اش نبود را خواهید دید. همچنین خواهید دید چرا نمی تواند هیچ تغییری در نقشه سوآمی باشد. تاجائی که به من مربوط میشود، این فقط یک چیز معنی میدهد. که او مطمئنا بر خواهد گشت!!!

سوآمی همچنین نشانه های مبهوت کننده ای درباره برگشت قریب الوقوعش تاملین کرده است. به علاوه، تعدادی پیش بینی های حیرت انگیز در نوشته های بی نظیر معینی وجود دارد که به وضوح ورود مجدد سوآمی را پیش بینی می کنند. لطفا به خواندن ادامه دهید...

درباره این کتاب

روز یک شنبه بیست و چهارم آوریل ۲۰۱۱ حدود ساعت دو صبح من با صدای تلفن از خواب عمیق بیدار شدم. یک برادر سایه تلفن زد تا خبر تکان دهنده را بدهد. چون روح من در نگرانی فرو رفت، قلبم خارج از کنترل شروع به تپیدن کرد، ناگهان احساس کردم یک نفر به شانه راست من ضربه ملایم میزند گویی مرا تسلی میدهد. من چرخیدم تا زخم را تصدیق کنم فکر کردم که آن او بود، دیدم خیلی دورتر نشسته است. فوراً فهمیدم که آن او بود و یک احساس عجیب آرامش بر من مستولی شد.

وقتی به آن لحظه غم انگیز برمیگردیم مطمئن هستیم می توانیم دست نادیده را بیاییم که کمک میکند هر یک از ما ضربه را بگذرانیم. آن میتوانست در شکل یک لمس، یا یک خواب یا دیدی یا حتی از طریق گفته ای آرام کننده از یک مرید سایه دیگر یا عضو خانواده بوده باشد، آن میتوانست هرچیز باشد. تنها با حیرت و بخت زیاد است که می توانم از محبت بیکران و رحمت الاهی فکر کنم که مطمئن میشد همه مریدانش شوک را بگذرانند.

در خلال آن چند روزی که سوآمی "ترک کرد." افکار زیادی به ذهنم خطور کرد. نمی توانستم بپذیریم که سوآمی مثل آن بتواند ترک کند. آن هم، خیلی زود تر از زمان پیش بینی شده. با هرمریدی که صحبت کردم به یک معجزه امیدوار بود و یک احساس عمومی وجود داشت که شاید سوآمی دوباره خود را زنده کند. چون بدن در ماهاسامادی اش قرار داده شد، آن امید هم محو شد. در این ضمن، برخی از کانال های خبری تلویزیون داستانی را منتشر کردند که میگفت چگونه سوآمی به برخی از دانشجویانش گفته بود که برای مدت چهل روز غیبت میکند و پس از آن بر خواهد گشت. گفته میشود این در کتابی به عنوان تاپ و اتم نوشته شده است. من فوری یک جلد از کتاب را گرفتم و در واقع در سرتاسر خواندن آن گریه کردم. اما نتوانستم چیزی از آن نوع که ذکر شد بیایم. به زودی مریدان شروع به فکر کردن در باره انواع داستان ها کردند که چگونه سوآمی پیش گویی اش که نود و شش سال زندگی میکند را از قبل اجابت کرده بود. من توضیحاتی یافتم که سوآمی می توانست درباره سال های قمری صحبت کرده باشد و نه سال های تقویم عادی. آن نظریه تا

اندازه ای متقاعد کننده بود. اما وقتی با دقت آنرا تجزیه و تحلیل کردم هیچ راهی وجود ندارد که سوآمی می توانست درباره سالهای قمری صحبت کرده باشد. هیچ نباشد سوآمی هرگز نمی توانست خطا کند. اما وقتی با دقت تجزیه و تحلیل کردم اصلا راهی نبود که سوآمی درباره سال قمری صحبت کرده باشد. من برخی از تضادهای خود سوآمی را یافتم که مرا مجاب کرد که او سال قمری را در نظر نداشت. راز همچنان باقی ماند.

حالا وقتی به عقب نگاه میکنم و به آن چند روز فکر میکنم می فهمم که جریان فکری من با احساسات هدایت میشد و نه با تعقل. حتی تعقل نمی توانست کمک کند زیرا سوآمی فراتر از آن هم هست. هرکار سوآمی میکند فراتر از درک ماست. در اینصورت چرا باید سؤال کرد؟ فهمیدم تمام آنچه باید بکنم آنست که فقط "باشم" و سوآمی با بدن یا بدون بدن همیشه با ماست. ناپدید شدن بدن به یک طریق به من کمک کرده است قدم های کوچکی به سوی رفتن فراتر از فرم بردارم و سعی کنم او را در همه کس و همه چیز ببینم. شاید آن هدف تمام این نمایش باشد، که مریدانش را وادارد فراتر از دلبستگی بدنی بلند شوند. اگر بتوانم بگویم، بدنش فقط یک تصویر از حوزه ای نامعلوم مثل یک هولوگرام یا "مایا" در پراشانتی نیلایام بود تا خدا بتواند با انسان ها رابطه برقرار کند. حتی ناپدید می تواند تنها به درک نشدنی خودش که همیشه بود ملاحظه شود!

ماهاشکتی (انرژی خدا) لباس مایا شکتی (انرژی توهمی و فرم هایش) می پوشد تا هدف تماس گرفتن و حمایت کردن نوع بشر را اجابت کند.

گفتارهای ستیا سایی جلد ۱ فصل ۳

من مجبور هستم مایا شکتی بپوشم تا به میان شما بیایم، مثل پلیس که مجبور میشود لباس دزد بپوشد تا بتواند وارد گروه دزدان شود تا آنها را دستگیر کند و آنها را مورد مواخذه و تنبیه قرار دهد! خدا نمی تواند با ماهاشکتی اش آسیب نزده پائین بیاید؛ او باید با شکوه کم شده و درخشندگی محدود بیاید، تا بتواند هدف باکتی و خدمت اهدایی شود.

گفتارهای ستیا سایی جلد ۱ فصل ۳

این کتاب درباره تلاش به درک کردن سوآمی و راههای سری اش نیست. حتی اولیا و روح های پیشرفته سعی کرده اند و شکست خورده اند که طبیعت حقیقتش را درک کنند. در نقشه اش هم نمی تواند تغییری وجود داشته باشد. نه اینکه آن واقعا مهم است زیرا او تنها می داند برای این جهان چی بهترین است. نجات جهان واقعا مشکل سوآمی است. من کیم که نگران باشم؟ اگر فقط بتوانم تعالیمش را پیروی کنم و خودم را نجات دهم، آن یک مشکل کمتر برای اوست که با آن برخورد کند، سوآمی قبلا ثروتی از تعالیمش را به ساده ترین زبان ممکن که حتی معمولی ترین انسان می تواند بفهمد، راه حل رسیدن به اوج هستی خودش یعنی رستگاری را جا گذاشته است. چه چیز بیشتر مانده که تعلیم دهد اگر وقتی که برگردد؟

معدالک، آن مرا از باور اینکه زمان ناپدید شدنش از این جهان نبود متوقف نمی کند. اظهارات خود سوآمی که در سخنرانی های زیادی یافتم گمان مرا اثبات کرد. اگر وقتش نبود که ترک کند آنوقت آن هم باید درست باشد که بر خواهد گشت. من مریدان سایه زیادی منجمله دانشجویان سابق موسسه آموزش عالی شری ستیا سایه را یافتم که همان گمان، همان ایمان را سهیم میشوند.

من هیچ نقشه ای نداشتم این را بنویسم تا حدود آخر ژانویه ۲۰۱۲ که میلی ناگهانی احساس کردم که مقاله ای درباره امکان ظهور مجدد سوآمی بنویسم. درباره این با یک دوست مرید سایه صحبت کردم و او هم مرا تشویق کرد. او درباره یک خواب زیبا که درباره ظهور مجدد سوآمی داشت برایم گفت. من همچنین درباره چند مرید دیگر شنیدم که خواب های مشابه ای درباره "برگشت" سوآمی داشتند. چون شروع به نگاه کردن بیشتر کردم مقداری خبر حیرت انگیز ظاهر شد. دست نادیده اش را احساس کردم که دارد کار میکند. روشی که در آن مواد مختلفی برای اینکار بدست آوردم نمی تواند چیزی کمتر از معجزه فرض شود. آنچه که به عنوان یک مقاله شروع شد بقدری استادانه ساخته شد که مجبور شدم آنرا کتاب بخوانم!

این تلاشی نیست که پیش گویی کند چه رخ خواهد داد. این کتاب شکل یک پژوهش آموزشی که از آن اصل اساسی "او آنطور گفت، باید آنطور رخ دهد" را میگیرد. همچنین

می تواند چون تلاشی متواضعانه برای روی هم گذاشتن تکه و پارهای اطلاعات به صورت شکلی معین نگاه شود و آنرا به یک جویا شونده مشتاق ارائه داد. راز سوآمی نمی تواند درک شود. بهترین کاری که می توانیم بکنیم آنست که در آن غرق شویم. تنها چیز قطعی آنست که هرچه او گفت مقدر است رخ دهد. درباره آن تردیدی وجود ندارد. اما تنها او میداند چگونه. چون امکانات زیادی وجود دارد. یک چند سال از حالا قادر خواهیم بود در حیرت و تحسین برگردیم که چگونه همه چیز درست همانطور که او حکم داده بود واقع شدند. اما برای حالا، آنچه که من در توانایی محدود انسانی خودم فرض میکنم چند امکان هستند. باوجودیکه منبع اصلی اطلاعات سخنرانی های سوآمی بوده اند، من همچنین به اطلاعات معتبری در چند کتاب درباره او نگاه کردم. سایر اطلاعات که شامل تجربه های برخی از مریدان برجسته، اطلاعات نادی که به آنها به واسطه تجربه شخصی ایمان مطلق دارم و پیشگویی هایی که جزئی از کتب مقدس برخی مذاهب هستند را ملاحظه کردم. بیش از هرچیز، محاب شدگی خودم به سخنان گورو، پروردگارم شری ستیا سایی بابا است که به این کتاب منجر شده است.

هدف من به طریق عمومی میتواند درک شود تنها با جاداً و هوشیارانه تماشا کردن، سعی کنید با توجه صبورانه به معنی هر حرف و عمل برسید.

گفتارهای ستیا سایی جلد ۲۹ فصل ۲۹

آن دقیقاً کاری است که کوشیده ام انجام دهم. من مشتاقانه و جدأً برای یافتن سرخ هایی در سخنرانی هایش جستجو کردم و سعی کردم با توجه صبور به مفهوم سخانش برسم. میل دارم خوانندگان را مطمئن سازم که این یک تلاش بیهوده از طرف یک روح گمشده که نا امیدانه تلاش میکند خود را با مرگ گرویش وفق دهد نیست. بلکه از شما تقاضا میکنم بر این به عنوان عقیده محکم یک شاگرد وفادار که به کلام گرویش بیش از چشمان خودش اعتماد میکند، بنگرید.

رحمتی که موجب میشود لال حرف بزند

وچلاق از قله بالا برود

دلیل کار برجسته جدی من است
که آنرا در پاهای نیلوفرین تو می گذارم.

بخش ۱

کلام من هرگز خطا نمی‌رود

فصل یک

آیا سوآمی داشت در سالهای قمری میگفت

پس از اینکه سوآمی بدنش را ترک کرد، تمام برادران و خواهران سایبی به دنبال توضیحی برای ناپدید شدن ترش گوش بزننگ بودند. سوآمی هرگز نمی توانست در اشتباه باشد. هرچه او گفته است رخ خواهد داد. لذا صرفاً خیلی طبیعی است که پذیرفت سوآمی در سن هشتاد و پنج سالگی (اگر دقیق باشیم هشتاد و چهارسال و پنج ماه) خیلی جلوتر از سن نود و شش پیش گویی شده ترک کرد، که باید راجع به سیستم تقویمی دیگری مثل تقویم قمری (یا سال های قمری) صحبت میکرد. وقتی بار اول درباره این شنیدم، من هم مستعد شدم آنرا به عنوان یک احتمال قبول کنم. اما چون به جزئیات بیشتری به انضمام کلام سوآمی در باره زندگی نگاه کردم، به حد کافی روشن شدم، کاملاً مجاب شدم که سوآمی بر حسب سال های قمری صحبت نمی کرد. اگر اینطور است، به فرض اینکه پیشگویی سوآمی مآلاً اجابت شود، آیا ممکن است که او در همان فرم برگردد. درحقیقت آن فکری است که ماشه بررسی مرا کشید و عاقبت مرا به این کتاب راهنمایی کرد.

تئوری سال قمری

میریدان سایبی زیادی ایمان دارند که سوآمی درباره طول عمرش راجع به سال قمری هندو (یا هندی) سنتی صحبت میکرد. من توضیح زیر را که در اینترنت شناور بود یافتم.

اینجا بحثی از سن سوآمی وقتی که بدنش را ترک کرد وجود دارد.

در سخنرانی اش در نهم سپتامبر ۱۹۶۰ (فصل ۳۱ از گفتارهای ستیا سایبی جلد ۱) سوآمی گفت، "من در این فرم انسانی فانی برای پنجاه و نه سال بیشتر خواهم بود، و یقیناً هدف این آواتار را بدست خواهم آورد، شک نکنید. تا جایی که به شما مربوط است، من زمان خودم را میگیرم تا نقشه ام را انجام دهم. نمی توانم عجله کنم زیرا شما عجله می کنید. ممکن

است گاهی اوقات صبر کنم تا بتوانم در یک ضربت ده چیز را بدست آورم؛ درست همانطور که یک موتور بکار برده نمیشود تا یک واگن را بکشد، بلکه منتظر میماند تا برای عمل کشیدن متناسب با توانش آماده شود. اما کلام من هرگز اشتباه در نخواهد آمد؛ آنطور که اراده میکنم باید رخ دهد." آن به معنی آنست که سوآمی بدنش را در سن نود و سه یا نود و چهار رها میکند، چون او بیست و سوم نوامبر ۱۹۲۶ متولد شد. اما او فرم فیزیکی اش را در بیست و چهارم آوریل ۲۰۱۱ (روز رستاخیز مسیح) در ساعت ۴:۰۷ صبح در سن هشتاد و چهار سالگی ترک کرد. توضیح برای این اختلاف چیست؟ اینجا یک توضیح ممکن است.

سوآمی ممکن است از سال های قمری صحبت کرده باشد نه سالهای خورشیدی. اینجا با استفاده از اطلاعاتی که در اینترنت یافتیم یک محاسبه سریع وجود دارد. سوآمی ۳۰۸۳۳ روز زندگی کرد. ماههای قمری حد متوسط ۲۱ / ۲۷ روز هستند، در سال قمری دوازده ماه وجود دارد. بدین نحو سوآمی ۱۱۳۳ ماه قمری ۴ / ۹۴ سال قمری زندگی کرد. لذا، به آن معنی، وقتی بدنش را ترک کرد، نود و چهار ساله بود.

حالا بیائید بکوشیم توضیح فوق را تشریح کنیم. باوجودیکه تقویم هندو یک ماه شامل بیش از ۲۱ / ۲۷ روز است (بعدا توضیح داده میشود)، فقط به خاطر بحث بیائید این تعداد را برای محاسبه بکار ببریم. توضیح بالا درباره سن سوآمی در موقع ترک فرم فیزیکی اش مناسب بود اگر او در سخنرانی فوق ذکر کرده بود که نود و چهار سال زندگی میکند. اگر مورد آن بود میتواند بحث شود که ۹۴ سال قمری برای ۸۴ سال استاندارد (که در بسیاری جاها تقویم گرگورین بکار میبرند) است که سوآمی در واقع در بدنش زندگی کرد. اما آنچه که سوآمی در واقع گفت " من در این فرم انسانی فانی برای ۵۹ سال بیشتر زندگی خواهم کرد " بود. بنابراین محاسبه سال قمری باید فقط برای آن ۵۹ سال بکار برده شود و نه کل ۹۴ سال برحسب توضیح فوق. سوآمی این اظهار را در نهم سپتامبر ۱۹۶۰ کرد. سوآمی بدنش را در بیست و چهارم آوریل ۲۰۱۱ ترک کرد. بین آن دو تاریخ، سوآمی برای ۱۸۴۸۹ روز در بدنش بود. آیا این برابر با ۵۹ سال قمری است؟ بیائید کنترل کنیم.

الف . تعداد روزهای سال قمری ۵۲ / ۳۲۶ روز = ۱۲ ماه ضربدر ۲۱ / ۲۷ بدین نحو :

برابر سال قمری ۵۶ / ۶۳ = ۳۲۶ / ۵۲ بخش به ۱۸۴۸۹ روز (حدود ۵۷ سال) است.

آنطور که در فوق نشان داده میشود این دوره بالغ بر حدود ۵۷ سال میشود پس ما باید چگونه حساب کنیم؟ سوآمی از پیش بینی اش دو سال کم داشت.

اما ما هنوز تمام نکرده ایم درست یکسال بعد سوآمی یک اظهاریه مشابه کرد.

شما شاهد خواهید شد که پوتاپارتی یک مادورا ناگار (محل تولد کریشنا) میشود. هیچ کس نمیتواند این توسعه را متوقف کند یا به تاخیر بیاندازد. من شما را رها نخواهم کرد، و نه هیچیک از شما مرا رها خواهید کرد. حتی اگر ایمان خود را از دست بدهید، خیلی زود توبه خواهید کرد و به این پناه برخواهید گشت. برای اجازه ورود فریاد میزنید. من برای پنجاه و هشت سال دیگر در این بدن خواهم بود؛ به شما از این قبلاً اطمینان داده ام. زندگی شما با کار دنیوی من به هم پیچیده میشود. مطابق با آن امتیاز بزرگ عمل کنید.

گفتارهای ستیا سایی جلد دوم پراشانتی نیلایام ۲۱ اکتبر ۶۱

آنطور که در نقل قول فوق دیده میشود، سوآمی در بیست و یکم اکتبر ۱۹۶۱ اعلام کرد که او در این بدن برای پنجاه و هشت سال بیشتر خواهد بود.

ب. پس از دادن اظهاریه فوق سوآمی ۸۲.۱۸ روز در بدنش بود. اگر ما همان محاسبه سال قمری را مثل قبل بکار ببریم، این تنها به ۴ / ۵۵ سال قمری بالغ میشود. خُب ما سه سال کم داریم! آنوقت باز هم یک موضوع بزرگتر ماه تقویم هندو است که بیش از ۲۱ / ۲۷ روز است. برحسب تقویم هندو یک ماه دارای ۲۹ روز و ۱۲ ساعت و ۴۴ دقیقه است. اگر ما این تعداد را در محاسبات فوق بکار بگیریم اختلاف معتنابه است! برای مثال ۱۸۴۸۹ روز (به بالا مراجعه فرمائید) / ۲ / ۵۲ سال خواهد بود، تفاوت تقریباً هفت ساله (از ۵۹ سال در اظهاریه سوآمی) وجود دارد.

فرض ۲۱/۲۷ روز در یک ماه قمری از عهد ماه گره می‌آید؛ آن دوره ای است که در آن ماه به همان گره از مدارش برمیگردد (گره‌ها دو نقطه ای هستند که در آن مدار ماه از سطح مدار زمین میگذرد) در یک وسط آن طول مدت حدود ۲۱/۲۷ روز است. اینها مطابق با ۲۷ ناک شات راس از ماه تقویم هندو است اما نه به تعداد روزها در یک ماه (همان ناکشتراس میتواند تکرار شود در یک ماه معین). معذالک، حتی اگر ما این تعداد را برای محاسبه مان بکار ببریم هنوز به سبب دلائلی که در محاسبات ذکر شد جمع الف و ب فوق که حدود دو و سه سال را به ترتیب نشان میدهند نمیشود.

لذا به وضوح روشن است که سوآمی برحسب سال قمری صحبت نمی‌کرد.

مورد مرید صد ساله

شخص مشهور دیگری در اعتقاد اینکه سوآمی سال های قمری را استفاده کرده آنستکه او به برخی از مریدان سالخورده اش به عنوان داشتن " یکصد سال زندگی کرد" باوجودیکه آنها زندگی نکردند اشاره کرده بود. مثلا، شری گاندی کُتا سوپرمِنیا شاستری بزرگ، پاندیت سانسکریت مشهور و مرید سوآمی که از طریق او سایی گایاتری آشکار شد در سن نود و سه در سوآمی ادغام شد. اما، سوآمی به نوه های شاستری اشاره کرد که پدربزرگشان یک ماهاریشی بود که به صدسالگی رسید (گرچه او نود و سه ساله بود). سوآمی همچنین این را در یکی از سخنرانی هایش ذکر کرده بود. در خلال سخنرانی دیگری سوآمی به یک مرید برجسته شری سه شاگپری راثو که در سن هفتاد سالگی¹ اش در گذشت اشاره کرد که او هم یکصد سال زندگی کرد.

پدر دکتر پادمانابان، سه شاگپری در سن شصت و سه پس از بازنشستگی به اینجا آمد. او هم یکصد سال زندگی کرد و یک مرگ آرام داشت.

گفتارهای ستیا سایی جلد ۳۶ فصل ۲۰

¹ برطبق مطلبی در رادیو سایی، شری سه شاگپری راثو، سوآمی را بار اول در سال ۱۹۴۳ وقتی که پنجاه و هشت ساله بود دید. از منبع دیگر، سه شاگپری راثو در سال ۱۹۶۱ مرد، لذا باید ۷۵ یا ۷۶ ساله بوده باشد

او درباره همان مرید در سخنرانی دیگری اشاره میکند:

جلوتر در پراشانتی نیلایام سه شاگری راثو بود. او افسر بزرگی بود. عادت داشت آراتی بدهد. او برای صد سال زندگی کرد.

سخنرانی الاهی، پراشانتی نیلایام، ۲۲ اوت ۲۰۰۱

اگر ما فقط این نمونه‌ها (از شری شاستری و شری راثو) را جداگانه به تنهایی مورد توجه قرار دهیم، ممکن است وسوسه شویم باور کنیم که سوآمی برای محاسباتش سیستم سالنامه متفاوتی را بکار می‌برده است. موضوع این حقیقت نیست که دو سن مختلف برای یکصد سال فرض شده است. به علاوه، کجا می‌توانیم تقویمی پیدا کنیم که بتواند بیش از بیست سال اختلاف^۱ را در چرخه‌هایش جذب کند، مثل مورد شری شاستری راثو؟

در میان مریدان دیگر که سوآمی در سخنرانی‌هایش نام برده بود که بیش از یکصدسال رسیده‌اند شری گپال راثو و سوآمی کارون یا ندا بودند؛ هر دو آنها در واقع بیش از یکصد سال زندگی کردند. جالب است توجه کرد که شری گپال راثو زنده بود و نود و شش سال داشت وقتی سوآمی آن اظهار را در باره او کرد. چهار سال بعد در دسامبر ۲۰۰۷ در روز تولد صدسالگی واقعی گپال راثو، سوآمی این مرید بزرگ قدیمی را در یک مراسم تبریک مفتخر کرد.

برای درک اینکه واقعا سوآمی با بیان "او یکصد سال زندگی کرد" چه منظوری داشت، ما باید به متن نگاه کنیم که در آن او این اظهار را کرد. برای آن ما احتیاج نداریم به بیش از همان سخنرانی نگاه کنیم. (آنطور که در بالا ذکر شد) در هفتاد و هشتمین روز تولدش جایی که می‌گوید:

می‌خواهم یک چیز مهم دیگر به شما بگویم. اینجا، در پراشانتی نیلایام، تمام مریدانی که زندگی‌هایشان را به سوآمی اهدا می‌کنند برای یکصد سال کامل زندگی می‌کنند. کستوری اینجا آمد و یک زندگی کامل را گذراند.

^۱ بین صد سال توصیف سوآمی و سن واقعی سه شاگری راثو

گفتارهای ستیا سایی جلد ۳۶ فصل ۲.

ما همه میدانیم که کستوری در سن نود سالگی درگذشت. اگر اظهاریه فوق را از نزدیک بررسی کنیم می توانیم به وضوح بفهمیم که "زندگی کردن برای صد سال" فقط یک اظهار بود که سوآمی بکار میرد به منظور اینکه اشاره کند که مریدان "زندگی کامل" زندگی کرده بودند. سوآمی از مریدی که تا سن صد زندگی میکند چه انتظار دارد؟

در سن صد شخص باید استاد پنج اندام کار و پنج اندام حسی شده باشد و باید با خدا یکی شود. پنج اندام کار عبارتند از گفتگو کردن، راه رفتن، دفع کردن (فضولات)، تولید مثل کردن و خوردن. پنج اندام حسی عبارتند از شنوایی، لامسه، بینایی، چشایی و بویایی.

گفتگوبا ستیا سایی بابا، دکتر هیسلاپ، ص ۴۲

هرمریدی که زندگی کامل را میگذراند و به توقع بالای سوآمی میرسید، صرفنظر از سن واقعی اش در حس معنوی مطلق، صد سال زندگی میکرد. محل های زیادی در هند به خصوص در روستاها، بزرگترها عبارت "انشالله برای صد سال زنده باشی" را بکار میرند تا جوانترهایشان را برکت دهند. آن فقط به این معناست که "یک عمر طولانی و ارضا کننده ای داشته باشد." رد پای اصل این عبارت "جیوم شَرَدَها شاتم" دعایی برای طول عمر است. کلمه سانسکریتی شاتم در حس عددی اش بر عدد ۱۰۰ دلالت میکند، اما آن همچنین از نظر متنی به معنی "یک مدت طولانی" است. معنی کامل منترا بدین نحو است: بگذارید آدم مومن یک زندگی طولانی، کامل و قانع را بگذراند. "میل دارم گفته شری پاراماها مسا پرگ نیانندا از موسسه کریا یوگا درباره معنی واقعی شاتم حیوات را قرض کنم: یک دوره صد ساله که سمبول کمال است. آن فقط عدد مادی نیست. بطور نمادین به ما میگوید یک زندگی با محبت و ارادت را بگذرانید. در شماره ۱۰۰ اگر عدد ۱ حذف شود آنوقت .. هیچ ارزشی ندارند. بطور مشابه اگر خدا یا عشق کم شود، زندگی بی ارزش است.¹

این مردمان قدیمی سوآمی نمونه هایی از عشق و ارادت بودند، یک "شاتم" سال از زندگی اینکه آنها در موقعی خود را بطورکامل به خدمت پاهای نیلوفرین خدا تسلیم کرده بودند، پُر و کامل زندگی می کردند.

شاهد بیشتر

بیائید کلام زیرین سوآمی در هفتاد و نهمین سال تولدش را بررسی کنیم:

امروز روز تولد این بدن است. آیا من هفتاد و نه ساله به نظر میرسم؟ نه اصلا!! مردم در این سن بیماری های زیادی میگیرند. گوش هایشان از شنیدن ضعیف میشوند، چشمان آب مروارید میآورند، چروک ها روی پیشانی شکل میگیرند. برای من، تمام اندام ها کاملا طبیعی هستند. هیچ چروکی روی پیشانی ام نخواهید یافت. نه فقط حالا، حتی در سن هشتاد یا نود من تنها مثل این خواهم بود!!!

سخنرانی الاهی، پراشانتی نیلایام، هفتاد و نهمین روز تولد، ۲۳ نوامبر ۲۰۰۴

چون سوآمی در روز تولد هفتاد و نه سالگی اش ۷۹ سالگی را نام برد، حداقل در اینمورد یقین است که سوآمی در معنی تقویم معمولی سال ها صحبت میکرد. لطفا به ذکر سن نود در همان سخنرانی توجه کنید که به وضوح به اینکه او خیال دارد فراتر از نود سالگی در بدنش باشد "سالهای تقویم عادی" معنی میدهد.

شرح حال نویسنده سوآمی توضیح میدهد

شری را. گناپاتی مرحوم یک مرید خیلی نزدیک باگاوان و یک دانشمند عمیق کتب مقدس به زبان های مختلف بود. او یک سری شرح حال به اسم " بابا : ستیا سایی" نوشت که ستایشی با شکوه از زندگی باگاوان شری ستیا سایی فرض میشود. و در زیر حادثه ای است در یکی از مجلدات آن که ذکر میشود:

دانشجویان کالج او(سوآمی) امتیاز دیدن آفرینش بی نظیر در دوره تابستانی اوتاکاموند در ژوئن ۱۹۷۶ را داشتند. سوآمی اعلام کرد شما می بینید که او تا نود و شش سالگی اش در

این بدن زندگی میکند. اضافه کرد در چهل و شش سال باقیمانده، هیجده موسسه مهم به وسیله او در سراسر هند ساخته میشود (۰۰۰)

بابا: ستیا سایی بخش دو، را. گناپاتی، صفحه ۸۵

آنچه که احتیاج است اینجا توجه شود آنست که سوآمی نه تنها ذکر میکند او تا ۹۶ سالگی زندگی میکند بلکه همچنین تعیین میکند او ۴۶ سال بعد از ۱۹۷۶ وجود خواهد داشت. سوآمی در آن موقع پنجاه ساله بود و به آن دلیل است او درباره "چهل و شش سال باقیمانده" از کل ۹۶ سال صحبت میکند. چون او بطور غیر مستقیم سن واقعی اش در آن زمان را در تقویم سال های معمولی تصدیق میکند، آن فقط منطقی است که فرض کنیم که ۹۶ و ۴۶ ذکر شده هم در سالهای تقویم معمولی هستند. او نمی توانست در یک زمان از دو تقویم مختلف استفاده کند. به علاوه، پس از ۱۹۷۶ (تا ۲۰۱۱) سوآمی فقط برای سی و پنجسال در بدنش بود. آن کاملاً روشن است که ۳۵ سال تقویم استاندارد نمی تواند برابر با ۴۶ سال هر تقویمی باشد^۱ چه رسد به تقویم قمری.

شاید محاب کننده ترین شاهد از تمام شواهد می تواند در حرف هایی که مرحوم کستوری، شرح حال نویس برجسته منتخب داستان زندگی خدا، پشت سر گذاشته یافت شود.

بابا به ما اطمینان داده است که او در فرم انسانی فراتر از سال ۲۰۲۰ باقی خواهد ماند.

زندگی باگاوآن شری ستیا سایی بابا، ن. کستوری ص ۲۳۵

سوآمی خوشبختانه برای ما، با تعیین کردن سال به جای سن، از طریق برجسته ترین پیامبرش، کستوری این مناظره را یکبار برای همیشه مهر کرد و هیچ مجالی برای حتی مفهوم دوگانه ن میدهد!

^۱ آن تقویمی با ۲۳ روز در ماه و ۲۷۶ روز در سال می خواهد

فصل دو

نقشه او چیست

در فصل قبلی، ما از پیش دیدیم که سوآمی درباره سالهای قمری صحبت نمی کرد.

آیا سوآمی نقشه اش را آنوقت تغییر داد

پس چه رخ داد؟ چرا این اختلاف؟ آیا سوآمی نقشه اصلی اش را تغییر داد و تصمیم گرفت زودتر ترک کند؟

وقتی درباره این پرسیدم، برخی مریدان می گفتند، "سوآمی میتواند نقشه اش را هر زمان تغییر دهد." البته، میتواند! او آواتار است. او خداست. قادر است هرکار که می خواهد بکند. اما آنچه را که من نمی فهمم خرد متهم ساختن آواتار از پیش گویی نکردن تغییر "فرضی" نقشه خودش است. آن هم، پس از شنیدن چندین اظهار مثبت معکوس؟ اظهاراتی از نوع زیرین:

کلام من هرگز خطا نمی رود؛ باید آنطور که اراده میکنم رخ دهد.

گفتارهای ستیا سایی جلد ۱ فصل ۳۱

هرچه می خواهم باید رخ دهد؛ هرچه طرح میکنم باید موفق شود.

گفتارهای ستیا سایی جلد ۱۲ فصل ۳۸

همینکه حرفم را میزنم، باید بر همان قرار رخ دهد. تردید نکنید.

گفتارهای ستیا سایی جلد ۱ فصل ۱۶

هیچکس وجود ندارد که راه مرا تغییر دهد یا بر رفتارم کمترین تأثیری بگذارد. من خداوند همه هستم.

گفتارهای ستیا سایی جلد ۱ فصل ۳.

هر قدم در حرفه آواتار از پیش تعیین میشود.

سخنرانی الاهی ۲۳ نوامبر ۱۹۶۸

خدا هرگز از حرفش منحرف نمی شود.

گفتارهای ستیا سایی جلد ۲ فصل ۲۲

فعالیت ها و حرکات من هرگز تغییر نخواهد کرد، هرچه که شخص ممکن است درباره آنها بگوید.

گفتارهای ستیا سایی جلد ۵ فصل ۴۲

نظر به اجبار شرایط چند تغییری ممکن است رخ دهد. آنها دائم نیستند. به خاطر چنین رخدادهایی من را هم را تغییر نخواهم داد.

گفتارهای ستیا سایی جلد ۱۷ فصل ۱۴

تمام اظهاریه های فوق به نفع خودشان صحبت میکنند. برای من، مخصوص ترین و موکدترین گفته، "همینکه حرف من بیرون می رود، باید بر همان قرار رخ دهد." است. او صرفا با گفتن اینکه او میداند هر چه قرار است رخ دهد متوقف نشد. آن گفته معین بود. او فرای آن رفت و ادعا کرد: هرچه بیرون می آید، رخ میدهد! تغییر نقشه؟ میگویم، تنها برای نه گویندگان!

پس نقشه اش چیست؟

تنها خدا از نقشه آگاه است، زیرا مال او نقشه است. شما فقط جزئی از نمایش را بر روی صحنه می بینید و لذا همه خیلی پیچیده است. وقتی کل داستان باز میشود، آنوقت نقشه او را قدر دان خواهید شد، نه تا آن وقت.

گفتارهای ستیا سایی جلد ۱ فصل ۳.

هیچ کس نمی تواند انتظار داشته باشد یا پیشگویی کند نقشه هایش چه هستند. سوآمی بارها نام برده است که ما باید نامطمئنی او را دوست داشته باشیم. تنها چیزی که یقین

است آنست که هرچه او گفته است مقرر است رخ دهد. چگونه؟ کی؟ کجا؟ ... پاسخ ها فراتر از ما فانی ها هستند. تنها زمان راز را باز خواهد کرد.

نامطمئنی مرا دوست بدارید! زیرا آن اشتباه نیست. آن قصد و خواست من است. بخاطر داشته باشید، هیچ چیز بدون خواست من رخ نمیدهد. آرام باشید. نخواهید فهمید. تقاضا نکنید که بفهمید. فهمیدن را ترک کنید. صرفنظر کنید امری که تقاضای درک میکند.

ستیم، شیوم، سوندارم، بخش ۳

سوآمی درباره طول عمرش روی زمین صحبت میکند

درچندین موقعیت سوآمی درباره طول عمرش روی زمین صحبت کرده است. برخی از آنها اعلان های عمومی بودند (درسخنرانی ها) و حال آنکه برخی دیگر در خلال مصاحبه های خصوصی بودند که بعدها در کتاب هایی که به وسیله مریدانی که در مصاحبه حاضر بودند نوشته شد. گرد آوری زیر شامل برخی از نقل قول های متکی به سند از سخنرانی های سوآمی و کتاب ها هستند:

۱. من در این فرم انسانی فانی ۵۹ سال دیگر خواهم بود و یقیناً هدف این آواتار را بدست خواهم آورد؛ شک نکنید.

سخنرانی الاهی، پراشانتی نیلایام، ۲۹ سپتامبر ۶۰

(برطبق نقل قول فوق، سوآمی تا سن ۹۳ یا ۹۴ زندگی خواهد کرد. ۵۹ سال بیشتر از ۱۹۶۰ سال ۲۰۱۹ خواهد بود. در ۲۰۱۹ سن سوآمی ۹۳ خواهد بود. پس از تولدش در ۲۳ نوامبر ۲۰۱۹ او نود و چهار ساله خواهد شد)

۲. من در این بدن ۵۸ سال بیشتر خواهم بود؛ قبلاً به شما درباره این اطمینان داده ام.

سخنرانی الاهی، پراشانتی نیلایام، ۲۱ اکتبر ۶۱

(به همان صفحه که نقل قول اول است اشاره میشود)

۳. نه تنها امروز، تا ۹۶ سالگی من شبیه این خواهم بود.

گفتارهای ستیا سایی جلد ۳۶ فصل ۱۴

۴. (پروفسور کستوری): بابا به ما اطمینان داده است که او در قالب انسانی فراتر از

سال ۲۰۲۰ باقی خواهد ماند.

زندگی باگاون شری ستیا سایی بابا، ن. کستوری، ص ۲۳۵

(درسال ۲۰۲۰ سوآمی ۹۴ ساله خواهدبود. پس از روز تولدش در ۲۳ نوامبر، او ۹۵ ساله خواهدشد. چون پرفسور کستوری ذکر میکند فراتر از سال، ۲۰۲۰ می توانیم بپذیریم که این به سن بالاتر از ۹۵ اشاره می کند و می تواند ملاحظه شود که با نقل قول ۳ مطابقت دارد)

۵. مهمان^۱: آنوقت پریمای کار زیادی ندارد که انجام دهد! سوآمی جهان را آرام ساخته است.

سای: آن یک چهل سالی دور است. در آن موقع جهان امن خواهد بود. آن نام: پریمای سایی است. همه چیز، همه جا، عشق، عشق، عشق خواهد بود.

بابتم و من، هیسلاپ صفحه ۱۸۹، یک مصاحبه در دسامبر ۱۹۷۸

(گفتگوی فوق مدرک قطعی نمیدهد که سوآمی کی بدنش را ترک میکند اما یک سرنخ میدهد که پریمای سایی آواتار فراتر از ۲۰۱۸ خواهد بود و اینکه ستیا سایی آواتار از قبل جهان را تا آن موقع امن کرده است. باز هم این با نقل قول سوم جور است)

۶. یک قلم عجیب از این مصاحبه ناشی شد. بابا به ماگفت که او تا نود و چهار سالگی زندگی می کند.

معجزات مدرن، ارلندور هرالدسان، صفحه ۴۶

۷. یکی از پیش گوئی های بابا را من به خوانندگان رها خواهم کرد تا بموقع مقابله کنند؛ او مکررا تکرار کرده که او تا نود و چهار ساله شود زنده خواهد ماند.

معجزات مدرن، ارلندور هرالدسان، صفحه ۲۹۴

۸. این بدن تا سن نود و شش زندگی خواهد کرد و جوان خواهد ماند.

گفتگو با ستیا سایی بابا، ج. هیسلاپ صفحه ۸۳

^۱ مریدی در اتاق مصاحبه همراه با دکتر هیسلاپ

۹. دانشجویان کالج او (سوآمی) امتیاز دیدن آفرینش بی نظیر در دوره تابستان اوتاکاموند در ژوئن ۱۹۷۶ را داشتند. سوآمی اعلام کرد شما می بینید که او تا نود و شش سالگی اش در این بدن زندگی میکند. اضافه کرد در چهل و شش سال باقیمانده، هیچدهه موسسه مهم به وسیله او در سراسر هند ساخته میشود (...)

بابا: ستیا سایی، بخش دو، را. گناپاتی، صفحه ۸۵

در حالیکه سن سوآمی در برخی از نقل قول های فوق ۹۴ ذکر شده، در چند موقعیت دیگر ۹۶ سال نام برده است (برای ناپدید شدنش از زمین برخی پیش گویی ها درباره ستیا سایی آواتار هم سن نود و شش را ذکر می کنند.

بیابید تلاش کنیم تجزیه و تحلیل کنیم نقل قول های فوق را تا زمان پیش بینی شده سوآمی برای ترک زمین را تعیین کنیم.

الف. نقل قول ۱ و ۲ به چهار چوب زمانی بین اکتبر ۲۰۱۹ و اوت ۲۰۲۰ اشاره میکند.

ب. نقل قول ۳ و ۸ به معنی اینست که سوآمی بدنش را هر زمان بین دسامبر ۲۰۲۱ تا نوامبر ۲۰۲۲ ترک خواهد کرد.

پ. نقل قول های ۴ و ۵ می تواند به عنوان نقل قول مشابه نقل قول های ۳ و ۸ فرض شوند.

ت. نقل قول های ۶ و ۷ بر دور زمان از دسامبر ۲۰۱۹ تا نوامبر ۲۰۲۰ دلالت میکند.

ث. نقل قول ۹ بر تاریخی در سال ۲۰۲۲ (یا حتی اواخر ۲۰۲۱) اشاره میکند که می تواند فرض شود دربردارنده در نقل قول های ۳ و ۸ هستند.

اگر ما فقط تجزیه و تحلیل "الف" و "ت" جایی که سن نود و چهار ذکر میشود و آنها به هم مربوط هستند، ما دوره زمانی دسامبر ۲۰۱۹ تا اوت ۲۰۲۰ را خواهیم گرفت. در مقایسه با تجزیه و تحلیل "ب" (فرض می کنیم "پ" و "ث" مشابه "ب" هستند) بالای آنچه که به ۹۶ سال اشاره میکند می توانیم اختلاف بین دامنه پانزده ماه تا سی و شش ماه را ببینیم. به بیان

دیگر، بین دو روایت مختلف درباره طول عمر سوآمی، یکی که او ۹۴ سال ذکر کرده و دیگری که او ۹۶ سال نام برده اختلاف حد اقل پانزده ماه است.

(حداقل اختلاف بین و به استثنای اوت ۲۰۲۰ و دسامبر ۲۰۲۱ که به پانزده ماه میرسد حساب شد. حداکثر اختلاف چون بین و دربردارنده دسامبر ۲۰۱۹ و نوامبر ۲۰۲۲ که به سی و شش ماه میرسد حساب شد.)

یک توضیح ممکن

من هرگز یک کلمه نمی گویم که اهمیت نداشته باشد (...)

زندگی باگاوان شری ستیا سایی بابا، ن. کستوری، صفحه ۱۹۶

آیا برای اختلاف بین دو اظهاریه مختلف سوآمی توضیحی وجود دارد؟ ما تنها می توانیم تفکر کنیم چون تنها او میداند آن چه معنی میدهد. تنها چیزی که به یقین میدانیم آنستکه او اشتباه نمی کند. هرچه میگوید باید رخ دهد. با نگاه کردن از آن زاویه، می توانیم سعی کنیم نتیجه ای استنتاج کنیم.

از یک طرف سوآمی می گوید او در این بدن ۹۴ سال خواهد بود و در وقت دیگر او تعیین میکند که او برای ۹۶ سال در اطراف خواهد بود. پس آن چه معنی میدهد؟ آیا آن یک اشاره به اینکه سوآمی برای حدود دو سال خارج از بدنش خواهد بود نیست؟^۱ آن میتواند خیلی خوب یک امکان باشد. ثُب او هم اکنون خارج از بدنش است^۲ نیست؟

اگر ما "دوره اختلاف" که از تجزیه و تحلیل جلوتر من مشخص شده را بکار ببریم، به این معنی میتواند باشد که سوآمی ممکن است پس از پانزده ماه و قبل از سی و شش ماه از زمان ترک بدنش "برگردد". چون سوآمی بدنش را در ۲۴ آوریل ۲۰۱۱ ترک کرد، این دوره میتواند بین ژوئیه ۲۰۱۲ و آوریل ۲۰۱۴ باشد.

^۱ یا ناپدید شدن

^۲ در ۸ آوریل ۲۰۱۲ تاریخ انتشار اولین چاپ

به خرد من اعتماد کنید. من اشتباه نمی‌کنم.

سناتانا ساراتی، اوت ۱۹۸۴

فصل چهارم

پیش بینی های سایه برای آینده

سوامی چیزهای زیادی درباره خودش و ماموریتش گفته است. آنطور که ما میدانیم بسیاری از پیش بینی های سوامی هم اکنون واقع شده اند. اما برخی از آنها مقرر است در آینده نزدیک رخ دهند یا تنها قسمتی تاکنون رخ داده اند. من کوششی متواضعانه کرده ام تا تعدادی را جمع آوری و اینجا فهرست کنم. (لطفا توجه کنید که اینها فراهم میشوند تا صرفاً از اوقات شگفت آورتر آینده در ستیا سایه آواتار یقین بنا نهند.)

من مجبور خواهم شد وقتی از محلی به محل دیگر حرکت میکنم از اتومبیل و حتی هواپیما صرفنظر کنم، زیرا جمعیتی که اطراف آنها فشار می آورند خیلی عظیم خواهد بود؛ مجبور خواهم شد از طول آسمان حرکت کنم؛ بله، آن هم رخ خواهد داد. باور کنید.

گفتارهای ستیا سایه جلد ۱ فصل ۱۸

باور کنید روزی خواهد آمد، وقتی که به ندرت قادر خواهید بود جلوه کوچکی از رادیم را از فاصله ای دور تشخیص دهید، آن هم با تلاش بسیار. وقتی من از سرتاسر آسمان، از این سو به آن سو راه میروم، شکوه سوامی را درک خواهید کرد.

تاپ وائم شری ستیا سایه چاریترا، نوشته جندیالا ونکاتشور شاستری، ف ۱۱

قبلاً وقتی کوه گوردن به وسیله پسر کوچولو به بالا بلند شد، گپی ها و گپالاها درک کردند که کریشنا خداوند است. حالا نه یک کوه گوردن، یک سلسله بلند خواهد شد، خواهید دید! صبر داشته باشید، ایمان داشته باشید.

گفتارهای ستیا سایه جلد ۳ فصل ۱۵

(در این مورد سوامی میتواندست استعاره ای بکار برده باشد تا بزرگی وظیفه را توضیح دهد. اما با سوامی هرچیز ممکن است.)

باز هم شما چقدر سعادتمند هستید که می‌توانید شاهد تمام کشورهای جهان باشید که به باگاوان ادای احترام می‌کنند؛ می‌توانید طنین ستایش نام ستیا سایی را در سراسر دنیا بشنوید، حتی وقتی که این بدن مقابل شما هست. و بازهم، می‌توانید خیلی زود شاهد تجدید سناتانا دارما به اصل و وضع طبیعی اش باشید، دارمایی که در وداها برای خیر همه مردم جهان وضع شده است.

سخنرانی الاهی، ۱۷ مه ۱۹۶۸

این بدن گرفته شده است تا به هدفی: برپا کردن دارما و تعلیم دارما برسد. وقتی آن هدف رسیده شود، این بدن ناپدید خواهد شد، مثل حباب روی آب.

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۱۰، صفحه ۳۹

همانطور که از نقل قول های فوق معلوم است، سوآمی به روشنی درباره معجزات شگفت آور آینده درحالیکه هنوز در فرم کنونی خواهد بود صحبت میکند. سوآمی همچنین در باره اینکه چگونه تمام کشورها به هند ادای احترام خواهند کرد در حالیکه بدنش هنوز وجود دارد صحبت میکند. او همچنین از استقرار کامل دارما قبل از ناپدید شدن بدنش نام میبرد.

اظهارات سوآمی که در بالا اشاره شد وقایع آینده در خلال طول عمرش را به روشنی نشان میدهند. سوآمی همچنین نشانه هایی از چیزهای شگفت آورتر آینده در خلال آواتاری ستیا سایی داده است. برگزیده ای در زیر تامین شده که از سخنرانی ها و مصاحبه های مستند گرفته میشوند. نقل قول های اصلی در فصل دیگر "طلوع عصر طلایی ستیا سایی" تامین میگردد.

• وقتی پرما سایی می آید جهان از قبل آرام و امن خواهد بود.

• سوآمی طلایه دار عصر طلایی خواهد بود. آن زودتر از آنچه که هرکس انتظار دارد خواهد رسید. هیچ کس نمی تواند زیبایی آن عصر طلایی را تصور کند. آن فراتر از هر رویایی باشکوه، عالی خواهد بود.

• تغییر جهانی خواهد بود و در هر محل رخ خواهد داد.

- سایبی راشترا(ملت) سایبی برپا خواهد شد و درواقع خوشا به حال کسانی که قادر خواهند بود آن بهشت روی زمین را تجربه کنند.
- تمام آشوب ها به زودی از صفحه زمین از ریشه کنده خواهد شد. همه کس احساسات مقدس پرورش خواهد داد. همه از سرور محض الاهی لذت خواهند برد. سرتاسر قوم به زودی از آرامش و شادی بهره مند خواهند شد. هیچ مشکل یا رنجی نخواهد بود.
- مردم تمام کشورها متحد خواهند شد.
- در خواهید یافت که نام و فرم سوآمی به زودی همه جا تصدیق میشوند و آنها هر اینچ جهان را پر خواهند کرد.
- در اجتماعات سایبی جایی برای مردم وجود نخواهد داشت که حتی بایستند.
- در آینده عضویت سازمان سایبی امتیاز بزرگی خواهد بود. اجتماعات سایبی مردم بسیاری را جذب خواهند کرد. که شاید غیر ممکن باشد عموم مردم را جا داد. تمام مکان های آماده برای مردم درون سازمان سایبی تخصیص داده میشود.
- تمام جهان به سازمان ستیا سایبی تبدیل خواهد شد و ستیا سایبی در دل های همه جا داده خواهد شد.
- همه کشورها به هند ادای احترام خواهند کرد. هند از هر نظر - معنوی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رهبر دنیا خواهد شد.
- در روزهای پیش رو تمام جهان مجبور خواهند شد به پراشانتی نیلایام بیابند.
- ما همه شاد خواهیم شد که پوتاپارتی یک مادورا ناگار (محل تولد کریشنا) خواهد شد. همه جا در نقشه های جهان پوتاپارتی را به عنوان محلی مهم مشخص خواهند کرد.
- (لطفا به فصل ۹ "طلوع عصر طلایی ستیا سایبی" برای نقل قول های اصلی رجوع کنید.)

ما حق نداریم شک کنیم

پرفسور کستوری در ستیم، شیوم، سوندازم (بخش چهار) توضیح میدهد چگونه دهکده کوچکی به اسم پوتاپارتی که آرنولد شولمن یکبار آنرا "مشکل پنج دقیقه از عصر حجر" وصف کرد با خواست خدا به یک بهشت معنوی زیبا تبدیل شد. وقتی سوآمی فقط هفده ساله بود، به یکی از مجتهدین به اسم لاکشمیا محرمانه گفت که مردم به تعداد عظیم برای دارشان او به پوتاپارتی خواهند آمد. لاکشمیا آنچه که شنیده بود را نمی توانست باور کند زیرا در آن موقع چنین چیزی بعید بنظر میرسید. چون سالها گذشت و جمعیت در تعداد زیاد شروع به جمع شدن کردند لاکشمیا مجبور شد از گرفتن نگاهی گذرا از دور خداوند قانع باشد. در آن موقع او را باور کرد!

سوآمی در شصت و پنجمین سالروز تولدش اعلام کرد که او یک بیمارستان فوق تخصصی خواهد ساخت تا مراقبت پزشکی رایگان تامین کند و یکسال دیگر برای اولین عمل جراحی قلب آماده خواهد بود. متخصصین استهزا کردن و گفتند آن نمیتواند انجام شود. برخی از کارکنان خود باگاوان پرسیدند پول از کجا خواهد رسید تا چنین تلاش عظیم الجثه ای را پشتیبانی کند. دکتر کیث کریچلو آرشیتکت برجسته که بیمارستان را هم طراحی کرد شک خودش را داشت. فکر کرد،¹ "حتی در یک کشور از نظر تکنیکی خیلی پیشرفته چون آمریکا یک بیمارستان فوق تخصصی از این نوع نمی تواند کمتر از هفت سال ساخته شود. در اینصورت چگونه سوآمی میتواند این بیمارستان را ظرف شش ماه بسازد؟" برعکس همه تردیدها، برطبق خواست خدا، بیمارستان در خود سال بعد در موقعیت شصت و ششمین سال روز تولد او افتتاح شد و یک روزه در آن چهار عمل جراحی قلب باز انجام شد! حتی پس از گوش دادن به چنین داستانهایی در باره تبدیلات معجزه آسا، ما هنوز تمایل داریم از شک پذیرایی کنیم. در واقع، وضع امورات به چنان سطوحی کشیده میشود که خود خدا را مجبور میکند اظهاراتش را روشن کند چون گراف یا اغراق آمیز نبودند.

تجلیات عشق الاهی! آنچه را که می خواهم بگویم را به عنوان یک اغراق میندازید. در من اثری از نفع شخصی وجود ندارد.

¹ مرجع: تاپ وانام شری ستیا سایی ست چاریترا نوشته جندیالا ونکاتشورا شاستری

گفتارهای ستیا سایی جلد ۲۳ فصل ۳۴

سایبی ساگا به ما نشان داده است چیزهایی که یکبار نفهمیدنی دریافت میشدند بعداً خود را چون خلاصه ای از خواست الاهی اش بطور معجزه آسا آشکار ساختند. مردمی که تردید کرده بودند؛ وقتی که نگاهی گذرا از شکوهش را عطا کند، بعداً خود همان چیزها را چون صرفاً بودن لازمه ماموریتش تلقی خواهند کرد. بیشتر آنها فراموش میکنند که یکبار درباره موجه نمایی چنین چیزهایی شک خودشان را داشتند. آنها که بخاطر می آورند شرمنده میشوند و از جهلشان در مورد تردید قرار دادن آواتار توبه می کنند.

وقتی سوآمی چیزی میگوید رخ خواهد داد، مقدر است رخ دهد. ما حق نداریم به آن شک کنیم. بیائید به او دعا کنیم. به ما خردمندی و بصیرت دهد تا یقین چنین چیزهای شگفت انگیزی که مقدر است درحضور مطلق ستیا سایی آواتار فاش شوند را جذب کنیم، هر چند ما جمعا بر عظمت شکوهش اندیشه می کنیم.

بخش ۲

ظهور نو

فصل پنج

سرنخ هایی برای بازگشت قریب الوقوع

سوآمی اعلام کرده است که یک عصر جدید عشق و آرامش بر روی زمین وجود خواهد داشت که او آنرا "عصر طلایی" نامید و مقرر است در خلال دوره زندگیش بیاید.

بسیاری از باور اینکه چیزها بهتر خواهند شد، که زندگی برای همه شاد و سرشار از سرور خواهد بود، و که عصر طلایی رخ خواهد داد ابا دارند. بگذارید به شما اطمینان دهم که این دارما سو روپ، این بدن الاهی، بیهوده نیامده است. آن در دفع کردن بحرانی که بر بشریت رسیده است موفق خواهد بود.

مردمقدس و روان پزشک، صفحه ۹۱

(لطفا برای نقل قول های بیشتر از سوآمی در باره پیامد عصر طلایی، فصل "طلوع عصر طلایی ستیا سای" را ملاحظه فرمائید)

سوآمی درباره عصر طلایی در خلال سخنرانی ها و مصاحبه های بسیار به تفصیل صحبت کرده است. او همچنین برخی جزئیات حیرت انگیز پیامد عصر طلایی را برای برخی مریدان نزدیکش آشکار کرد. یک مرید انگلیسی سای، لوکاس رالی برخی از پیام های سوآمی را جمع آوری کرد و در کتاب "پیام سای برای تو و من" در چهار جلد منتشر کرد. یکی از این پیام ها میگوید:

رسیدن عصر طلایی با ظهور نو، همچنین برخی شورش ها، کافی برای ریشه کم کردن بدی که امروزه بسیار راج است آگاهی میدهد.

پیام سای برای تو و من، جلد ۲، رالی، لوکاس، ۱۹۸۸، صفحه ۷۰.

تمام کتب مختلفی که تاکنون دیده ام به گفته بالا که من آنرا "ظهورنو" ترجمه کرده ام به عنوان آمدن پرما سای با اشاره میکنند. اما با ترک کردن بدنش زودتر از روزی که انتظار میرفت،

گفته ی بالا معنی تازه ای میگیرد. آیا سوآمی در باره ظهور مجدد تازه اش در خود همان فرم آواتار ستیا سایی بابا اشاره نمیدهد؟ بخصوص او اشاره میکند که عصر طلایی در خلال زندگی خود آواتار ستیا سایی خواهد آمد. در این عصر بدی و ناهماهنگی شایع، به عقیده من، تنها معجزه ای چنین بزرگ منبشانه می تواند بدی را ریشه کن کند و توجه مردم را به سوی خدا برگرداند.

پروفسور و.ک. گکاک یک شاعر برجسته هندی، استاد و اولین رئیس دانشگاه شری ستیا سایی بود. او بارها به حضور سوآمی باریافته بود و چند کتاب در باره او نوشت. در کتابش "باگاو ان شری ستیا سایی بابا" پیشنهاد میکند که لحظه معینی در دوره زندگی آواتار ستیا سایی وجود خواهد داشت که او آنرا "وقت خدا" می نامد. آیا آن لحظه میتواند برگشتن فرم ستیا سایی باشد؟ سوآمی همچنین تعیین کرده است که عصر طلایی با واقعه ای (یا یک سری وقایع) که توجه جهانیان را به الوهیتش جلب خواهد کرد شروع خواهد شد.

روز بیداری خیلی دور نیست و وقتی بیاید آشکار سازی قدرت واقعی خدا وجود خواهد داشت، ظهور پروردگار در همه جا حاضر. این علامت حرکت بزرگ به سوی جلو و وجین کردن آنهایی که حاضر نیستند چالش لحظه را بپذیرند خواهد بود.

پیام سایی برای تو و من، جلد ۱، رالی، لوکاس، ۱۹۸۵

معجزه ای میرسد

سوآمی قبل از اینکه بدنش را در بیست و چهارم آوریل ۲۰۱۱ ترک کند، سه پیام الهام بخش به سیما دیوان، مریدی که در کانتون، اوهایو، آمریکا زندگی میکند عطا کرد. سیما دیوان نامی آشنا برای مریدان زیادی است زیرا کتابهایش در سرتاسر جامعه سایی مشهور هستند. در اوت ۱۹۹۰ سوآمی از سیما دیوان خواست تمام گفتگوهای درونی اش با او را بنویسد زیرا آنها روزی بشریت را مستفید خواهند کرد. آنگونه است که او شروع به نوشتن اولین کتابش "سایی دارشان" را کرد (به وسیله بنیاد کتاب و انتشارات شری ستیا سایی، پراشانتی نیلایام منتشر شد). در خلال ماه سپتامبر ۱۹۹۷، سوآمی دستنویس کتاب را در خلال دارشان یازده بار برکت داد و دو بار بر روی آن ویبوتی پاشید. درست مثل کتابش "سایی

دارشان" ، پیام هایی که سوآمی(از طریق دیدها و گفتگوهای درونی) به او درست قبل از ترک بدنش عطا کرد منبع عظیم تسکین و الهام برای مریدان بسیار سایی در سرتاسر جهان بوده است. به بیان خود سیما¹ :

او(سوآمی) به من گفت در آن لحظه که این سه پیام "تنها بخاطر شما"، "همه چیز ممکن است" و "معجزه ای میرسد" آخرین خواهد بود با توجه به تندرستی اش، و که آنها همیشه وسیله ای راحت بخش در دستان مریدانش خواهد بود. او همچنین به من دستور داد از تد و جودی هنری بخواه از این پیام سوم ویدیویی بسازند.

پیام "معجزه ای میرسد" به وسیله سیما دیوان در روز ۲۳ آوریل ۲۰۱۱، یک روز قبل از اینکه سوآمی بدنش را ترک کند دریافت شد. در آن پیام سوآمی میگوید(تنها مواد برگزیده):

عزیز من قرار است معجزه ای رخ دهد... من تنها آنها میدانم. اگر بتوانی برای روزهایی منتظر بمانی که بگذرند خود را صبور نگه داری، اگر بتوانی فقط ادامه دهی... کمی بیش از آنچه که فکر میکنی میتوانی، آنوقت شما عزیزانم در شرف دیدن آنچه که برای شما باز خواهم کرد که شاهد باشید... برای شما که زندگی کنید... معجزه ای رخ خواهد داد. شما برای آن دعا کرده اید.

سیما دیوان درباره پیام می گوید (فقط برگزیده تامین شده) :

او بعد، صبح شنبه با پیام آمد، "معجزه ای ... میرسد." او آنرا صبح زود به من داد اما اجازه نداد آنرا سهیم شوم تا ۹ صبح، به من قول داد که یک دوره طلایی وجود خواهد داشت که هنوز می آید. البته، فکرکردم او در آن وقت به بدن برخواهد گشت. سوآمی هرگز چیزها را به روشنی توضیح نمیدهد اما مطمئن میشود کارش انجام شود.

آنطورکه سیما دیوان خودش تصدیق میکند، در آن موقع او فکر کرده بود سوآمی خود را شفا میدهد و بر میگردد. هرکس که پیام را خواند در آن موقع همان فکر را داشت چون سوآمی

¹ .تمام برگزیده های پیام ها که به وسیله سیما دیوان گرفته شده از saidivineinspirations.blogspot.com دریافت شد

اشاره میکند که معجزه ای قرار است رخ دهد. معذالک او بدنش را روز بعد ترک کرد. در اینصورت معجزه چه بود که سوآمی به آن اشاره می کرد؟

سوآمی روز بعد از اینکه بدنش را ترک کرد (۲۵ آوریل ۲۰۱۱) پیام دیگری به او داد، "من هیچ جانرفته ام (فقط برگزیده تاملین شده).

(... دل های ارادتمند با ذهنی پاک و دلی مهربان گاهگاهی مرا صدا خواهند زد. آنها تنها با قدرت پاکی شان یکبار دیگر مرا برای جهان مرئی خواهند کرد و من یکبار دیگر با دستان پریم برخواهم گشت. شما به گفته ی من ایمان داشته باشید زیرا هرچه میگویم هرگز تلف نمیشود. هرچه میگویم حقیقت میشود. همیشه مرا بخاطر بسپرد، بدانید که من مقابل شما هستم، خود را از احساس آزاد کنید و برای برگشت من منتظر بمانید.

در این پیام سوآمی اظهار میدارد که او یکبار دیگر برای این جهان قابل رویت خواهد شد. آن میتواند به عنوان آمدن پریمایی تعبیر شود. اما چرا آنوقت او گفته، " مرئی برای این جهان" را بکار میبرد آیا برای وصف برگشت خود؟ (دراین باره در فصل بعدی "دیدنی در آسمان" بیشتر بحث خواهیم کرد)

تنها اگر این پیام را در پیوستگی با فصل قبلی " معجزه ای می رسد" بخوانیم، اشاره ای از معجزه در شرف رخ دادن میگیریم. معجزه ای که او درباره آن صحبت میکند نمیتواند ظهور پریمایی باشد. چون آن از پیش انتظار می رود و برای آن آماده می شوم. به همان دلیل، اطمینان هایی نظیر: " باید به کلام من اطمینان کنید زیرا هرچه میگویم هرگز تلف نمیشود" و " هرچه میگویم واقعیت میشود" نمی تواند به آمدن پریمایی بابا هم نسبت داده شود. آن فرم آواتار ستیا سایی بود که زودتر از آنچه انتظار میرفت ترک کرد. از این رو، اطمینان، اطمینان بموقع از همین قرار (بدون حرف بیشتر) میتواند وابسته به برگشت همان فرم ستیا سایی بابا بوده باشد. اما، چون سوآمی می خواهد " کمی بیشتر از آنچه که فکر میکنی میتوانی ادامه بده" ، چشم داشت بازگشت فوری اش میتواند رد شود. و این سایر سرخ های بیشتر دیگری که در این کتاب درباره بازگشت قریب الوقوعش ارائه میشوند را تقویت میکند.¹

¹ این تفسیرات از نویسنده هستند.

خواب های مریدان

خوابی از سوآمی میتواند تنها با اراده خودش رخ دهد. آن واقعی است و پیامی روشن به مرید علاقمند افاده می کند.

ظهور سوآمی در خواب خیلی فرخنده است (...). خواب ها بازتاب، واکنش و طنین آن چیزی که درون شماست هستند. همان به خوابی که در آن سوآمی ظاهر میشود بکار بردنی نیست. سوآمی در خوابی ظاهر میشود تنها وقتی که آنرا اراده میکند، و نه وقتی که شما آن را بخواهید.

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۳ فصل ۴۴

خواب هایی که به وسیله من اراده میشوند خیلی روشن هستند و به سردرگمی یا تردید جا نمیدهند. به نزد شما می آیم و روشن و کاملاً مستقیم افاده میکنم چی می خواهم.

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۳ فصل ۴۴

چند ماه پس از اینکه سوآمی بدنش را ترک کرد، شری ب. ن. ناراسیمها مورتی^۱ خوابی داشت که در آن سوآمی به او دستورات مفصلی درباره فضای دانشکده (موسسه آموزش عالی شری ستیا سایی) مودن هالی جایی که او در حال حاضر به عنوان رئیس دانشکده خدمت میکند میدهد. سوآمی در خواب میگوید^۲: (فقط برگزیده تامین شده)

ساختمان نوک تپه را برای ماندم آماده کن قبل از رسیدنم در این روزگورو پورنیم (۱۵ ژوئیه ۲۰۱۱). در روزگورو پورنیم من به آنجا وارد خواهم شد و آنجا بطور دائم خواهم ماند.

سوآمی ادامه میدهد تا ذکر کند که او آنجا قابل رویت هم خواهد بود. بعد سوآمی گفت ("به زبان تلگو") (من آنجا خواهم آمد و آنجا دیده خواهم شد.)

^۱ نویسنده سَنیم شیوم سونداژم، شرح زندگی شری ستیا سایی بابا جلد ۵ و ۶

^۲ برگزیده ها از www.sso.net هستند.

درباره گفته فوق سوآمی در خوابش، شری ناراسیمها استادانه می نویسد: برای کسی که او مرئی خواهد بود و برای کسی که او مرئی نیست بسته به خواست شیرینش دارد. زمانی وجود داشت که او دارشان عمومی میداد خواه کسی شایستگی آنرا داشت یا نه، آن فرصت در ۲۴ آوریل ۲۰۱۱ به پایان رسید. افرادی از ما که شایستگی دارشان او را داشته باشند آنرا خواهند گرفت- می توانند او را جساما هم ببینند وقتیکه او اراده میکند. زیرا، در رابطه ام با او برای چهل و شش سال یا بیشتر گذشته، هیچ یک از گفته هایش غیر واقعی نبود. من یقین خیلی خیلی زیاد دارم که روزی او را خواهم دید.

دکتر ک. هانوماننایا، رئیس قبلی دانشگاه شری ستیا سایی در کتابش "شری ستیا سایی بابا یک یوگ آواتار" درباره خوابش جایی که سوآمی پوتاپارتی آینده را نشان میدهد به تفصیل وصف کرده است. در فصل "دید آینده پوتاپارتی" هانوماننایا توضیح میدهد (صفحات ۱۶۷-۱۶۵)

یک روز در خوابم، سوآمی شروع به توضیح دادن اینکه پوتاپارتی در آینده چگونه خواهد بود میکند. او مرا به محلی بالا آمده برد، و از آنجا شروع به نشان دادن یک به یک مهمترین توسعه ها کرد. در میان چیزهای مهمی که دیدم محل زندگی سوآمی بود که آنرا از مندر پراشانتی کنونی به ساختمانی کاخ مانند روی تپه ای مشرف به رود چیتراواتی منتقل کرده بود. یک دیوار حیاط بزرگ ساخته شده بود که تپه را احاطه میکرد (...). تمام حیاط به وسیله نظامیان مسلح حفاظت میشد.

برخی نکات مربوط از خواب

* مریدان از کشورهای مختلف کلنی هایی اطراف پوتاپارتی ساخته اند. سوآمی از تپه پائین میآید و خود را به چندین فرم تقسیم میکند و هم زمان برای دادن دارشان به این کلونی ها خواهد رفت.

* سوآمی خود را به صدها بابا تکثیر میکند و به هر مرکز در هر کشور میرود که دارشان بدهد.

• پوتاپارتی به شهری بسیار منعکس کننده و سرسبز رشد کرده است، بقدری بزرگ چون شهر نیویورک با تسهیلات فوق مدرن.

• فقط مریدان منتخب چندی به ملاقات سوآمی دسترسی دارند.

• برای مریدان در آینده حتی داشتن نگاهی کوتاه از سوآمی خیلی مشکل خواهد شد.

دکتر ک. هانومانپا یک دانشمند برجسته بود و تعداد زیادی تجربه با سوآمی داشت. در کتاب مذکور، توضیح داده است چگونه سوآمی از طریق خواب ها او را به حوادث متعدد زندگیش هدایت کرد. در حقیقت خود سوآمی صحت و درستی آن خواب ها (صفحه ۸) را تاکید میکنند. آن همچنین جالب است توجه شود که این کتاب به وسیله خود سوآمی در هفتم مارس ۲۰۰۸، در روز ماهاشیوارتری برای نخستین بار منتشر شد. در واقعه بازگشت سوآمی، همه این دیدهای آینده به زیبایی رخ خواهند داد. قبل از جدا شدن سوآمی از بدن جسمانی، مریدان سوآمی می توانستند به راحتی چنین رخدادهایی در آینده را تصور کنند اما حالا آیا مناسب است که این خواب ها را صرفا چون فانتزی ملاحظه کرد؟ خواب های سوآمی از تصور مریدانطور که او خودش اظهار میدارد امتداد داده نمی شوند:

وقتی من در یک خواب ظاهر میشوم برای آنستکه با فرد گفتگو کنم. آن یک خواب صرف آنطور که معمولا شناخته میشود نیست. فکر نکنید این حوادثی که در خواب تان تجربه می کنید امتدادهای تصورات شما هستند.

ستیم، شیوم، سوندارم بخش چهار، صفحه ۱۰۰

یکی از آشکار کننده ترین خواب ها درباره بازگشت سوآمی که من با آن مواجه شدم خواب شری چی رو بورجاس است. جیرو از ونزوئلاست و از سال ۱۹۸۸ مرید سایبی بوده است. او یک مرید فعال در ایرلاندو، کلمبیا، مکزیک و مراکز سایبی ونزوئلایی است و در سازمان سایبی مقامات مختلفی برعهده دارد. او چندین بار به پراشانتی نیلایام سفر کرده است. در ۹۸-۱۹۹۷ آنطورکه به وسیله خود سوآمی در مصاحبه ها دستور داده شد برای یکسال در اشرام ماند. امروزه او در بوگوتا، کلمبیا زندگی میکند.

در ۲۹ آوریل ۲۰۱۲ یک خواب زیبا داشت که در آن سوآمی به او دستور می‌دهد در بین هم‌میردان سایی این گفته، لحظه استثنایی در تاریخ بشریت نزدیک میشود را پخش کند! گفته‌زیرین برگزیده‌ای از نسخه ترجمه شده تعریف اصلی اش به زبان اسپانیایی است^۱:

دیشب، قبل از رسیدن به خانه، احساس کردم صدای سوآمی را شنیدم که به من می‌گوید برای آنچه که در شرف وقوع است آماده شو. صدا به پرسیدن از من "آیا آماده‌ای؟" "آیا آماده‌ای" ادامه می‌داد. آنوقت قوی تر و قوی تر شد که در آغاز مرا ترساند. نمی‌خواستم به خانه برسم زیرا نمیدانستم چگونه به سوال پاسخ دهم. لذا شروع به ذکر گایاتری کردم، درحالی‌که به سوآمی می‌گفتم من به عنوان پسرش، ارزش عشق و حمایت او را دارم و من همیشه برای او آماده‌ام و ایمانم به او به عنوان پدر محبوبم و خدایم مرا همیشه حمایت خواهد کرد. اما صدا هنوز قوی تر میشد و بعد یقین پیدا کردم که منظور برای آماده کردن من برای چیزی بزرگ و فوق‌العاده است.

پس از اینکه به خانه رسیدم، شروع بکار کردم، آنطورکه اغلب قبل از خواب می‌کنم. چون خیلی خسته بودم نتوانستم بیشتر ادامه دهم و زود به خواب رفتم در حالی‌که گایاتری را ذکر میکردم - سوآمی در یک خواب روشن نزد من آمد. در خواب من با دانش آموزان آموزش معنوی سایی بودم، یکی از آنها به اسم نارادا بود، که سوآمی اشاره کرد او از اعقاب یک حکیم بزرگ است، بعد سوآمی در حال حرکت دادن دستش نزدیک شد، بسیار زیبا و جوان می‌نمود. به ما پادنامسکار (لمس پاهای خدا) داد، تجربه بطور حیرت‌انگیز از چنان عمقی بود که فکر کردم خودش واقعا آنجاست. به قدری واقعی که می‌توانستم قسم بخورم بدن جسمانی اش را تجربه کردم. سوآمی به من گفت که او در واقع زنده است و بدنش را ترک نکرده است. همانطور که مرا لمس کرد و بغل کرد اشک شادی از چشمانم سرازیر شد.

سوآمی بعدا دستم را گرفت و مرا به اتاق مصاحبه هدایت کرد. پس از اینکه به داخل رفتم از من پرسید، آیا آماده‌ای؟ و گفت، "وقتش است و من به تو احتیاج دارم. مشتاق باش

^۱ با اجازه از جیرو بورجاس اینجا آمد. روایت اصلی اش به زبان اسپانیایی است با کمک آنا دیاز ویانا دوست مشترک جی رو و نویسنده ترجمه شد.

کاری که می گویم را انجام دهی." من در چنان حالت خلسه ای بودم که هرگز قبلاً تجربه نکرده بودم. حالتی که بر هر چیز قابل وصف دیگر توفیق می جست. به سوآمی گفتم، "بدن من بدن شماست، ذهن من ذهن شماست، خودم را به شما تسلیم میکنم." بازوآم را دراز کردم و گفتم اینها بازوان او هستند و همینطور است بدنم که او میتواند هرطورکه دوست دارد استفاده کند." به او التماس کردم که هرگز نباید خارج از آن حالت هشیاری باشم، جایی که تفاوتی بین سوآمی و خودم نمی شناختم. آرزو نمی کردم به خواب برگردم بدون اینکه بطور دائم از آن واقعیت، حفظ آن حالت ارضا و سرور محض آگاه باشم. به من گفتم، "پسر عزیزم، به تو احتیاج دارم که برای من کار انجام دهی." لذا گفتم بله و فقط از او درخواست کردم به من روشنی دهد که خواسته اش چیست. به آن به من لبخندی داد که مرا با نور درخشانی که تمام هستی ام را مورد تاخت و تاز قرار داد پرکرد.

پس از آن، مرا به معبد خواهرم، کورو برد... یک قالی بود که کورو روی آن مراقبه میکرد... پس از ورود به آنجا، سوآمی خود خداوند راما شد و به من گفت که محل پر است از نام خدا و عشق خدا. به من گفت که کورو مرید بزرگی است، همیشه نامش را ذکر میکند و به او فکر میکند. اطراف محراب گردش کرد، سپس او شروع به رقصیدن کرد، رقص تاندوا. در وجد، اشک شادی از چشمانش سرازیر بود و نوری درخشان سرور محض پخش شونده می افشاند. به من گفتم: "اسم خداوند راما همه چیز اینجا را فرا میگیرد، کورو یک مرید بزرگ است، و او مورد محبت و گرامی است." در آن حالت سرخوشی در پایان رقص به بابا تبدیل شد و گفتم من خدا هستم، به علاوه تمام نام ها و فرم ها هستم.

ما به اتاق مصاحبه برگشتیم. بابا توضیح داد که مریدان پاک دل باعث میشوند خدا ظاهر شود وقتی نام خدا ذکر میشود، و کورو یک مرید متمرکز در خداست، نامش را تکرار میکند. با اشک شادی در چشمانش، گفت این نوع عشق و ایمان مرا تحت تاثیر قرار میدهد... به من گفت آن کاری است که همه مریدان باید بکنند. آنوقت با تاکید زیاد به من گفت که ما در شرف شاهد شدن یک لحظه استثنایی در تاریخ بشریت هستیم، آن خیلی زود خواهد بود، و اینکه قدرت و شکوهش به طرقی ظاهر خواهد شد که هرگز ندیده ایم یا حتی تصور نکرده ایم. آن زمان نزدیک میشود...

سوآمی به من گفت: "مردان من باید از خواب بیدار شوند. من بدن یا یک فرم یا فرم دیگر خدا نیستم، بلکه من همه نام ها و همه فرم ها هستم. چگونه آن خداوند ابدی و غیر قابل سنجش می تواند به یک شکل محدود شود؟ چگونه میتواند گفته شود که من به یک حالت سرور رسیده ام یا که من در سامادی یا ماها سامادی هستم، وقتی من به عنوان خدا همیشه در سرور محض هستم و در واقع من خودم سرور محض هستم؟ اگر من آن هستم که شما همیشه در جستجویش بوده اید، من خود منبع همه شادی ها و سرورها هستم."

"آه مردان، بیدار شوید، بیدار شوید، بیدار شوید... زمان برای آن چه که اولیا و سیدها برای عصر ها منتظر بوده اند... به سرعت نزدیک میشود. درک کنید که من کی هستم، حقیقت من از آن حضور مطلق، آن بزرگی، و شکوه؛ و خود را برای آن واقعه فوق العاده که مقرر است بازشود آماده کنید... که در آن من بر خواهم گشت به طریقی که هرگز نمی توانید تصور کنید. مرا باور کنید، ایمان کامل داشته باشید و تسلیم شوید. خیلی زود همه بزرگی و شکوه مرا درک خواهند کرد."

"حالا به اطراف جهان برو و پیام مرا پخش کن. به همه بگو آماده باشید. این زمان و فرصت بزرگی است، چیزی فوق العاده در تاریخ بشر در شرف وقوع است." سوآمی کلامش را خاتمه داد و با من خداحافظی کرد، من با چشمانی پر از اشک گوش دادم و التماس کردم نرود، اجازه ندهید من به این جهان توهم برگردم. تنها کردم ذهن مرا در ابدیت نگه دارد و از کارهای دنیوی مراقبت کند، چون دستام همیشه برای خدمت به او استفاده میشوند. آه، سوآمی، تو همیشه کننده هستی، بگذار من برای همیشه در این شادی و سرور محض زندگی کنم. با دست دادن با او خداحافظی کردم. من در اشک عشق و سرور، جذبه شستشو کردم. آه خدای عزیزم چقدر ترا دوست دارم!

خواب بورجاس اشاره ای روشن از واقعه ای شگفت آور که می آید میدهد. مردان سایی بسیاری جزئیات خواب هایشان که در آن ها سوآمی به وضوح ظهور قریب الوقوعش را تعیین میکند را با من سهیم شدند. اما، چون این خواب ها شخصی و از طبیعت یک به یک بین سوآمی و مریدش هستند، جزئیات بهتر است ناگفته بمانند. برای تامین جان کلامی، آن خواب ها اشارات روشنی هستند برای مردان علاقمند که سوآمی در همان فرم جسمانی

برخواهد گشت. برخی مریدان نیز خواب های خیلی تعجب آور مشابه دربارہ ظهور سوآمی در نقاط مختلف داشتند. همزمان، مردم زیادی اطراف جهان ادعا میکنند دید داشته اند. من به پیشگویی های مشابه جالب توجهی که در برخی کتب ذکر شده اند، که جزئیات آنها در فصول بعدی آورده میشوند برخوردارم.

تنها زمان خواهد گشت که سوآمی برای همه ما چه در انبار دارد. اما از خواب ها و تجربیات مریدان مختلف سوآمی، من مجاب شده ام که ما برای چیزی تماشایی هستیم.

نادی های باورنکردنی

نادی ها کتب برگ های درخت نخل مقدس نوشته شده به وسیله قدیسین هند از هزاران سال قبل هستند. آنها بیشتر به زبان تامیلی کهن به صورت آیات شعر گونه هستند. این پیش گوئی ها را اولیاء برای هر فرد برای بهتری و اصلاح بشریت و حفظ دارما (درستکاری) ثبت کرده اند. این اولیا ویژگی ها، تاریخ خانواده، زندگی معنوی و نیز مشاغل افراد زیادی را پیش بینی کرده اند. "نادی" در زبان تامیل به معنی "در جستجو" است. این بعلت آنست که کتب مقدس شامل برخی پیش گوئی های بی نظیر بومیان خاص، که برای جستجوی آنها در مرحله خاصی از زندگی شان خواهند آمد آنطور که به وسیله قدیسین بزرگ پیش گوئی شده میباشند. اولیا(ریشی ها) که آن نادی ها را دیکته کرده اند از چنان پیش بینی های برجسته ای برخوردار بودند که به درستی آینده تمام بشریت را پیش بینی کرده اند. دانشمندان زیادی در قسمت های مختلف هند در حفاظت خودشان نادی گراناهای (کتب برگ های نخل) زیادی دارند. برخی از این نوشته های برگ نخل در تامیل نادو (در جنوب هند) موجود است. تقریباً هزار سال قبل در خلال سلطنت چولا یک جور، منظم و طبقه بندی شدند. تعدادی از نادی ها وجود دارند(که به اسم اولیا یا قدیسین که آنها را سروده اند هستند) مثل آگاستیا نادی، سوکا نادی، برهما نادی، کاسیکا نادی و غیره. فقط چند خواننده نادی وجود دارند که می توانند نوشته ها که به زبان شعری نوشته شده اند را تعبیر کنند.

پیش گوئی ها درباره آواتار ستیا سای در نوشته های نادی

در سناتانا ساراتی فوریه ۱۹۶۱ مقاله ای تحت عنوان " طالع پانصد ساله باگاوان شری ستیا سای بابا " وجود دارد. آن به تفصیل درباره دکتر ا.و. شاستری، یک عضو مشهور و برجسته سازمان بررسی طالع مخفی در دهلی نو، صحبت میکند، که او نوشته های نادی شامل جزئیات حیرت انگیز و پیشگوئی هایی درباره باگاوان شری ستیا سای بابا و زندگی اش که در برگ های نخل صدها سال قبل نوشته شده بود را یافت. شاکونتالا بالو، در

کتابش "خدای زنده" اطلاعاتی از سوکا نادی که در تملک پروفیسور طالع بینی مشهور در بنگلور، شری گنجور ناراین شاستری است را مینویسد. تمام اطلاعات این نادی ها به درستی و به تفصیل زیاد درخت خانواده شری ستیا سایی بابا و حقایق بسیاری درباره او را وصف میکنند. مریدان سایی زیادی درباره اطلاعات نادی که شکوه سایی آواتار و معجزات مختلف و کارهای فوق العاده ای که او اجرا خواهد کرد را آشکار میسازند، را وفق داده و نوشته اند.¹

برخی از ویژگی های ستیا سایی آواتار که در نادی ها ذکر میشوند:

برهما نادی

• آواتار توهمی خلق میکند گویی او یک انسان است، ساکن پارتی (پوتاپارتی)، ستیا سایی ناراین (نام اصلی سایی بابا)، تجسم شکتی - شیوا، تجسم شیردی بابا (تجسم قبلی او)، شخصا آرام در حوزه های امن پارتی در ساحل رود چیتراواتی.

• تجسم مجدد شری کریشنا، شری لینگا، شری رودراکالی، شری شکتی، شری ویشنو.

• مظهر حقیقت در لباس انسان، که چون آواتار در ماهاراشترا در شیردی به عنوان شیردی بابا که لباس های کهنه می پوشد، با ظاهری فقیر و زندگی ساده، هنوز آواتاری دیگری میگیرد به عنوان ستیا ناراین با تخت مار.

• مثل داتاتریا، آواتاری که با پیوستن سه گانه (برهما، ویشنو، شیوا) با هم است.

• آموزگار متعال چون فرم شکتی می آید. ستیا سایی فرم دیگر آواتار، به عنوان پرما سایی (تجسم بعدی اش) را می گیرد.

• روز پنجشنبه به وسیله ستیا سایی تقدیس می شود.

آگاستیا نادی

¹ معرف های پیشگویی های نادی عبارتند از: الف) خدای زنده اثر شاکوتنالا بالو (ب) آواتار شری ستیا سایی اثر آرییندو سوپرمتم (پ) درجستجوی خداوند سایی اثر ستیا پال روها

- او مظهر رحمت الاهی و پدر جهان است.
- ستیا سایه آواتار استاد پزشکی از کارآیی آذرخش است.
- او موسسات آموزشی بسیاری تشکیل خواهد داد. درباره رفتار درست نوشتجات ارائه میدهد و در سرتاسر زندگی دربارہ اصول معنوی سخنرانی خواهد کرد.
- او در سن جوانی خانه را ترک خواهد کرد و در برقراری دارما به عنوان ماموریت زندگی اش دست بکار میشود. در زندگی قبلی اش، او سایه بابا از شیردی بود.

سوکا نادی

- از طریق رحمت الاهی اش، عشق و خردمندی او نیت یا نندا، - سرور همیشگی در این دنیا را برقرار خواهد کرد.
- محلی که زندگی میکند سرزمین مقدس ریاضت خواهد شد.
- او همیشه با خدمت به بشریت، شادی و خوشی خواهد داشت.
- او آواتاری در میان آواتارهاست.
- او سنکالپا سیدا (استاد اراده) است و یکی از قدرت های بزرگ، اما بدون هیچ جذابیت نسبت به ثروت یا شکوه دنیوی است.
- او قدرت ایچا مرانا پرتی (توانایی مردن به دلخواه) دارد، و او یگانه است در حالت نیروی کالپا سامادی، تنها برای پرورش درستکاری زندگی میکند.
- او متولد خواهد شد تا درستکاری را منتشر کند و محلی که زندگی خواهد کرد یک سرزمین مقدس خواهد شد.
- او قادر خواهد بود فرم های مختلف بگیرد و در محل های مختلف هم زمان دیده خواهد شد و مشکلات و موانع را از بین خواهد برد تا خطر را دفع کند.

• او نزدیک محلی که وسایط نقلیه ای با چرخ های بسیار وجود دارد (ایستگاه قطار - به اشرام وایت فیلد اشاره میکند) اشرامی تاسیس خواهد کرد و نیز موسسات آموزشی با قدرت معنوی دوباره برپا خواهد کرد.

• او همه چیز دانی را به طرق مختلف به مریدانی که به او ایمان کامل دارند، تسلیم میشوند نشان خواهد داد، به آنها فرصت انداختن گناهانشان و فرصت یافتن آرامش و خوبی داده خواهد شد.

• شکوهش در منطقه وسیعی پخش خواهد شد و مردم زیادی به نزد او خواهند آمد. ولی همه رحمت او را به سبب اعمال گذشته شان بدست نخواهند آورد.

• او برهما چاری(عزب) بزرگی است و به دیگران در برقراری درستکاری کمک خواهد کرد. نسبت به مردان و زنان طرزتلقی تساوی نشان خواهد داد. او بین زنان مادر خواهد بود.

• او تجسم عشق (پریماسوروپ)، سرورمحض(آنانداسوروپ) و خردمندی (گیانِسوروپ) خواهد بود، اما تنها کسانی که روشنفکر هستند قادر خواهند بود او را چون سرورمحض (آناندا) تجربه کنند.

• او میتواند تجربه شود، اما فهمیده نمیشود؛ همانطور که یک لال می تواند بخورد اما نمی تواند حرف بزند. آرامش کامل متعلق به اوست. او جهان را چون یک تیغه علف می بیند. او دلواپس عقیده عمومی نخواهد بود و هر کاری که درست است را انجام میدهد.

• او معرف شیردی سایبی بابا خواهد بود و در نتیجه دعاهایی که به شیردی سایبی بابا خطاب میشود متولد خواهد شد.

• او به مریدان شیردی سایبی بابا دارشان سامادی خواهد داد، و بطور مشابه، پس از اینکه از بدنش پرید مریدان ستیا سایبی دارشان سامادی را در وایت فیلد خواهند داشت، که چون خاک مقدس پرستش خواهد شد.

• زندگیش برای خوبی بشریت به طریقی که به وسیله خداوند کریشنا در باگاواد گیتا وصف شده خواهد بود.

- او همچنین در برینداوان درختی خواهد کاشت، و آن محل سیدی شِترا (مزرعه انرژی) خواهد شد و درخت کالپا وروکشا (درخت اجابت کننده آرزوها) خواهد شد.
- به هرکس که شری ستیا سایی بابا را می بیند نیت خیر افزوده خواهد شد. رحمتش باعث خواهد شد مردم بر مشکلات خود غلبه کنند، مصائب را فائق آیند و آنها را به طرف پیشرفت هدایت خواهد کرد.
- او خودش را در محل های زیادی همزمان نشان خواهد داد، گرچه او در واقع در یک محل خواهد بود، و اعمال مظاهر الاهی بسیاری وجود خواهد داشت.
- او از طبیعت اغماض کننده و رحیم برخوردار است و با همه یکسان برخورد میکند. وقتی افراد جاهل خطا میکنند احساسات آنها را صدمه نمی زند یا خشم نشان نمی دهد.
- اغلب به شوخی حرف میزند، اما حقیقت را میگوید. وقتی هر جنبه ای از خودش یا فعالیت هایش را عمومی میکند، که همیشه نیست، این کار را در مواقع خاص انجام میدهد و آن فقط و همیشه برای رشد و درستکاری است: القا کردن ایده های خوب زندگی و ایجاد یک آتمسفر حس نیت.
- این آواتار دارای قدرت های شفادهنده خواهد بود و قدرت شفا دادن خودش را با پاشیدن آب دارد. او قدرت های شفا دهنده اش را نه تنها برای مردم این جهان، بلکه برای موجودات سایر جهان ها، و در سطوح هستی بالاتر (دواها و هستی های آسمانی) هم استفاده خواهد کرد.
- سایی نات هر کار را بر طبق نقشه ای که دارد انجام میدهد.
- او قدرت پاک کننده بزرگی دارد، صرفا دیدن او، یا جزئی ترین حرفی که با او رد و بدل میشود میتواند شخص را پاک کند. همچنین قدرت دارد زندگی را طولانی سازد.
- سایی نات (خداوند سایی) ماها ویشنو اسوروپ است، فرمی کبیر از خود ویشنو
- ستیا سایی بابا همیشه ظاهری جوان را حفظ میکند سن مقاومت نمی کند.

خود تجسم تمام فرم های خدا در یک خدا به عنوان شری ستیا سایی بابا در تمام این نادی ها تاکید میشود. تمام جزئیات دقیق آنچه که امروز می بینیم و می شنویم به وضوح با تمام تفصیل توصیف میشوند. سوکا نادی نیز هنوز پیش گوئی جالب دیگری داده است که این آواتار ستیا سایی باگاوآن یک ارابه خورشید طلایی را در یک روز فرخنده سوار خواهد شد و برای حرکت دسته جمعی به وسیله مریدان کشیده خواهد شد. روزی که ذکر میشود سال ایشورا (یکی از ۶۰ سال در تقویم هندی) نامیده میشود. روز دوشنبه، ساشتی تیتی از کریشنا پکشا (ششمین روز از دو هفته تاریکتر) در ماه بهادرا - پادا (ششمین ماه برطبق تقویم هندی یعنی پانزدهم سپتامبر تا پانزدهم اکتبر) زمان فرخنده که پیش بینی شد حدود ساعت ۷ صبح بود.

در سال ۱۹۹۷ درخلال پادوکا ماهتساو (جشنی برای ستایش صندل های برکت داده شده به وسیله خدا) تحت رهبری شری سوپرمنین چتی ار، رئیس بنیاد پادوکای شری ستیا سایی بابا، مریدی از مادورایی برای سوآمی یک ارابه طلایی آورد. ارابه یک سریر طلایی داشت، با یک چتر طلایی و یک دیسک بزرگ طلایی از سوریا، خدای خورشید در عقب داشت. بت طلایی شیوا و پاروتی در ارابه شیوا شکتی گذارده شد. راننده این ارابه طلایی با شکوه برهمنی چهار چهره، خالق بود. درست روزی که تعیین شد یعنی ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۷، روز دوشنبه، آنطور که در نادی تعیین شده بود واقعه تاریخی رخ داد. باگاوآن از محل زندگی الاهی اش، احاطه شده به وسیله مریدان، دانشجویان و دانشمندان ودایی آمد و با موسیقی موزون خوشایند سنتی مخلوط با صدای بلند تلاوت ودا در ساعت هفت و پنج دقیقه صبح از ارابه بالا رفت. سوآمی با شکوه حیرت انگیزش، که با انوار طلایی خورشید طلوع کننده صبح زود می درخشید، در ارابه به سوی مندر پراشانتی پیش رفت.

این نادی ها به درستی شکوه و جلال ستیا سایی آواتار را هزاران سال قبل پیش بینی کردند و برخی از پیش بینی ها در نادی های مختلف، به زمان باشکوه درآینده نزدیک که در آن قدرت سوآمی به تمام جهان آشکار خواهد شد، و به عنوان امپراتور کبیر احترام خواهد شد اشاره می کنند.

- وقتی تاثیر کالی یوگا حتی با شدت بیشتر رشد میکند، آنوقت مردم قدرت واقعی اش را خواهند دید و تصدیق خواهند کرد که او قدرت متعال جهان است. آنوقت به عنوان امپراتور کبیر به او تعظیم خواهند کرد.
- او تنها از طریق اراده اش یک هوایمای در حال پرواز را برای مدت طولانی پس از اینکه از بنزین تھی شد حفظ خواهد کرد.
- او تیرک پرچم درستکاری را در یک زمان قابل توجه بلند خواهد کرد و پس از آن درستکاری بطور مشهود افزایش خواهد یافت.
- درحال حاضر او فقط یک دهم خویش واقعی اش را نمایش میدهد. پس از مدتی، تلاش هایش برای نجات جهان ده برابر افزایش خواهد یافت. نشان خواهد داد که او تنها می تواند خشم طبیعت را مهار کند.
- حالا آدارما (نادرستی) به سه چهارم قسمت رشد کرده است. وقتی که آن با یک چهارم بیشتر افزایش می یابد، آن وقتی است که همه نادرستی میشود، قدرت کامل شری ستیا سایی بابا روی کار خواهد آمد و در جهان شناخته خواهد شد. بدی باید به نهایتش بالا رود قبل از اینکه طبیعت الاهی اش بتواند بطور کامل درک شود.
- در مدت کوتاهی، بزرگی اش باز هم بیشتر پخش خواهد شد و ستایش جهانی ستیا سایی وجود خواهد داشت.

تجربه من با نادای ها

از تجربه شخصی خودم، اطلاعات نادای خیلی دقیق و قابل اعتماد هستند، بشرط اینکه اطلاعات به وسیله یک طالع بین فاضل خوانده شود. من اطلاعات نادای خودم را داشتم که در سال ۹۸-۹۷ از مرکز طالع بینی نادای در هند جنوبی انجام شد. اطلاعات من از آگاستیا نادای مشهور بود که به وسیله حکیم آگاستیا یکی از هفت ماهاریشی (اولیای بزرگ) نوشته شده. من با دقت اطلاعات حیرت زده بودم. اطلاعات شامل نام های دقیق والدینم، مشاغل شان، جزئیاتی از دوران کودکی ام و محل من در آن موقع بود. آن هم چنین پیش

بینی های مختلفی درباره آینده من همراه با خط زمانی از وقایع که در زندگی ام رخ میدهد داشت. مربوط ترین اطلاع که در اینجا احتیاج به ذکر کردن دارد درباره گوروی من شری ستیا سایی بابا است - نادای میگوید:

تو یک گورو داری. او سه تجسم دارد. اولین تجسم در ایالت ماهاراشترا (شیردی) بود. در حال حاضر او در تجسم دومش است که در آندرا پرادیش است. در این زندگی او شیوا شکتی ایشوروپ است (تجسم اصل شیوا شکتی) یا شری ستیا سایی بابا است. تجسم سوم او در ایالت کارناتااکا خواهد بود. در آن اسم پرما سایی را خواهد گرفت (...). تو در خواب هایت نصایحی از گوروی خود خواهی گرفت.

اینجا باید به این اشاره کنم هیچ راهی وجود نداشت که طالع بین بتواند بداند من یک مرید سایی بودم. مریدان سایی زیادی بعدا به آنجا رفتند و تأیید کردند که اطلاعاتشان دقیق بود. در زندگی ام، تاکنون تمام پیش گوئی ها دقیقا همانطور که پیش گوئی شد رخ داده اند از جمله آنها که درباره ازدواج، بچه ها، شغل، سفرها، زندگی معنوی ام بودند و خیلی بیشتر.

آیا نادای ها درباره ناپدید شدن و بازگشت قریب الوقوع سوآمی چیزی دارند بگویند؟ لطفا به خواندن ادامه دهید:

نادای ها بازگشت سوآمی را پیش بینی می کنند

یک ماه پس از اینکه سوآمی بدنش را ترک کرد، یک مرید سایی به اسم واسنتا سایی از مادورایی در تامیل نادو (هند جنوبی) می خواست دریابد درباره ناپدید شدن زود سوآمی در نادای ها چه نوشته شده است. یکی از اعضای پیوسته اش را به وایدیشوران کویل، یک شهر معبد در تامیل نادو، جایی که نادای های زیادی حفظ میشوند فرستاد. آنچه که فاش شد چیزی کمتر از فوق العاده نبود. به بیان خود واسنتا سایی:

اس. وی. (ونکاترامن، عضو اشرام واسنتا سایی) بلافاصله رفت، چند نادای را دید و به من تلفن زد. گفت، همه نادای ها می گویند که سوآمی دوباره خواهد آمد (...). واسنتا سایی نادای های زیادی یافت، که همه آنچه را که سوآمی در مراقبه به من گفته بود،" او دوباره بر

خواهد گشت" را تأیید کردند (...). - در اواخر ژوئیه برگشت و نادى هاى بيشترى از سوامى خواند. همه اين نادى ها يك چيز را: سوامى مى آيد را آشكار مى كنند.

واستنا سايبى يك روح تكامل يافته، يك مريد سايبى براى سال هاى زياد كه ديدها، خواب ها، و تجربات معجزه آساي بيشمارى از رحمت شگفت آور باگاوان شرى ستيا سايبى بابا، خداوندش داشته است. در حوزه معنوى، عشق و ارادت و استنا سايبى براى باگاوان شرى ستيا سايبى بابا او را خلاصه ي "هشيارى رادا" ساخته است.

واستنا سايبى كتاب هاى زيادى درباره سوامى و جنبه هاى مختلف معنويت نوشته است. اولين كتابش رستگارى، خود اينجا، هم اكنون است كه در سال ۱۹۹۷ منتشر شد. جلوتر گفته ام كه چگونه پيش بينى درباره ارابه خورشيد طلايى به دقت اجابت شد، آنطور كه در نادى ها پيش بينى شده بود. آن تحت رهبرى سوبرمن ين چتتى ير، رئيس بنياد پادوكاى شرى ستيا سايبى بود، كه مريدان مادورايى ارابه طلايى را براى سوامى آورده بودند. باگاوان بابا از خانه سوبر من ين چتتى ير در مادورايى ديدن كرده بود. آنجا در هفتم ماه مه ۱۹۹۷ كتاب واستنا سايبى را با امضاى دستنويس كتاب بركت داد. اين بيش از كافى براى تأييد صحت ديدها و تجربات الاهى اش است. او در حال حاضر در اشرام خود "موكتى نيلايام" (به معنى منبع رستگارى) نزديك مادورايى زندگى ميكند. اشرام او منبع شادى معنوى است و به محتاجين و فقرا با تامين غذا، مسكن، دارو و تحصيلات رايجان خدمت مى كند.

اطلاعات نادى درباره ظهور دوباره سوامى ترجمه شد و در يك كتاب "اطلاعات مقدس نادى" جمع آورى شد. در اين كتاب واستنا سايبى توضيح ميدهد:

باگاوان شرى ستيا سايبى بابا يك آواتار معمولى نيست. همه فكر ميكند كه او بدنش را ترك كرده است. نه تنها مردم معمولى، بلكه آنهايى هم كه به او نزديك بودند به اين طريق فكر مى كنند. آن درست است كه او بدن را ترك كرد، اما آن هم حقيقت است كه دوباره با همان فرم برخواهد گشت.

برخی برگزیده ها از این اطلاعات نادى از كتابش "اطلاعات مقدس نادى"¹ به شرح زير هستند:

درموقع ديدن اين نادى، بدنش ديگر اينجا نيست - معزالك، كمى سردرمى وجود دارد. بدنش اينجا نيست، معزالك بدنش اينجاست. او يكبار ديگر برخواهد گشت و به بدن مى پيوندد، او قبل از ترك، بدنش را آماده کرده است. (راجه ريشى ويشواميترا نادى، خوانندن در ۲۵ ماه مه ۲۰۱۱ انجام شد) - صفحه ۸

بدنى كه اين اعمال بزرگ را انجام داد و بدنى كه همه تاكنون ديده اند بدن واقعى اش نيست. يك بدن مايا است (...). بعد از ساتورن در روز ماه مِر وارد ليبرا ميشود، خدا ديد خودش را در فرم كنونى خواهد داد. اين يك ديد از بدن واقعى اش خواهد بود. آن به وسيله بسيارى كه با حيرت و تعجب مِر خواهند شد ديده خواهد شد. (آگاستيا نادى، خوانندن در بيست و هفتم ماه مه ۲۰۱۱ انجام شد) - صفحه ۲.

گرچه آتمايش بدن جسمانى را ترك كرد، همان آتما دوباره خواهد آمد و به همان فرم جسمانى ميرسد. اين سرنوشت است (...). او در يك بدن سالخورده نخواهد بود، بلكه با يك بدن تازه. (بريگو نادى، خوانندن در ۳۱ مه ۲۰۱۱ انجام شد) - صفحه ۸۶

(...) حالا در اينموقع، خداوندش ديگر در بدن جسمانى نيست. او دوباره دريك بدن نو خواهد آمد. (بريگو نادى، قرائت در ۳۱ مه ۲۰۱۱ انجام شد) - صفحه ۹۶

درزمان گرفتن اين نادى، او در حالت آتميك است (...). بدن خاكى ندارد. او دوباره به زمين خواهد آمد (...). آن سرنوشت اوست. در سن هشتاد و هشت، روى زمين او را بى ترديد بدون لكه يا نقص خواهند پذيرفت، او براى هفت سال زندگى خواهد كرد. (گوراگا نادى، خوانندن در تاريخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۱ انجام شد) - صفحه ۲۶

¹ اطلاعات نادى مقدس - جمع آورده شده به وسيله واستنا ساى، بنياد انتشارات و كتاب واستنا ساى، موكتى

او آن موقع به اینجا پائین خواهد آمد، بدنش در سن پنجاه و هشت تا شصت ساله است. او در بدنی با این سن دوباره متولد خواهد شد. تنها آنوقت او خود را به جهان آشکار خواهد کرد و همه از حقیقت مطلع خواهند شد. (مک کامونی نادى، قرائت در پنجم اوت ۲۰۱۱ انجام شد) صفحه ۱۰۲

جزئیات حیرت آور بیشتری در این نادى ها تامین میشود آنطورکه در کتاب "اطلاعات نادى مقدس" توضیح داده میشود. اما، هر قادیس نقطه نظر متفاوتی را درباره ناپدید شدن سوامی بر طبق درک خودش از واقعه تامین کرده است. پیشگویی ها درباره زمانى که انتظار می‌رود سوامی برگردد نیز به نظر می‌رسند متفق‌الرأى باشند. برخی از نادى ها به قران و پیوستگی نجومى مختلف یا وقایع آسمانى پس از رخدادهاىی که از آن، سوامى انتظار می‌رود خود را در بدن "جدیدش" آشکار کند اشاره میکنند. چون نادى ها گاهى اوقات از زبان نھانى استفاده می‌کنند، تعیین زمان دقیق برای ظاهر شدن سوامى میتواند مشکل باشد. سوکا نادى و ویشوامیترا نادى سن هشتاد و شش را برای ظهور مجدد او ذکر میکنند درحالیکه گوراگا نادى سن هشتاد و هشت را پیشنهاد میکند. حال سؤال اینست خواه این سن پیش بینی شده شامل یا به استثنای سال هاىی که سوامى در خارج از بدنش است باشند یا نه، موضوع هرچه باشد، هم سن ۸۶ و هم سن ۸۸ در چهارچوب زمانى خواهد افتاد که در فصل "سوامى درباره طول عمرش روی زمین صحبت میکند" (که آن میتواند بین ژوئیه ۲۰۱۲ و آوریل ۲۰۱۴ باشد) پیشنهاد شد.

طرح نھانى پیشگویی نوستراداموس

بیشتر مریدان سایی از پیشگویی های متفاوت نوستراداموس¹ مربوط به ستیا سایی آواتار مطلع هستند. دو تا از این پیشگویی ها برجسته هستند:

سه گانگی آب ها به مردى تولد میدهد

¹ میشل نوستراداموس به عنوان نوستراداموس شناخته میشود. یک روشن بین فرانسوی از قرن شانزدهم بود. پیش بینی هایش درباره آینده یکی از مشهورترین در تاریخ هستند، و تا امروز به بهره مندشدن از شهرت گسترده ادامه میدهند. پیش بینی هایش در فرم شعرهای چهار خطی(رباعی) در گروه های صد هستند.

که پنج شنبه را به عنوان روز مقدسش انتخاب خواهد کرد.

صدا، سلطنت، و قدرتش در سراسر زمین و دریا

بالا خواهد رفت، درمیان طوفان های مشرق.

رباعی ۵۰ : ۱

در زمین و هوا آب زیادی یخ خواهد زد،

وقتی همه روز پنج شنبه خواهند آمد تا ستایش کنند.

آنچه که خواهد بود هرگز قبلا آهسته زیبا نبود،

از تمام نقاط جهان خواهند آمد تا او را احترام گزارند.

رباعی ۷۱ : ۱۰

آن کاملا روشن است که هر دو این پیشگویی ها درباره باگاوان شری ستیا سایه بابا هستند. "سه گانگی آب" محلی را پیشنهاد میکند که به وسیله سه آب احاطه میشود. شبه جزیره هند بخصوص قسمت جنوبی آن به وسیله خلیج بنگال، دریای عربی و اقیانوس هند احاطه میشوند. پنج شنبه روز مقدس باگاوان ملاحظه میشود. پیشگویی اشاره میکند به اینکه چگونه مردم از تمام نقاط جهان خواهند آمد تا خداوند را احترام گزارند.

این رباعی های نوستراداموس، هرچا که "ظهور سایه" هدف است جزئی از ادبیات سایه بوده است. من با آنها بارها مواجه شده ام. اما، یکی از خطوط در آن پیش بینی ها همواره مرا فریفته کرده، زیرا نمی توانستم آنها را هیچ یک از وقایعی که در آواتاری سایه رخ داد مربوط کنم. آن خط "از آب زیاد زمین و هوا منجمد خواهد شد، وقتی همه روز پنجشنبه خواهند آمد تا او را ستایش کنند." در پیش بینی های نوستراداموس برخی رباعی ها گمان می رود دارای وقایع چند گانه مهم و شناسایی هایی مربوط به موضوع مورد پیش بینی هستند. من همیشه شک داشتم که آن میتواند به برخی وقایع آینده اشاره داشته باشد، محتمل ترین یک پدیده طبیعی است که برای دلایل روشن آب درگیر میشود. به هر حال، این پیشگویی همواره یک معما مانده است. اما تا من پیشگویی نادای بعدی درباره بازگشت سوآمی را دیدم :

(...) در این روز، به هرجا نگاه میکنید باد و باران خواهد آمد. آنوقت سوآمی در فرمش در اندرا پرادش - در پراشانتی نیلایام خواهد آمد. (کاگابوجانگار نادى، در روز ۲۴ مه ۱۱. ۲۰ قرائت شد) صفحه ۷

حیرت انگیز نیست؟ ولی، فراتر از نکات معینی در همه پیش گوئی ها، مفروضات نامربوط میشوند چون تنها سوآمی میدانند کی و چگونه چیزها نتیجه خواهند داد. آنچه که معلوم است آنستکه پیش گوئی ها به اتفاق آرا بازگشت سوآمی در همان فرم باگاوان شری ستیا سایی بابا روی زمین را پیش بینی میکنند. برخی نادى ها بخصوص اشاره میکنند که بدن تازه اش جوانتر یا بدن میان سالی خواهد بود. بیائید همه دعا کنیم و برای آن لحظه مبهوت کننده منتظر بمانیم، یکی از بزرگترین معجزات که هرگز در تاریخ بشر رخ داده است. یکی که می تواند جهان را برای همیشه از آنچه که ما امروز می بینیم تغییر دهد!

زیرنویس : شاید برای برخی از خوانندگان جالب باشد که پیش بینی های خاصی در اطلاعات آگاستیا نادى من (از ۹۸ - ۱۹۹۷) که به شرح زیر است را ذکر کنم: تو درباره گورویت (باگاوان شری ستیا سایی بابا) کتاب هایی خواهی نوشت و نیز آنها را خارج (از هند) توزیع میکنی. این درواقع اولین کتاب من است؛ درک کنید کار برجسته ای که زمانی فکر میکردم دور از استعداد نوشتن محدود من است. حیرت انگیز آنکه قرائت دیگری هم میگوید من درباره بزرگی نادى ها خواهم نوشت. این کتاب آن پیشگوئی را هم اجابت می کند. این نادى های باورنکردنی!!!

فصل هفت

ناپدید شدن مهدی

مهدی کیست؟ مهدی در سنت های اسلامی یک انسان مسیح مانند است که معتقدند پیش بینی شده قبل از "روز موعود" ظاهر میشود. مسلمانان زیادی معتقدند که الله پیامبرش مهدی را در یک دوره مشکل تاریخ بشری خواهد زائید تا ایمان را برگرداند و آرامش را در جهان برقرار سازد. به نام مهدی معانی مختلف " یگانه هادی"، " ناجی" و "معلم موعود" داده شده است. شیعیان به او گاهی به عنوان قائم یا القائم (به معنی او که برای حقیقت بلند میشود) اشاره میکنند. سایر نام های مهدی که معمولا با آن ها خطاب میشود عبارت از: "آل مهدی"، "حضرت مهدی" و "مهدی موعود" هستند.

علائم شناسایی مهدی

زیبا بشیرالدین از موسسه آموزش عالی شری ستیا سایی که یک مرید وفادار شری ستیا سایی بابا است مقاله ای آشکار کننده به نام حضرت مهدی و بابا "حقیقت یک پیشگویی" نوشته است. که در سناتانا ساراتی نوامبر ۹۱ چاپ شد. در آن مقاله او نشان داده که تمام پیش گوئی ها درباره حضرت مهدی بطور کامل برای باگاوان شری ستیا سایی بابا بکار بردنی است. برطبق نوشته او:

مسلمانان تمام دنیا به ظهور رهبر و هادی بزرگ معتقدند. آنها همه او را مهدی(استاد) میشناسند. پیامبر، حضرت محمد، گفت که حضرت مهدی در آخرین دهه های قرن چهاردهم هجری (این قرن هم اکنون خاتمه یافته است) برای رفاه مسلمانان ظاهر خواهد شد. زمان دردسر و ماده گرایی خواهد بود. ارزش های قرآنی و عمل به آنها نادیده گرفته خواهند شد، و دل انسان ها به ستایش جهان و فریبندگی آن، به "خدایان دیگر" زبان قرآنی

برخواه‌نگشت. پیشگویی ادامه می‌یابد تا مسلم فرض کند که حضرت مهدی حقیقت را اعاده خواهد داد و اسلام مذهب^۱ تمام جهان خواهد بود.

در سنت اسلام "حدیث‌های" مختلفی وجود دارد که به توضیحات حضرت محمد درباره مهدی منتظر اشاره میشود (در واژگان اسلامی لغت حدیث به گفته‌ها یا اعمال حضرت محمد اشاره میکند). علائم مختلفی درباره زمان و شخص مهدی وجود دارد، بیش از ۱۵۰ تا به وسیله پیامبر به حضرت علی چهارمین خلیفه و مخزن اسرار صوفی گفته شدند. این علائم یک گنجینه حمایت شده‌ی امامان، اعقاب حضرت علی و جزئی از سنت شیعه (اصلاً از ایران) از گفته‌های نبوی هستند. در قرن هفدهم میلادی، دانشمند مشهور، تقی آل مجلسی اصفهانی (۱۶۹۸-۱۶۲۷) آنها را در کتاب حجیمی به اسم بحار الانوار جمع‌آوری کرد، که به زبان عربی نوشته شده است.

تعدادی از این گفته‌های منتخب پیامبر اسلام از زبان فارسی ترجمه بحار الانوار اینجا نوشته میشود: بسیاری از مسلمانان برای مدت‌های طولانی از ظهورش باخبر نخواهند شد. آن روح مقدس دو لباس خواهد پوشید، یکی زیر و دیگری لباس بیرونی (صفحه ۲۳۹). رنگ ردا نارنجی از چنان شکلی خواهد بود که طرح پشت او به وضوح دیده خواهد شد (صفحه ۲۹۲ و ۷۷۷). لباس نارنجی رنگش میان مردم نور پخش خواهد کرد (صفحه ۲۴۵). مویش ضخیم و سیاه و به شانه‌هایش خواهد رسید (صفحه ۲۵). ابروانش در مرکز به هم پیوسته میشوند (صفحه ۲۴۲). سایر مشخصات او عبارتند از پیشانی پهن و روشن (صفحه ۲۶۳). بینی مستقیم با یک برآمدگی درآغاز، یک خال برگونه، که از حضرت موسی یادآوری میکند، روشن مثل ستاره، دندان‌های جلو از هم فاصله دارند (صفحه ۲۴۳). چشمان سیاه (صفحه ۷۷۷). قد متوسط، با قد یهودی مقایسه میشود (صفحه ۲۳۹). رنگ رخ بطور مختلف چون شبیه سکه برنز طلا درخشنده وصف میشود، بقدری درخشان که غیرممکن است رنگ واقعی آن تشخیص داده شود (۲۹۳ - ۲۶۳) تاثیر کلی: پر

^۱ معنی لغوی "اسلام" آرامش است. آن میتواند عمومیت آرامش در سراسر جهان تعبیر شود.

ازترحم، با وقار، متعال(صفحه ۲۳۹). روش او نسبت به همه برادرانه خواهد بود، گویی آنها را خوب می‌شناسد (صفحه ۳۱۴). او تمام پیامبران و قدیسین را دوست دارد؛ هر چه بخواهد انجام داده خواهد شد. بر همه تضادها غلبه خواهد کرد (صفحه ۲۴۲). مریدانش حمایت خواهند یافت (صفحه ۳۴۲). مردم او را مظهر سرور الاهی خواهند یافت (صفحه ۳۴۱). او برای بیچارگان و طردشدگان پناه خواهد بود (صفحه ۲۳۵). او صبح و عصر معنویت به مردم توزیع خواهد کرد (صفحه ۳۴۳) (اشاره به دارشان روزانه بابا). نور الاهی از او ظاهر خواهد شد(صفحه ۲۵۲). او مذهب جدیدی نخواهد آورد(صفحه ۶) (بابا اغلب تاکید کرده که مذهب جدیدی را تعلیم نمیدهد). تمام دانش ها و جوهر تمام مذاهب مثل یک باغ تازه در دلش شکوفه خواهد داد(صفحه ۲۳۸). او جهان را با آرامش پر خواهد کرد. او یک دوست و یک ناصح خواهد بود(صفحه ۲۸۷). او راه راست را نشان خواهد داد(صفحه ۳۵۲). ای مسلمانان بدانید او که تولدش از شما پنهان است خدای شما، مهدی است (صفحه ۲۹۲)¹

علائم دیگری که در کتاب بحارالانوار داده میشود: او هدایایی خواهد داد که سبک وزن هستند. او در میان مریدانش به اطراف خواهد رفت و سرهایشان را با دستش لمس میکند. هرچشمی که او را می بیند شاد خواهد شد، نه تنها انسان ها بلکه روح های از جسم جدا شده هم. او نود و پنج سال زندگی خواهد کرد. در آخرین بیست سال زندگیش " شاه تمام جهان خواهد بود" اما در آن موقع دو سوم مردم جهان به او ایمان خواهند داشت. مسلمانان تنها ۹ سال قبل از اینکه از جهان بروند او را تشخیص خواهند داد. لذا برای اینکه گول زده نشویم، باید بدانید که خداوند جهان چیزها را از بدنش، از طریق دهانش بیرون خواهد آورد (اشاره به ظهور شیوا لینگام از دهان سوآمی در خلال شیوارتری میکند).

ر. لوئین برگ در کتابش " قلب سایی" میگوید که در اشرام یک خاتم مرید ایرانی بود که در حلقه سایی به عنوان "ایران ما" (به معنی مادری از ایران) مشهور بود. او پیش گویی های

¹ مرجع ها: الف) در جستجوی خداوند سایی اثر ستیا پال روھلا ب) خدا به زمین پائین میآید ازسنجی کانت

حضرت محمد درباره ظهور آموزگار بزرگ را (در کتاب دریای نور) یافته بود. او برای لوئن برگ علائم تشخیص دهنده زیادی که با ویژگی های باگاوان شری ستیا سایی بابا منطبق است را توضیح میدهد. سوآمی ماهشوراند و کتابش "سایی بابا و اشرام نارا ناراین گویا" اشاره میکند، که گرچه ایرانی ما می خواست آن پیشگویی های حضرت محمد را در فرم کتاب منتشر کند، سوآمی به او اجازه آن کار را نداد.

گروهی از مریدان ایرانی که در پراشانتی نیلایام ازدحام می کنند، خودش گواه بر صدق پیش بینی ها در بحار الانوار و همگرایی در شخصیت، ویژگیها و ماموریت دو آواتار است. تمام علائمی که حضرت محمد میدهد تا مهدی را شناسایی کنند، بطور کامل با سیما و نشان های ویژه جسمی سوآمی در صف می آیند. مشابه پیش گویی نادى که " بشر به او به عنوان امپراتور بزرگ تعظیم خواهد کرد" پیش بینی ها درباره مهدی ذکر میکنند که او شاه تمام جهان خواهد بود.

سلطنت مهدی روی زمین

دو تا از پیشگویی ها در بحار الانوار برای مربوط بودنشان درباره مشاهده تصدی مهدی روی زمین برجسته هستند. یکی میگوید مهدی برای نود و پنج سال زندگی خواهد کرد، دیگری، ذکر میکند مسلمانان او را تنها نه سال قبل از ترک کردن جهان تشخیص خواهند داد.

فرض کنید که نود و پنج سال تقویم مسلمانان باشد¹. آن هم هنوز باید بین نود و سه و نود و چهار سال تقویم متعارف باشد که آن با گفته های خود سوآمی درباره طول عمرش موافق است (لطفاً به فصل "سوآمی درباره طول عمرش روی زمین صحبت میکند" مراجعه فرمائید). پیش گویی دوم بر وقوع چیزی واقعی، اساسی که باعث میشود مردم به مهدی در نه سال آخر قبل از اینکه عاقبت جهان را ترک میکند باور کنند اشاره میکند. سوآمی بدنش را در سن هشتاد و پنج ترک کرد. اگر ما به آن نه سال بیافزاییم (یا ۷۵ / ۸ سال متعارف که از تقویم اسلامی حساب شده) - آن سن، نود و چهار خواهد بود. در فصل "سوآمی درباره طول

¹ تقویم اسلامی شامل دوازده ماه و هر سال شامل ۳۵۴ یا ۳۵۵ روز است. چون سن ۹۵ میتواند هر زمانی بین

۹۵ و ۹۶ سال ملاحظه شود، حساب براساس ۳۵۵ روز سنی بین ۹۳ و ۹۴ با تقویم متعارف میدهد.

عمرش روی زمین صحبت میکند" من قبلا اشاره کردم که چون سوآمی سن نود و چهار و نود و شش را در دو محل مختلف ذکر میکند، دو سال می تواند به سالهایی که او "خارج از بدن" خواهد بود مربوط باشد. با در نظر گرفتن همه این حقایق، درخور توجه است که فرض کرد ظهور دوباره اش می تواند دلیل اینکه چرا بیشتر مردم به او ایمان خواهند آورد باشد. آنوقت او میتواند در این جهان برای حدود نه سال باشد. جالب است توجه کرد که من هم با چند حدیث مواجه شدم که می گوید مهدی بر جهان حکومت خواهد کرد (پس از بلند شدن برای هفت یا هشت سال به جای نه سال).

مهدی ما یک پیشانی پهن و یک بینی برجسته دارد. او دنیا را با عدالت پرنخواهد کرد چون جهان با بی عدالتی و استبداد پر است. او برای هفت سال حکومت خواهد کرد.

بحارالانوار جلد ۱۳ قسمت یک، ترجمه انگلیسی، صفحه ۱۴۳

ابو داؤد صحیح، جلد دو صفحه ۲۰۸ فصل ۵۱ مُهیمما، صفحه ۲۷۵

(...) سلطنت او هفت سال خواهد بود، در غیر این صورت هشت یا نه سال.

بحارالانوار جلد ۱۳ قسمت یک، ترجمه انگلیسی صفحه ۱۴۳

او برای هفت یا نه سال حکومت خواهد کرد.

بحارالانوار جلد ۱۳ قسمت یک، ترجمه انگلیسی، صفحه ۶۸

(مهدی) جهان را با انصاف و عدالت پر خواهد کرد، چون جهان با بی عدالتی و ظلم احاطه خواهد بود. ساکنان بهشت و زمین از او خوشحال خواهند بود. بهشت هیچ یک از برکاتش را بس نخواهد کرد بلکه آنرا با سخاوت نازل خواهد کرد. زمین هیچ یک از گیاهانش را بس نخواهد کرد، بلکه آنها را تولید میکند، تا حدی که انسان های زنده آرزو خواهند کرد نمیزند. او در آن فرم برای هفت یا هشت یا نه سال زندگی خواهد کرد.

بحارالانوار جلد ۱۳ قسمت یک، ترجمه انگلیسی، صفحه ۹۱

این پیش بینی ها تشاهی غریب با پیشگویی نادى درباره بازگشت سوآمی دارند.

در سن هشتاد و هشت، مردم روی زمین او را بدون تردید، عیب یا قصور خواهند پذیرفت. او برای هفت سال زندگی خواهد کرد. (گوراگا نادی، قرائت در ۱۴ ژوئن ۱۱. ۲ انجام شد)

اطلاعات نادی مقدس، شری واسنتا سایی، صفحه ۲۶

او دوباره می آید و فقط برای هفت سال بیشتر باقی خواهد ماند. در خلال این هفت سال تغییرات زیادی رخ خواهد داد. (بُگار نادی، قرائت در ۲۵ مه ۱۱، ۲ انجام شد)

اطلاعات نادی مقدس، شری واسنتا سایی، صفحه ۱۸

مسیحیان بسیاری همه به این عقیده اند که یک دوره هفت ساله شادی و سرور وجود خواهد داشت که اغلب به آن به عنوان "وجد" (به معنی حالتی از هستی است که با سرور محض، عشق یا جذبۀ همراه است) اشاره میشود. این دوره باور میشود که از آمدن مسیح دوم خبر میدهد که پس از آن هزار سال سلطنت آرامش در این جهان خواهد بود (تفصیل بیشتر در فصل "طلوع عصر طلایی ستیا سایی").

ناپیدیدی مهدی

من به عنوان مرید سایی، حتی از روزهای اول، کتاب های مختلفی درباره سوامی جائی که پیشگویی های مهدی ذکر میشود را می خواندم. لذا همیشه معتقد بودم که این پیش بینی ها به وضوح مربوط به ستیا سایی آواتار است. پس از اینکه شروع به نوشتن این کتاب کردم، فکری به ذهنم خطور کرد که اگر آن پیش بینی ها واقعا درباره سوامی بودند، در اینصورت باید مطمئنا اشاراتی در آن کتاب ها به ناپیدیدی پیش رس سوامی هم شده باشد. تصمیم گرفتم خودم بررسی کنم بفهمم حدیث های مختلف درباره این چی دارند بگویند. من همچنین از برخی مجلدات بحارالانوار بعضی ترجمه های انگلیسی بدست آوردم و شروع به خواندن آنها کردم. آنچه که از آن مجلدات یافتم حیرت انگیز بودند. نمی توانستم آنچه که داشتم می خواندم را باور کنم. حدیث به وضوح درباره ناپیدید شدن مهدی و برگشت بعدی صحبت

میکند! حدیث میگوید که مهدی دوبار از زمین ناپدید میشود. اولی برای مدت طولانی خواهد بود و دومی ناپدیدی واقعی اش (یا مرگ) خواهد بود.
حضرت مهدی برای مدتی از نظر ناپدید خواهد شد.

بحارالانوار جلد ۱۳ قسمت یک، ترجمه انگلیسی، صفحه ۱۳۳

او دوبار ناپدید خواهد شد. اول بقدری طولانی خواهد شد که برخی مردم خواهند گفت که او مرده است. دیگران خواهند گفت او رفته است. هیچ یک از آنها که او را دوست دارند و نه کس دیگری نخواهند دانست او کجاست (...)

آل متقی آل هندی، ال بورهان فی علامات مهدی

او (مهدی) به وسیله الله برای سال ها ناپدید خواهد شد. او فراموش خواهد شد تا گفته شود: او مرده است، نابود شده است یا به دره ای رفته است. چشمان معتقدان بر او گریه خواهند کرد و آنها مثل کشتی که با امواج دریا واژگون میشود واژگون خواهند شد (...).

بحارالانوار جلد ۱۳ قسمت یک، ترجمه انگلیسی، صفحه ۱۸۰

نام قائم (یا القائم) در آیات زیادی استفاده شده تا به مهدی که به زبان عربی به معنی "بلندشدن برای حقیقت" است اشاره کند. اینجا به دو چیز احتیاج است توجه شود. اول کلمه "بلندشدن" که به روشنی به عمل "صعود" اشاره میکند. دوم کلمه "حقیقت" است که معنی اصلی جزئی از نام سوآمی یعنی "ستیا" (به عنوان ستیا سایی بابا) است. به علاوه، بحارالانوار این ناپدیدی مهدی را به عنوان دوره ای از "غیبت" می خواند. لغت غیبت معمولاً به بدن های آسمانی (مثل سیارات) اشاره میکند تا ناپدید شدن موقتی آنها پشت سیاره های دیگر. اینجا هم همان لغت استفاده میشود تا ناپدیدی موقت مهدی به حوزه های ناشناخته را وصف کند. من توصیفات زیادی درباره این دوره از غیبت که به وسیله فضایی مختلف داده شده دیدم. برخی حتی میگویند که مهدی از بشریت برای صدها سال قائم میشود و بعد جلوبشریت ظاهر میشود درست قبل از "پایان دوره". اما آیات در بحارالانوار رویهمرفته تصویر مختلفی میکشد. یکی از جالبترین پیش گویی ها در بحارالانوار آنستکه وقتی قائم بلند

میشود مردم حیرت زده خواهند شد، فکر میکنند این چگونه میتواند رخ دهد زیرا بدنش از پیش باید فاسد شده باشد. این اشاره میکند که عمل غیبت یا ناپدید شدن با عمل مرگ شروع خواهد شد.

(تمام آیات دیگر در این فصل از کتاب بحارالانوار جلد ۱۳ بخش یک، ترجمه انگلیسی گرفته میشود مگر اینکه غیر از این تصریح شود.)

وقتی قائم بلند میشود، مردم خواهند گفت، این چگونه میتواند باشد؟ استخوان هایش هم باید فاسد شده باشند. (صفحه ۱۸۱)

من به او گفتم، "ای پسر پیامبر الله، چرا او قائم نامیده میشود؟" گفت، "چون او بعد از مرگ خاطره اش قیام خواهد کرد (...)" (صفحه ۱۹۳)

بین، او یک دوره غیبت خواهد داشت. که در خلال آن افراد جاهل حیران خواهند شد و ناتوان کنندگان نابود خواهند شد و تعیین کنندگان زمان مدفون خواهند شد. بعد او قیام خواهد کرد. (صفحه ۱۹۳)

گفتم: چرا او "منتظر" نامیده خواهد شد؟ او گفت، "او یک غیبت خواهد داشت، روزهایی که زیاد خواهد بود و مدتی که طولانی خواهد بود. افراد صمیمی برای بلند شدنش منتظر خواهند ماند و شکاکان او را طرد خواهند کرد و رد کنندگان بر او می خندند. (صفحه ۱۹۳)

آیات فوق اشاره نمی کنند که دوره غیبت به صدها سال بالغ میشود آنطور که به وسیله اولیاء زیادی نتیجه گرفته شده است. در غیر این صورت آیه به روشنی کلمه "سال ها" را بکار میرد تا این مدت طولانی را. همچنین، به جمله، "رد کنندگان به او خواهند خندید" توجه کنید. آن حقیقتی است که بسیاری از نامعتقدان آنرا به عنوان پیشگویی موفق نشده که سوآمی بدنش را زودتر از انتظار ترک کرد مسخره کرده اند.

مهدی کی بر خواهد گشت

بازگشت مهدی انتظار می‌رود و از عصری نو، از عصر عشق و آرامش مشابه عصر طلایی که در سخنرانی‌های سوآمی ذکر شدند، آگاهی می‌دهد. آن روز در کتب اسلامی "روز قیامت" ذکر می‌شود که معنی لغوی آن "روز محشر" است. همچنین اشاره می‌شود که هیچ کس جز خدا نمی‌داند آن روز کی می‌آید.

"ای پیامبر الله، آیا قائم از اولادان تو برخواهد‌خاست؟" او گفت: "مثالش شبیه مثال ساعت است: ... به وقتش هیچ کس جز او آنرا ظاهر نخواهد کرد؛ آن در آسمان و زمین مهم، خطیر خواهد بود؛ آن به آمدن ادامه خواهد داد، بلکه ناگهانی. (صفحه ۱۸۹)

کتاب مقدس میگوید ظهور مهدی "ناگهانی" در یک لحظه غیرمنتظره که او تنها وقت را میداند خواهد بود. این به آیات زیرین در کتاب عهد نو که ورود "پسر انسان" (که معتقدند ورود دوم حضرت مسیح است) را وصف می‌کند، اشاره دارد:

بنابراین، نگاه کن، زیرا تو روز و ساعتی که در آن پسر انسان ظاهر می‌شود را نمی‌دانی.

متی ۱۳-۶ : ۲۵ از نسخه کینگ جیمز

اما، از آن روز و آن ساعت هیچ آدمی باخبر نیست، نه، نه حتی فرشتگان که در بهشت هستند، و نه پسر، فقط پدر.

مرقس ۳۲ : ۱۳ از نسخه کینگ جیمز

آیا مهدی در بدن جوان بر میگردد؟

در فصل "نادی‌های باورنکردنی" ما قبلاً پیشگویی‌های نادری دیدیم که به بازگشت سوآمی اشاره می‌کنند. برخی از اطلاعات هم اشاره می‌کنند که وقتی برمیگردد بدنی جوان تر یا بدن میانسال خواهد گرفت.

پس از اینکه به خارج می‌آید، آرامش خواهد داشت. او به کاری که برای هشتاد و پنج سال گذشته مشغول بوده ادامه خواهد داد. گرچه بدن جوانتر خواهد بود، بلوغ و تجربه

۱۵ سال را خواهد داشت. او دوباره خواهد آمد و برای هفت سال بیشتر باقی خواهد ماند (بُگار نادى، قرائت در ۲۵ مه ۲۰۱۱ انجام شد).

اطلاعت نادى مقدس، واستنا سايبى، صفحه ۱۸

بحار الانوار هم سرنخ هاى مشابه حيرت انگيزى ميدهد:

علامت قائم شما چه خواهد بود وقتى دوباره ظاهر ميشود؟ او پاسخ داد: او سالخورده خواهد بود، اما چون يك مرد جوان به نظر خواهد رسيد. هر كس او را مى بيند خواهد گفت كه او چهل سال يا كمتر دارد. گردش روزها و شب ها تا آخرين روزش بر او اثر ندارند. (جلد ۱۳ بخش ۲ صفحه ۱۷۸)

دكتور جان هيسلاپ نوشته هايش از مصاحبه اى با سوامى را منتشر كرد كه در خلال مصاحبه بابا اظهار كرد: " اين بدن تا سن ۹۶ زندگى خواهد كرد و جوان خواهد ماند."¹

كتاب بالو " خداوند زنده" به كلام سوامى اشاره ميكند: " در اين بدن، من پير يا عليل نخواهم شد آنطور كه در بدن قديمى ام (شيردى) شدم."²

اين اظهارات مشخص ميكنند كه سوامى وقتى كه برمىگردد جوانتر به نظر خواهد رسيد. ما جلوتر آيائى از بحار الانوار را كه ميگويد مهدى حداقل هفت سال پس از ظهور مجددش باقى خواهد ماند را بحث كرديم. من همچنين يك پيشگويى درباره ناپديدي نهاي مهدى از زمين پيدا كردم.

او هفت سال (پس از ظهور مجددش) باقى خواهد ماند و بعد خواهد مرد و مسلمانان بر او نماز خواهند گزارد. (صفحه ۹۱)

عصر طلايى مهدى

¹ گفتگو باستيا سايبى بابا، ج. هيسلاپ، شركت انتشارات روز تولد، سان ديه گو، كاليفرنيا، ۱۹۷۸ ص ۸۳

² "خدای زنده"، شاکونتالا بالو، ص ۴۰

ورود مهدی مُنادی عصر طلایی خواهد بود که زمین را با آرامش و عدالت اشباع میکند؛ شکوهی که از آن در بحارالانوار وقایع بطور زیبایی به ترتیب زمانی ذکر میشود.

توسط خدا... او از جهان نخواهد رفت تا ظاهر شود و زمین را با آرامش و عدالت پرکند، زیرا جهان با ظلم و بی عدالتی اشباع است. (صفحه ۱۹۷)

اگر شما زمانش را ببینید مبارک میشوید! خوشابه حال هرکس که زمان او را می بیند! (صفحه ۱۷۰)

و زمین با نور خداوندش خواهد درخشید، و حکومت او از شرق تا غرب گسترش خواهد یافت (صفحه ۱۱۳)

او قضاوت های بد را از شما جدا میکند، خطرات شما را ناگهان متوقف خواهد کرد. حاکمان نا عادل را مرخص میکند، و جهان را از افراد نادرست پاک خواهد کرد. او با انصاف و عدالت عمل خواهد کرد و درمیان شما مقیاس منصفانه ای از عدالت دایر خواهد کرد. مردگان شما آرزو خواهند کرد می توانستند مدت کوتاهی برگردند و یکبار دیگر دوباره زندگی کنند. این قرار است رخ دهد. به خاطر الله، شما در رویاهایتان هستید! زیانتان را حفظ کنید و دنبال معاش خود باشید، زیرا تباهی بر شما خواهد رسید. و اگر صبر کنید، اجر داده خواهید شد و با یقین درک خواهید کرد که او انتقام گیرنده مورد ایذا و اذیت واقع شده شما و جبران کننده حقوق شماست. من به الله قسم واقعی می خورم که خدا به راستی با مردمی است که پرهیزگار هستند و کارهای خوب میکنند (صفحه ۱۵۶-۱۵۵)

در آن موقع، زمین گنجینه هایش را آشکار خواهد کرد و برکاتش را نشان خواهد داد. انسان ها جایی نخواهند یافت که صدقه بدهند و نه سخی باشند، زیرا ثروت تمام معتقدان را احاطه میکند (قسمت دوم صفحه ۲۳۳)

این آیات به زیبایی عصر طلایی پیش بینی شده را توضیح میدهند؛ پدیده ای که با توجه به حالت جاری امورات در جهان بینهایت نفهمیدنی به نظر میرسد. اما آنطور که میدانیم، سوآمی شامل تمام اصول خداست و مهدی یا مسیح تمام پیش گویی های قول داده شده را

اجابت خواهد کرد که عصر طلایی خواهد آمد. وقتی بیاید، زیبایی اش فراتر از همه رویاها و تصورات خواهد بود.

زمان، وقتی که همه بشریت در هماهنگی زندگی خواهند کرد نزدیک میشود. آن موقع زودتر از آنچه که شخص انتظار دارد اینجا خواهد بود (...). آن چیزی نیست که هر کس که زنده است بتواند تصور کند. آن فراتر از درک همه است. می توانم بگویم که زیبایی اش فراتر از هر رویایی با عظمت خواهد بود.

ستیا سایی بالویکاس، جلد ۱۵، شماره ۹ سپتامبر ۹۶

چرا مهدی برخواهد گشت؟

(...) زیرا (...) او زمین را با عدالت و انصاف پر نکرده است، آنطور که در روایات پیش بینی شده، بنابراین، این باید در آخرین دوره زمان رخ دهد. این دلایل همه ترکیب شده اند تا سرنوشت اظهار شده را اجابت کنند. (صفحه ۱۴۱)

آیه فوق برای زمینه این کتاب از اهمیت زیادی برخوردار است. آن میگوید چون مهدی ماموریت پیش بینی شده اش یعنی پرکردن زمین با عدالت و انصاف را هنوز اجابت نکرده است، برای اتمام آن مقدر است برگردد. این بطور کامل در موافقت با نکته ای است که این کتاب تلاش کرده است ثابت کند: چون چیزهای زیادی که سوآمی اعلام کرده هنوز مقرر است رخ دهند و پیش گویی های زیادی در کتب مقدس هنوز باید اجابت شوند، یقین است که او دوباره بر می گردد!

(...) من برای مردم روی زمین امنیت هستم، درست همانطور که ستارگان برای ساکنان آسمان امنیت هستند... برای ظهور مجدد زودتر دعا کنید زیرا موفقیت شما در آن نرفته است. (صفحه ۴۹۸)

فصل هشت

دیدى در آسمان

کتب مقدس زیادى در سرتاسر جهان واقعه اى را پيشگويى ميکنند که ورود خدا بر زمين را اعلام مى کند. يکى از مشهورترين و موردبجث ترين پيش بينى ها در عهد نوى انجيل مقدس " آمدن پسر انسان" است. در انجيل مقدس آيات زيادى وجوددارد که درباره ظاهر شدن خدا در آسمان در يکى از غيرمنتظره ترين ساعات ميگويد، بدان وسيله بشرت را به تسليم و اطاعت معنوى مسخ ميکند.

و بعد علامت پسر انسان در آسمان ظاهر خواهد شد: و آنوقت تمام قبائل زمين ماتم ميگيرند و پسر انسان را خواهند ديد که بر ابرهاى آسمان با قدرت و شکوه زياد مى آيد. و او فرشتگانش را باصداى ترمپت زياد خواهد فرستاد، و آنها برگزيده اش از چهار باد، از يک طرف آسمان به طرف ديگر با هم جمع خواهند شد.

متى ۳۱ - ۳۰ : ۲۴ از نسخه کينگ جيمز

زيرا خدا خودش از آسمان با صداى بلند پائين خواهد آمد. با صداى فرشته بزرگ و با پيشى جستن خدا.

۱ تسالونى آنز ۱۷ - ۱۶ : ۴ از نسخه کينگ جيمز

آيات فوق در انجيل مقدس ديدى که به وسيله انسان ها درآسمان شاهد ميگردند را پيشنهاد ميکند و آن ورود خدا به عنوان "پسر انسان" را اعلام خواهد کرد. بسيارى معتقدند که اين "دومين ظهور" حضرت عيسى مسيح است. اما، به گفته سوامى، مسيح هرگز درباره برگشت خودش نگفته بود. آن آمدن بابا بود که مسيح هميشه به آن اشاره مى کرد.

(...) گفته مسيح ساده است: " او که مرا به ميان شما فرستاد دوباره خواهد آمد!" او به يک بره اشاره کرد. بره صرفاً يک سمبول، يک علامت است. نماينده صداى بع بع، *Ba Ba*

است؛ اعلام ظهور بابا بود (...). مسیح اعلام نکرد که او دوباره خواهد آمد. گفت کسی که مرا خلق کرد دوباره خواهد آمد." آن بابا این بابا است" (...).

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۱۱، فصل ۵۴

آیا آن به این معناست که "ورود دوم" از "پسر انسان" در انجیل مقدس به آمدن مجدد خود شری ستیا سایی بابا اشاره میکند؟ آیا جهان می تواند شاهد دید فرم ستیا سایی شود؟
بین، او با ابرها می آید؛ و هر چشمی او را خواهد دید، و آلهایی هم که او را کر کردند؛
و همه خویشاوندان زمین به علت او گریه خواهند کرد. آمین

مکاشفه ۷ : ۱ از نسخه کینگ جیمز

انجیل میگوید هر چشمی او را خواهد دید. در خلال آن دید به چیزی با مقیاس جهانی اشاره میکند. یک پیشگویی جالب از آگاستیا نادى درباره ظهور مجدد سوآمی وجود دارد که از کتاب "اطلاعات نادى مقدس" ذکر میشود.

(...) خدا از خودش در فرم کنونی اش دیدی خواهد داد. این دید واقعی از بدن واقعی اش خواهد بود. آن با حیرت و شگفتی به وسیله بسیاری دیده خواهد شد (...). خداوند شیوا حالا می گوید که یک دید دیده خواهد شد نه تنها در هند بلکه در سراسر جهان. آن همان فرم خواهد بود ولی در محل های مختلف. بسیاری با حیرت پر میشوند و ادعا میکنند او را در حقیقت اینجا و آنجا می بینند، او در محل های مختلف هم زمان به وسیله همه دیده خواهد شد.

اطلاعات نادى مقدس، واستنا سایی، صفحه ۱۸

اطلاعات از آگاستیا نادى یقینا جان کلام پیش گویی های انجیلی که در فوق بحث شد را منعکس می کنند. انجیل ضمنا میگوید "ورود دوم" می تواند در ساعتی غیر منتظره باشد که هیچکس از آن مطلع نخواهد شد.

بنابراین، خود را برای چنین ساعتی آماده کنید، چون فکر می کنید که پسر انسان نمی آید.

متی ۴۴ : ۲۴ از نسخه کینگ جیمز

اما از آن روز و آن ساعت هیچ انسانی نمی داند، نه، و نه فرشتگان که در بهشت هستند،
ونه پسر، فقط پدر.

مرقس ۳۲ : ۱۳ از نسخه کینگ جیمز

ما قبلا درباره تشابهات در ظهور مهدی یا قائم آنطور که در بحار الانوار ذکر شده، و آمدن
"پسر انسان" ذکر شده در انجیل بحث کردیم. بحار الانوار همچنین میگوید که وقتی قائم پس
از غیبتش نمودار میشود، آن در لحظه ای غیر منتظره خواهد بود. آیات زیادی وجود دارند که
در بحار الانوار (درباره ظهور مجدد) ذکر میشوند که مشابه آیات انجیلی هستند.

ببین، به گفته الله، مهدی شما از شما ناپدید خواهد شد (...). بعد او مثل یک شهاب
مشتععل خواهد آمد. زمین را با عدالت و انصاف پر خواهد کرد زیرا زمین پر از بی عدالتی و
ظلم خواهد بود.

بحار الانوار جلد ۱۳ قسمت یک، ترجمه انگلیسی صفحه ۱۷۸

حالا بیائید آنها با آیات انجیلی که درباره آمدن پسر انسان می گویند در ابرها همجنس با
آذرخش که از شرق به غرب می خورد مقایسه کنیم:

چون آذرخش از شرق می آید و حتی تا غرب می درخشد؛ همینطور خواهد بود ورود پسر
انسان.

متی ۲۷ : ۲۴ از نسخه کینگ جیمز

و بعد آنها پسر انسان را که در ابرها می آید خواهند دید.

مرقس ۲۶ : ۱۳ از نسخه کینگ جیمز

این آیات در کتب عهد جدید مسیحیان و بحار الانوار بیشتر هم باور مرا به اینکه جهان
میتواند شاهد دیدی از فرم ستیا سایی در آسمان از محل های متعدد باشد، تأیید کرد.
خوانندگان بیاد خواهند آورد و از فصل "سرنخ هایی برای برگشت قریب الوقوعش" که برخی

از میدان خواب هایی درباره حضور سوآمی در محل های متعدد داشته اند و مردم زیادی اطراف جهان ادعا میکنند او را می بینند، در همان فصل ما درباره پیام های سیما دیوان از سوآمی در خلال لحظات آخیش در بدنش بحث کرده بودیم. من میل دارم پیام "من هیچ جا نرفته ام" را دوباره در نور پیشگویی های فوق در مورد "دید در آسمان" بررسی کنم. (فقط برگزیده تامین شدند)

(...) دل های وفادار با ذهنی پاک و قلبی با محبت مرا گه گاه صدا خواهند کرد. آنها تنها با قدرت پاکی شان مرا یکبار دیگر برای جهان قابل رویت خواهند کرد و من یکبار دیگر با دستانی پر خواهم آمد. شما باید کلام من را باور کنید زیرا هرچه می گویم هرگز نخواهد رفت. هرچه میگویم حقیقت میشود. همیشه مرا بیاد بیاورید، بدانید که من مقابل شما هستم. خود را از احساس آزاد سازید و منتظر برگشت من باشید."

سوآمی می گوید او یکبار دیگر برای جهان قابل رویت خواهد شد. لغت "قابل رویت" با دید مربوط است. آیا سوآمی درباره دید با شکوهی که جهان در شرف شاهد بودن است اشاره ای می داد؟ آیا آن روز ظهور دوباره اش می تواند با دیدی مبهوت کننده در آسمان همان دیدی که سوآمی اشاره میکند "روز بیداری" است باشد؟

روز بیداری دور نیست و وقتی می آید افشای قدرت واقعی خدا، تجلی حضور مطلق خدا خواهد بود.

شری ستیا سایه بابا و آینده نوع بشر، ستیا پال روہلا، صفحه ۲۲۳

دارشان ویشوروپ به تاخیر افتاد

من هرگز یک لغت نمی گویم که اهمیت نداشته باشد، یا کاری نمی کنم بدون نتیجه سودمند باشد.

زندگی باگاوآن شری ستیا سایه بابا، ن. کستوری، صفحه ۱۹۶

روز پنجشنبه چهارم اکتبر ۲۰۰۷، (بنابر دستور سوآمی) در پراشانتی نیلایام اعلام شد که سوآمی در حدود ساعت ۷ شب در جهت شمال شرقی فرودگاه پوتاپارتی "دارشان

ویشوروپ" خواهد داد. به محض اینکه این اعلام شد، مریدان درحالیکه نامش را ذکر میکردند شروع به دویدن به سوی فرودگاه کردند. ایستگاههای تلویزیونی هم خبر را پخش کردند و همه مردم پوتاپارتی در خانه های خود را قفل کردند به سوی فرودگاه دویدند. هزاران نفر از روستاهای اطراف نیز به محوطه شتافتند. تمام مریدانی که منطقه را پر کرده بودند توجه شان را به جهت شمال شرقی در آسمان متمرکز کردند. برخی از آنها در حالتی از عشق و ارادت، اتومبیل سوآمی را احاطه کردند و او حتی نمی توانست خارج شود. مریدان حتی پس از اینکه اعضای بنیاد ستیا سایی آنها را وادار به نشستن کردند نرم نشدند. به جایش دنبال اتومبیل دویدند.

یک جایگاه کوچک مقابل اتومبیل برای دارشان ویشوروپ برپاشد، اما سوآمی حتی نمی توانست به جایگاه برسد چون مریدان در مقابل او سجده کرده بودند. او مجبور شد برای حدود یکساعت در اتومبیل بماند، کمی بعد، صاحبان مقام بنیاد ستیا سایی اعلام کردند که دارشان ویشوروپ به علت عدم تشریک مساعی مریدان و هوای ابری به تعویق افتاد. بعد سوآمی به اشرام برگشت¹.

خُب، آن درحقیقت، به علت طبیعت نامتعارف محض آن در تاریخ آواتاری ستیا سایی واقعه خیلی محرکی است. آن خیلی غیر شبیه سوآمی بود که اعلام کند دید عمومی میدهد و بعد نمایش به تعویق انداختن همان را درست کند به هر دلیلی که ممکن است باشد. سوآمی برای اعطای یک دید مبهوت کننده، که به خودی خود یک معجزه سخت بود، آنجا بود، بعد به تعویق انداختن آن برای اینکه نمی توانست از اتومبیل بیرون بیاید، مافوق منطقی است. اما درآخر ما همه میدانستیم که سوآمی کاری را بدون یک دلیل معتبر نخواهد کرد.

سوآمی دیدهای عالی را به مریدان زیادی در گذشته عطا کرده است. اما، آنها فقط برای افراد خاص یا گروه کوچکی از مردم بودند. یکی از چنین حادثه های حیرت انگیز در کتاب غیر از تو پناهی نیست اثر خانم وینجیا کوماری روایت میشود. نویسنده دیدهای آسمانی حیرت انگیزی که سوآمی به او و چند مرید دیگر عطا کرده بود را شرح میدهد.

یک روز، وقتی که همه ما به طرف چیتراواتی راه می‌رفتیم، سوامی ناگهان ناپدید شد. در حالیکه او را جستجو میکردیم صدای کف زدن شنیدیم و، به بالا نگاه کردیم، سوامی ما را هشدار داد، "من در نوک تپه هستم." ساعت ۶ عصر بود. خورشید نمرهای انوارش را ملایم کرده بود و به سوی غرب فرومی‌رفت. آسمان پر از ابرهای سیاه بود، گویی خود را در یک پتوی ضخیم می‌پوشاند، سوامی گفت، "همه به من نگاه کنید، به شما خورشید را نشان خواهم داد." باوجودی که فکر میکردیم، "چگونه خورشید برخواهد گشت در حالی که قبلا غروب کرده" ما پشت سر سوامی انوار تازه بالا آمده را دیدیم. تمام آسمان پر از ابرهای آبی بود انوار به رنگ قرمز برگشت تا آنها به نظر آتشین بیایند و یک عامله گرما بیرون میداد. به نحوی که باعث شد همه ما خیلی عرق کنیم. انوار بشدت داغ بودند گویی از خورشید سوزاننده وسط روز می‌آمدند. ما که نمی‌توانستیم گرما را تحمل کنیم تقاضا کردیم، "سوامی! خیلی گرم است." گرما فروکش کرد.

ما تازه سرو سامان گرفته بودیم که صدای سوامی از بالای تپه به ما رسید که، "ما را به شما نشان خواهم داد." ما پشت سر سوامی، انوار عسلی رنگ ماه نیمه باز را دیدیم. آنها به زودی سفید شدند. هنوز سفیدتر و سفیدتر. به این خاطر، ما از سرما شروع به لرزیدن کردیم. بدن هایمان خشک شد. دندان هایمان شروع به بهم خوردن کردند "سوامی! سرما! خیلی سرد است، سوامی!" همانطور که ما بدین نحو به او التماس میکردیم، آهسته سرما فروکش کرد. وقتی داشتیم فکر میکردیم چه معجزه دیگری اجرا خواهد کرد، اعلام کرد، "چشم سوم ما را به شما نشان خواهم داد. آنرا با دقت و با توجه نگاه کنید." "چشم سوم آن چگونه به نظر میرسد؟" ما در تعجب بودیم. بدن سوامی قابل رویت نبود. اما سرش بسیار بزرگ ظاهر شد، گویی سرش در سراسر کل آسمان کشیده شده بود. گیجی بزرگ، بهت ذهن های ما را پر کرد. به آسمان خیره شدیم. در پیشانی سوامی بین دو ابرو دهانه ای ظاهر شد. جرقه های آتشین، بخار شروع به بیرون آمدن از دهانه کرد. چشمان ما از درخشش آن جرقه ها افروختند. بیش از ترس برای خودمان، نگران بودیم که بر سوامی چه رخ میداد. جرقه ها به بیرون آمدن ادامه داد. وقتی برگشتیم دیدیم بسیاری بیهوش افتاده اند. نمی‌دانستیم چه چیز باعث شده آنها غش کنند، آن ما را بیشتر هم ترسانند. به بالا نگاه کردیم، اما نمی‌توانستیم

سوآمی را جایی ببینیم. احساس از دست رفتگی میکردیم و نمیدانستیم چه باید بکنیم، شروع به گریه کردیم. ناگهان سوآمی را یافتیم که در میان ما ایستاده است.

از ما پرسید، "چه رخ داد؟" و شانه های ما را نوازش کرد. "چرا گریه می کنید؟ چرا این بچه ها غش کرده اند؟" نمی دانستیم به این سوآلات چه جواب دهیم. فقط او را بغل کردیم و به گریه کردن ادامه دادیم.

یکی از آنهایی که بیهوش شده بود، شروع به غلت زدن کرد. آن تجربه عجیبی بود. احساس میکردیم بدن هایمان به این طرف و آن طرف حرکت میکند. احساس کردیم گویی در هوا شناور هستیم. سروری غیر قابل بیان به نظر میرسید سراسر وجودمان را فرا گرفته است. (...)

نمی توانستیم به درستی باجان بخوانیم. احساس سرگیجه کردیم. تمام آن شب را ما در آن حالت گذرانیدیم. روز بعد هم وقتی خودمان را در حالتی مشابه یافتیم، از سوآمی درباره آن پرسیدیم. او با لبخندی گفت، " شما برای زندگی های بسیار گذشته دعا کردید که نگاهی گذرا از این چشم سوم داشته باشید. در پاسخ به دعاهایتان، به شما دارشان(دید) آنرا دادم. ولی من حتی یک هزارم جزء درخشش آنرا نشان ندادم. شما آنرا هم نتوانستید تحمل کنید. حالت کنونی شما نتیجه آن منظره است." ما تحت تاثیر این آشکارسازی از پا افتادیم و گریه کردیم. پاهای نیلوفرینش را با اشک هایمان شستیم. (...)

جرتوپناهی نیست، و بجایا کوماری، صفحات ۶۱ - ۵۸

در داستان فوق، سوآمی به مریدان میگوید او حتی یک هزارم از درخشندگی اش را هم نشان نداد. حتی آنوقت مریدان نتوانستند دید را تحمل کنند و بیهوش شدند. تابندگی سوآمی فراتر از همه تصورات است، این دلائل اعلان و تعویق بعدی که در فوق اشاره شد، "دارشان ویشوروپ" را فریبنده تر هم میکند. هیچ کس واقعا نمی تواند راه های سوآمی را درک کند. اما، چیزهای معینی وجود دارند که ما از آواتار میشناسیم؛ که او هیچ کاری را بدون یک دلیل معتبر نمی کند. هرکار میکند برای نفع بشر است. سوآمی با هیچ چیز اصلا مقید نیست. به اتکای این پارامترهای "شناخته شده" میتوانیم آرزو داشته باشیم معنی برخی اعمال سوآمی را دریافت کنیم. اگر سوآمی بگوید کاری را انجام خواهد داد بعد دقیقا آنرا

انجام خواهد داد حتی اگر برای ما غیر ممکن باشد فرض کنیم چگونه و کی رخ خواهد داد. به آن دلیل است که سوآمی از ما می خواهد: "صبور باشید. به موقع، همه چیز به شما داده خواهد شد."¹ به همان دلیل یک برادر سایبی که در خلال واقعه "ویشوروپ دارشان" حاضر بود، به من گفت معتقد است تمام نمایشی که سوآمی ایفا کرد به عنوان نشانه ای از یک دید مربوط به عالم هستی است که مقرر است در آینده برسد. آن باید همچنین توجه شود که بنیاد ستیا سایبی، که تحت نظارت سوآمی عمل میکند، اعلام کرده بود که "ویشوروپ دارشان" به "تعویق افتاد" و نه "لغو شد".

توفان قبل از آرامش

پیشگویی خاصی از آگاستیا نادى که در "اطلاعات نادى مقدس" ذکر شد، وجود دارد که پیش بینی میکند جلوتر از دید خدا توفانى عظیم می آید.

پیشاپیش ورود خدا، توفانى بزرگ رعد آسا خواهد آمد. آن میتواند کاملاً ترسناک به نظر برسد، اما کاملاً ناگهانی متوقف خواهد شد و دید خدا رخ خواهد داد. از این روز به بعد، عجایب بزرگ زیاد خواهد شد.

اطلاعات نادى مقدس، واستنا سایبی، صفحات ۲۲-۲۱

لوکاس رالی در کتابش "پیام سایبی برای تو و من" در پیام سوآمی به یک توفان² اشاره میکند، که بعد از آن یک جوّ تازه وجود خواهد داشت و موجب آوردن آرامش در تمام جهان می شود.

پس از توفان یک شروع تازه وجود خواهد داشت و جو کاملاً متفاوت خواهد بود. آن مثل یک عصر نو خواهد بود، عصر عشق، هماهنگی و همکاری که جانشین عصر جنگ، جنگیدن، تنفر، حسادت، طمع و تمام آن جنبه های منفی زندگی می گردد.

پیام سایبی برای تو و من، لوکاس رالی، جلد ۱ سال ۱۹۸۵

¹ سناتانا ساراتی، اکتبر ۹۶ پشت جلد

² آیا آن می توانست استعاری باشد.

وقتی بطور منطقی تجزیه و تحلیل می کنیم، ورود خدا می تواند در به موقع ترین لحظه اتفاق بیافتد که از نوعی بلا یا فاجعه که مقرر است بر بشر رخ دهد حمایت کند. به بیان دیگر، ظهور مجدد سوآمی یا دید ممکن است بدون چنین منادی هایی رخ دهد. ما قبلا در فصل "نادی های باورنکردنی" دیدیم، رباعی های نوسترا داموس در آن نقطه در جریان ساخته شدن به یک پدیده طبیعی اشاره میکند. لذا من معتقدم قبل از اینکه زمان معجزه آسا برسد میتواند دوره ای کوتاه وجود داشته باشد که بشریت مجبور شود خدا را برای حمایتش صدا بزند.

اما از پیش بینی نادی فوق الذکر می توانیم فرض کنیم که حتی اگر بلایی که ترسناک به نظر میرسد، بیاید، با مداخله ناجی متعال، خداوند سایی رحیم همیشه مهربان ما فوراً متوقف می شود.

راه رفتن در طول آسمان

سوآمی به برخی از مریدان نزدیکش اشاره کرده بود زمانی خواهد آمد که در سراسر آسمان راه می رود و آنوقت مردم شکوهش را درک خواهند کرد. او این را در یکی از سخنرانی های عمومی اش هم اظهار کرد.

من مجبور خواهم شد از این سر به آن سر آسمان حرکت کنم؛ بله، آن هم رخ خواهد داد.

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۲ فصل ۱۸

شما شکوه سوآمی را وقتی درک خواهید کرد که من از این سر به آن سر آسمان راه میروم.

تاپ و اتم شری ستیا سایی ست چاریترا، فصل ۱۱

از وقایع فوق، می تواند تصور شود که "دید آسمانی" چیزی بود که سوآمی همیشه در ذهن داشت. چقدر آن زیبا خواهد بود وقتی که رخ میدهد! خوشا به حال آنها که بقدر کافی سعادتمند هستند که آنرا شاهد باشند.

قسمت ۳

سلطنت تو میرسد

طلوع عصر طلایی ستیا سایی

شما نمیدانید، چیزهای زیادی قرار است رخ دهند. هر چیزی که دیده میشود، شنیده میشود یا احساس میشود به مقدس تبدیل خواهد شد. همه اینها به زودی رخ خواهند داد. این فرصت مقدس را از دست ندهید و آنرا تلف نکنید. یکبار که از دست هرگز دوباره آنرا نخواهید گرفت. یکبار که بدست آورده میشود هرگز آنرا از دست نخواهید داد.

سخنرانی الاهی، پراشانتی نیلایام، ۱۴ اکتبر ۱۹۹۹

سوامی اغلب اظهار داشته که به منظور ثبت یک فصل طلایی در تاریخ بشریت آمده است، در نتیجه "عصر طلایی"، عصر جدید عشق، آرامش، درستکاری و حقیقت طلوع میکند. بشریت در آستانه آن عصر امن و مساعد است که در آن پذیرش جهانی ستیا سایی آواتار با نام و فرمش در سراسر جهان وجود خواهد داشت.

نقل قول های سوامی درباره این زمان شگفت آور آینده، در سراسر سخنرانی های بیشمارش پراکنده هستند. برخی از وقایع ممکن است تا حدی قبلا رخ داده باشند. همچنین ممکن است در اذهانتان تردیدی ایجاد شود که برخی از این نقل قول ها میتواند به زمان پرما سایی آواتار مربوط باشند. اما ما از راه کلی صحبت کردن سوامی میدانیم که اگر میگوید "این فرم" یا "این بدن" منظور او به وضوح آواتاری کنونی اش به عنوان ستیا سایی بابا است. به علاوه، او مستقیما تعیین کرده است و گاهی غیر مستقیم که وقتی پرما سایی وارد می شود جهان از قبل آرام خواهد بود. لطفا گفتگوی زیرین که جان هیسلاپ در خلال یکی از مصاحبه ها با سوامی داشت را ملاحظه فرمائید:

ج ه : مردم زیادی میگویند که ما به زودی وارد دوره ای از فاجعه بزرگ خواهیم شد.

سایبی : ممکن است اوج امواجی وجود داشته باشد، آنطور که اظهار کرده ام، اما جهان شاد، آرام و مساعد خواهد بود.

مهمان : یک جنگ جهانی؟

سایبی : نه جنگ جهانی.

ج ه : ما سعادت‌مندیم زنده باشیم تا شاید بتوانیم این جهان آرام را ببینیم.

سایبی : شما آنرا خواهید دید. حتی افراد پیر زنده خواهند بود آنرا ببینند.

مهمان : در اینصورت پریمای کار زیادی ندارد انجام دهد! سوامی جهان را آرام می کند.

سایبی : آن تقریباً چهل سال دور است. در آن موقع جهان آرام خواهد بود. آن نام : پریمای

سایبی است، همه جا همه محبت؛ محبت، محبت خواهد بود.

بابایم و من، دکتر ج. س. هیسلاپ، صفحه ۱۸۹

این از مصاحبه ای در دسامبر ۱۹۷۸ بود

سوامی در یک مصاحبه با ژورنالیست برجسته ر. ک. کارانجیا، توضیح میدهد که ماموریت

پریمای آواتار آنستکه مردم را وامیدارد درک کنند که خودشان خدا هستند.

" ماموریت آواتار کنونی آنست که هرکس را وادار کند درک کند یک خدا یا الوهیت در هرکس ساکن است. مردم صرفنظر از رنگ، فرقه باید به هم احترام بگذارند، هم را دوست بدارند و به هم کمک کنند. بدین نحو تمام کارها راهی از ستایش میشود و سرانجام پریمای آواتار سوم خبر خوب این که نه تنها خدا در هرکس ساکن است، بلکه هرکس خداست را ترویج می کند. آن آخرین خردمندی خواهد بود که هر زن و مردی را قادر خواهد ساخت به خدا برود.

مصاحبه بلیتس، سپتامبر ۱۹۷۶

برای پریمای آواتار تا این آگاهی را به نوع بشر برساند، چنان درک پیشرفته ای وجود دارد

که سوامی آنرا خردمندی نهایی "میخواند"، آیا آن مناسب نخواهد بود که فرض کنیم بشریت

تا آن موقع به سطح معقولی از آگاهی معنوی رسیده باشد؟ چه کس دیگری میتواند موجب

آن آگاهی شود جز خود ستیا سایبی آواتار؟

عصر طلایی برخواهد گشت

خواست خدا نمی تواند متوقف شود. وقایعی که خدا مقرر میدارد باید رخ دهند. عصر طلایی شادمان برخواهد گشت.

یک نظر شرقی درباره حضرت مسیح، صفحه ۱۲

بسیاری امتناع میکنند باور کنند که چیزها بهبود خواهند یافت، که زندگی برای همه شاد و پر از سرور خواهد شد، و که عصر طلایی باز پیدا خواهد شد. بگذارید به شما اطمینان دهم که این دارماستوروپ، این بدن الاهی بیهوده نیامده است. آن در دفع کردن بحرانی که به بشریت رسیده است موفق خواهد شد.

سایب بابا، مردمقدس و روان پزشک، صفحه ۹۱

آن زودتر از آن چه که شخص انتظار دارد اینجا خواهد بود

فرزند نام ترس نداشته باشید، همه خوب خواهد بود. عشق و نور جایگزین تاریکی خواهد شد و خیلی زود عصری نو بر شما خواهد بود.

شری ستیا سایب بابا و آینده بشریت، صفحه ۱۱۰

زمان نزدیک میشود وقتی که همه بشریت در هماهنگی زندگی خواهند کرد. آن موقع زودتر از آنکه شخص انتظار داشته باشد اینجا خواهد بود. قبل از اینکه آن برسد، برای هر چه که احتیاج میشود هدف واقعی هستی برهر موجود زنده آشکار میشود. آن چیزی نیست که هر آدم زنده بتواند تصور کند. آن فراتر از همه درک هاست. میتوانم بگویم که زیبایی اش فراتر از هر رویایی با شکوه است. همانطور که هر یک از شما کار خاموش خود را انجام میدهد، شما را به قلبم بغل میگیرم و از این پس روح هایتان بلند خواهد شد و چشمانتان حضور مرا در درون آشکار خواهد ساخت.

شری ستیا سایب بال ویکاس، جلد ۱۵ شماره ۹ سال ۹۶

(...) روزی که برادری انسان و پدری خدا روشن و زیبا خواهد درخشید طلوع میکند و نزدیک میشود.

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۱۳، فصل ۱۸

(...) تمام جهان امروزه در ببحوجه نگرانی و ترس است. اما، من به شما اطمینان میدهد که خیلی زود ابرهای تیره پخش خواهند شد و شما شاهد عصری شاد در سرتاسر جهان خواهید بود.

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۱۱، فصل ۲۸

وقتی جهان در لبه هرج و مرج است، آواتار می آید تا توفانی که در دل انسان ها طغیان میکند را آرام کند. پراشانتی (آرامش برتر، آرام کردن آشفتگیها) به زودی تثبیت خواهد شد؛ انحرافات شیطانی از راه مستقیم خدا تصحیح خواهد شد. دارما در هر جامعه انسانی زنده خواهد شد، و باز حیات بخشیده خواهد شد.

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۱۱، فصل ۳۱

طبیعت عصر طلایی

وقتی عصر طلایی طلوع میکند در سرتاسر جهان هماهنگی وجود خواهد داشت و محبت همه جا جاری خواهد شد. تمام افکار منفی ناپدید خواهد شد. امروز نمی توانید چنین حالتی را پیش چشم مجسم کنید زیرا همه جا هرج و مرج، جنگ، توطئه، تنفر، دشمنی وجود دارد؛ تمام احساسات منفی در حال صعود هستند. اما عاقبت تغییر خواهد رسید.

پیام سایی برای تو و من، لوکاس رالی، جلد ۲، صفحه ۷۰.

اگر تغییری وجود دارد، آن تغییری جهانی خواهد بود. نه محلی. آن در هر محل رخ خواهد داد.

بابام و من، ج. هیسلاپ، صفحه ۱۸۹

(...) روزی (...) که تمام بشریت چون یک خانواده متحد میشوند، سخت اصول حقیقت، درستکاری، محبت، آرامش و عدم خشونت را مراعات میکنند (...) برقراری سایه راشترا را نشان خواهد داد و در واقع خوشا به حال آنهایی که قادر خواهند بود آن بهشت را روی زمین تجربه کنند.

سایه واندا، ۲۵، سال ۹۰

آن مثل عصری نو است، عصر محبت، هماهنگی و همکاری جانشین عصر جنگ، جنگیدن، تنفر، حسادت، طمع، و تمام آن جنبه های منفی زندگی خواهد شد.

شری ستیا سایه بابا و آینده بشر، صفحه ۲۲۳

محبت و آرامش (...) وحشت ها و شرارت های عصر های تاریک که امروزه خود جَو را آلوده میکنند را پاک خواهد کرد.

شری ستیا سایه بابا و آینده بشر، صفحه ۱۰

زندگی تغییر خواهد کرد، بهبود خواهد یافت و شما در کیفیت زندگی غنا که درگذشته از شما ظفره میرفت را تجربه خواهید کرد.

شری ستیا سایه بابا و آینده بشر، صفحه ۲۲۱

امروزه ما عمل خشونت را همه جا می یابیم. اما هرچه که رخ میدهد، به طریقی برای خیر خودمان است. هرکس احساسات مقدس پرورش خواهد داد. همه از سرور الاهی لذت خواهند برد. تمام ملت به زودی از آرامش و شادی لذت خواهند برد. هیچ مشکلات و رنج هایی وجود نخواهد داشت.

سخنرانی الاهی، برینداوان، ۱۶ مارس ۲۰۰۳

آواتارها موفق خواهند شد یا شکست نخواهند خورد؛ هرچه اراده کنند باید رخ دهد؛ هرچه نقشه می کشند باید اتفاق بیافتد. من آمده ام یک فصل طلایی در تاریخ بشریت ثبت کنم، که در آن دروغگویی شکست خواهد خورد، حقیقت پیروز خواهد شد، و تقوا حکومت

خواهد کرد. آنوقت شخصیت قدرت اعطا میکند، نه دانش، یا مهارت اختراع، یا ثروت. خردمندی در هیئت ملل برتخت نشانده خواهد شد.

ستیا سایی بابا، مظهر عشق، صفحه ۱۷۴

پذیرش جهانی ستیا سایی آواتار

نام و فرم من به زودی همه جا تصدیق خواهد شد. آنها هر اینچ جهان را اشغال خواهند کرد.

خدا به زمین نزول میکند، صفحه ۳۷

شما شاهد شکوه الاهی سوآمی که در روزهای آینده باز میشود خواهید شد. او تمام جهان را جذب خواهد کرد. برای مردم جایی نخواهد بود حتی بایستند.

سخنرانی الاهی، برینداوان، ۱۶ مارس ۲۰۰۳

سایی بابا را چون یک میکمل صرف با پنج فوت و سه اینچ قد تصور نکنید. حضورش در تمام جهان احساس خواهد شد. منتظر بمانید و ببینید. در چند روز، تمام جهان به اینجا خواهد آمد.

گفتارهای ستیا سایی جلد ۲۸، فصل ۱۹

آمریکا به کنار، مقرر است پوتاپارتی نامی شود که در هرکشور پیشرفته مهم جهان مثل ژاپن، آلمان، ایتالیا، فرانسه، و غیره به حساب آورده شود. هر جا در روی نقشه ی جهان پوتاپارتی را به عنوان محلی مهم نشان می کنند.

سخنرانی الاهی، پراشانتی نیلایام، ۱۹ اکتبر ۱۹۹۹

سوآمی به سوال اینکه شروع عصر طلایی چه علامتی خواهد داد، جواب میدهد که شکوه سایی در هر قسمت جهان پخش خواهد شد. آن هزار برابر افزایش خواهد یافت.

سناتانا ساراتی، دسامبر ۹۳

در ظرف چند روز شما خواهید دانست شکوه خدا روز به روز افزوده خواهد شد، به شما شادی و سرور محض عطا خواهد شد. تمام آشوب ها به زودی از روی زمین از ریشه برکنده خواهد شد..

سخنرانی الاهی، برینداوان، ۱۶ مارس ۲۰۰۳

(...) روزی که میلیون ها نفر جمع خواهند شد تا از آواتار مستفید شوند به سرعت نزدیک میشود. به شما نصیحت میکنم تمام رحمت الاهی و تمام سرور محضی که می توانید، در حالیکه می توانید را ذخیره کنید و نفیس بدارید (...).

گفتارهای ستیا سایی جلد ۱۱ فصل ۴۱

اهمیت سازمان سایی

سازمان های سایی ممکن است در حال حاضر از نظر اندازه محدود باشند، ولی چون زمان ادامه می یابد، مردم زیادی را جلب خواهند کرد که محل های عمومی قادر نخواهد بود اجتماعات سایی را جا دهند. تمام محل های موجود به مردم درون سازمان تخصیص داده خواهد شد. لذا، به اعضای سازمان سایی فرصتی داده میشود.

بابلم و من، ج. هیسلاپ، صفحه ۹. ۲.

حتی فراتر از آن:

تمام جهان به سازمان ستیا سایی تبدیل خواهد شد و ستیا سایی در دل های همه جا داده خواهد شد.

سناتانا ساراتی، ژانویه ۱۹۹۹، صفحه ۶

شکوه بهارات (هند)

باز هم شما چقدر خوشبخت هستید که می توانید شاهد باشید تمام کشورهای جهان به هند احترام می گزارند؛ می توانید تحسین نام ستیا سایی را همه جا در سراسر جهان بشنوید، حتی وقتی که این بدن هست - نه در یک زمان آینده بلکه وقتی با شماست، جلوی شماست.

و بازهم، شما خیلی زود شاهد ایجاد مذهب کهن و ابدی (سناتانا دارما) به وضع اصلی و طبیعی اش، درستکاری (دارما) که در وداها برای خوبی تمام مردم جهان مقرر شده خواهید بود. احیای دارمای ودایی سنکالپای سایی (تصمیمی که سایی دارد) نه تنها مردم را به سوی من می کشاند، آنها را به تجلی شکتی (قدرت) و سمارتیای (توانایی) من جلب میکند.

سخنرانی الاهی، ۱۷ مه ۱۹۶۸

هند از هر نظر - معنوی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رهبر جهان خواهد شد. تمام شکوه گذشته هند، فرهنگ و سنت آن دوباره احیا خواهد شد و او به عنوان ملت هدایت کننده جهان خواهد درخشید. این است آنچه که یوگهای (عصرهای) قبل بود و این آن چیزی است که یکبار دیگر خواهد بود.

ستیا سایی آمریتا وارشینی، صفحه ۳۴

امروز کریشنا جن ماشتامی، روز تولد کریشناست. امروز قولی میدهم که مردم تمام کشورها یعنی پاکستان، چین، آلمان، روسیه متحد خواهند شد (...). خوبی بھارات به این وحدت منجر خواهد شد.

سناتانا ساراتی، سپتامبر ۲۰۰۲

ما فقط می توانیم تصور کنیم و کوشش کنیم زیبایی بسیار منتظر مانده عصر طلایی که به گفته سوامی "فراتر از همه رویاها با شکوه" خواهد بود را پیش چشم مجسم کنیم. سوامی حالت بد امورات اطراف ما را دلیل اینکه چرا قادر نیستیم دریابیم که چنین زمان زیبایی دوباره برخواهد گشت میدانند، اما او قول میدهد که آن خواهد آمد.

[پروفیسور کستوری]: بیائید با شادی برای نظم دنیای نو منتظر بمانیم، نظم کامل سایی، نه در آینده خیلی دور، بلکه خیلی زود، زودتر از هر چیزی که ذهن انسان میتواند دریابد، با دیدن وضع کنونی امورات در تمام حرفه ها.

سناتانا ساراتی، اوت ۱۹۹۱

اهمیت سال ۲۰۱۲

تمام جهان مملو از صحبت های سال ۲۰۱۲ و نزدیک شدن به آخر زمان است. و بخش های وسیعی از رسانه ها نیز سعی میکنند در پیش بینی ها و گمانه زنی های روز قیامت سودی از آن بسازند، در میان توده ها شعله های ترس را پخش کنند. دیوانگی راز و رمز حدود سال ۲۰۱۲ بر تقویم مایان کهن که بطور اسرار آمیزی با انقلاب زمستانی در بیست و یکم دسامبر ۲۰۱۲ به پایان میرسد تمرکز میکند. برخی از ستاره شناسان نیز "یک صف بندی وابسته به کهکشان" پیش بینی کرده اند که باور میشود که در پایان سال ۲۰۱۲ رخ میدهد وقتی که منظومه شمسی ما از خط استوای کهکشانی میگذرد. به عقیده برخی، این علائم از آخر زمان خبر میدهند.

حتی اگر من به تئوری "آخر زمان" باور نداشته باشم، احساس میکنم خود فرضیه از اهمیت برخوردار است. مردم زیادی اطراف جهان انتظار دارند در یا اطراف سال ۲۰۱۲ چیزی رخ دهد، باوجودیکه هیچ کس به درستی نمیداند چی در انبار است یا انتظار داشته باشد. هیچ کس بنظر نمیرسد درباره اینکه آیا خوب خواهد بود یا نه هم موافقت کند. اما میدانیم که هیچ چیز فوق العاده وابسته به تحولات عظیم نمی تواند نزدیک باشد زیرا خود سوآمی به ما اطمینان داده است:

هیچ بلایی برای جهان نزدیک نیست، در سراسر جهان چناور، ممکن است کمی حوادث ناگوار اینجا و آنجا گاه وجود داشته باشد.

گفتارهای ستیا سایه جلد ۲۴، فصل ۴

از طرف دیگر بسیاری معتقدند سال ۲۰۱۲ می تواند شروع تولد تازه معنوی سیاره زمین باشد نه خود آخر زمان. آنها علائمی چون پیشرو های تبدیل عظیم هشیاری جهانی درک میکنند. مورد هرچه باشد باید برای این انتظار جمعی اطراف جهان توجیهی وجود داشته باشد. جالب است توجه کرد که دکتر شری کانت سلا، یک متخصص قلب مشهور بین

المللی که اخیرا در موسسه عالی علوم پزشکی ویت فیلد، بنگلور خدمت میکند، در یک مصاحبه رادیو سایی گفت:

درسال ۷ .. ۲ که سایی در گُدایی کانال بود یکبار بیاد میآورم، این به وسیله برخی از دانشجویانش به من گفته شد، سوآمی خیلی عادی اشاره کرد، "ستیا یوگا در ۲۰۱۲ شروع خواهد شد." او آنرا به همان عادی ای گفت چنانچه میگفت در خلال فصل بارانی باران می آید و لذا می دانیم که ما در پایان یک عصر و آغاز عصر بعدی هستیم^۱.

گفته بالا مطمئنا یک نشانه درباره اهمیت سال ۲۰۱۲. ۲ تامین میکند. پرمعنی ترین، هر معجزه ای از سوآمی که درحول و حوش این زمان "نامطمئن" رخ دهد یقینا توجه جهانی را، با بیشتر مردم که از قبل در انتظار چیزی اساسی مشغول هستند، بخود جلب میکند. با درک از آن زاویه من وسوسه میشوم باور کنم که این به اصطلاح پارانوئای سال ۲۰۱۲ می تواند همچنین پایان تمام بدی ها و بی عدالتی هایی که امروز می شناسیم، و آغاز عصر طلایی زیبا آنطور که به وسیله کتب مقدس زیادی پیشگویی شده باشد.

عصر طلایی برطبق کتب مقدس

در بخش چهار برهما وای وارتا پورانا، کریشنا جنما کاندا، فصل ۱۲۹ گُ لوکا روهانام نامیده میشود، زیرا توصیف میشود (درپایان عصر دوآپارا) چگونه کریشنا به خانه اش گُ لُکا یا وایکونتا برمیگردد. در آن یک گفتگوی خاص بین خداوند کریشنا و مادر گنگ وجود دارد. آیه ۴۹ سوآلی به وسیله گنگ است، آیات ۵۰ تا ۶۰ پاسخ های کریشناست. در زیر ترجمه برخی از این آیات می آید:

آیه ۴۹ : گنگ گفت " ای حامی، لذت برنده ی متعال، پس از عزمت تو به سوی خانه ی کامل، گُ لُکا، وضع من در عصر کالی چه خواهد بود؟

آیه ۵۰ : شخصیت متعال خداوند(خداوند کریشنا) گفت: پنجاهزار سال عصر کالی روی زمین گناه خواهد بود و گناهکاران با شستشو کردن گناهشان را به تو میسپرنند

^۱ مصاحبه ای که از radiosai.org در تاریخ ۲۸ مه ۲۰۱۲ به اطلاع عموم رسید

خداوند کریشنا به مادر گنگ می گوید برای اولین پنج هزار سال در عصر کالی، گناهکاران زیادی وجود خواهند داشت، و یک عالمه رنج وجود خواهد داشت. مادرگنگ پیش رفت از خدا پرسید، پس از پنج هزار سال چه رخ خواهد داد. خداوند پاسخ میدهد:

آیه ۵۵ : ای مادر گنگ، تمام زمین با حضور وایشناواها محل زیارتی خواهد شد، با وجودیکه آن گناهکار بوده است.

آیه ۵۶ : بدن مریدان من بطور ابد (پاک) میماند و مام زمین با خاک پاهای مریدانم پاک میشود.

آیه ۵۷ : آن در مورد محل های زیارتی و تمام جهان مشابه خواهد بود. ستایشگران باهوش منترای من که باقیمانده های مرا می خورند همه چیز را پاک خواهند کرد.

پس از پنج هزار سال عصر کالی، خداوند کریشنا می گوید زمانی وجود خواهد داشت که تمام سیاره به سبب حضور مریدانش یا وایشناواها(پرستندگان خداوند ویشنو اما مفهوم متنی یعنی "مریدان" یا "طالبین معنوی") سراسر جهان، به یک محل زیارتی تبدیل خواهد شد. خداوند کریشنا پیشرفت بگوید که این دوره هزاران سال طول خواهد کشید.

به گفته سوآمی، "یازده هزار سال طول کالی یوگاست (...). کالی یوگا هنوز پنجهزار و سیصد و بیست سال دارد تا پایان یابد."¹ بیش از پنجهزار سال عصر کالی گذشته است، که به معنی آنست که ما در دوره باشکوهی که خداوند کریشنا به آن اشاره میکند هستیم. هوارد مورفت در کتابش "سایه آواتار" درباره یک قسمت در حماسه بزرگ ماهابهارات جایی که شیخ مارکاند یا در جنگل با پاندواها در خلال دوره تبعیدشان ملاقات میکند، می نویسد. شیخ مارکاند یا درباره گفتگویی که با خداوند ویشنو داشت درباره زمانی که تاریک ترین دوره عصر کالی است، وقتی که ارزش های انسانی رو بزوال می گذارند، خشونت و بی عدالتی رایج خواهد بود، دروغ برحقیقت پیروز خواهد شد، ظلم و تعدی و جنایت شایع خواهد بود میگفت. خداوند ویشنو به شیخ می گوید که او در عصر کالی تولد انسانی

¹ گفتگو با باگاوان شری ستیا سایه بابا، صفحه ۲۸-۲۷

خواهد گرفت تا مداخله کند و جهان را به دوره نو بگذارد تا "ستیا یوگا" یا عصر حقیقت را برقرار سازد.

"وقتی بدی بر روی زمین رایج است، من در خانواده ای انسانی متقی تولد میگیرم، و جسم میگیرم تا با قلع و قمع تمام بدی ها آسایش را برگردانم؛ برای حفظ درستی و پای بندی اخلاقی، فرم انسانی غیر قابل تصور می گیرم وقتی دلیل برای عمل برسد. در عصر کالی گناه، من فرم آواتاری که تیره رنگ است را خواهم گرفت. در خانواده ای در هند جنوبی متولد خواهم شد. این آواتار انرژی زیاد، بصیرت زیاد و قدرت های زیادی خواهد داشت. چیزهای مادی که برای ماموریت این آواتار احتیاج میشود به محض اینکه به آنها فکر کند در اختیار خواهد بود. او با قدرت تقوا پیروز خواهد بود. او نظم و آرامش را به جهان برخواهد گرداند. این آواتار عصری از حقیقت را شروع خواهد کرد، و با مردم معنوی احاطه خواهد شد. او بر روی زمین که به وسیله مردم معنوی پرستیده میشود گردش خواهد کرد."

"مردم زمین رفتار این آواتار را تقلید خواهند کرد، و خوشبختی و آرامش وجود خواهد داشت. انسان ها یکبار دیگر به تمرین آداب مذهبی متوسل خواهند شد. مراکز آموزشی برای پرورش علم برهمنیک و معابد، همه جا دوباره ظاهر خواهند شد. اشرام ها با انسان های حقیقت پرنخواهند شد، حاکمان زمین قلمروهایشان را پرهیزگاران اداره خواهند کرد. آواتار شهری برجسته خواهد داشت."

سایه بابا آواتار، صفحه ۷۱

این کلام خداوند ویشنو آنطورکه قدیس مارکاندیا به خاطر می آورد، به وضوح شخصیت ستیا سایه آواتار را وصف میکند. آن همچنین درباره اینکه چگونه آواتار نظم و آرامش را در جهان اعاده خواهد کرد، مراکز آموزشی معنوی و محل های ستایش هرجا پدید خواهد آمد و حاکمان متقی در تمام کشورها وجود خواهند داشت میگوید.

در برهما وای وارتا پورانا، آنطورکه جلوتر دیدیم، خداوند کریشنا اشاره میکند که جهان پر از مریدانش خواهد بود که خود حضورشان این زمین را به یک محل زیارتی تبدیل خواهد کرد. این به گسترش "اکثریت بحرانی" تشکیل دهنده هشیاری معنوی این جهان که به وسیله مردم

بیشتر و بیشتری که به سوی خدا رو می کنند هدایت میشوند اشاره میکند. آن تنها عاقلانه است پذیرفت که عصر طلایی منتجه به وسیله خود خداوند سایی موجب خواهد شد، همه جهان با عشق و رحمت الاهی اش به یک سازمان بزرگ سایی تبدیل خواهد شد.

تمام جهان به سازمان ستیا سایی تبدیل خواهد شد و ستیا سایی در دل های همه جا داده خواهد شد.

سناتانا ساراتی، ژانویه ۱۹۹۹ صفحه ۱۶

آمدن پسر انسان

سخنان زیرین مسیح به مریدانش را بررسی کنیم.

من هنوز چیزهای زیادی دارم که به شما بگویم، اما شما نمی توانید حالا آنها را تحمل کنید. باوجود این، وقتی او، روح حقیقت بیاید، شما را به تمام حقیقت هدایت خواهد کرد (...)

جان ۱۳-۱۲ : ۱۶ از نسخه کینگ جیمز

"روح حقیقت؟" چه کس دیگری غیر از شری ستیا سایی بابا است که حضرت مسیح به او اشاره میکند؟ در شب کریسمس سال ۱۹۷۲ سوآمی یک آشکار سازی تکان دهنده کرد، با اعلام اینکه او کسی بود که حضرت عیسی مسیح را به زمین فرستاد، مسیحیان جهان بسیار تحت تاثیر قرار داده شدند.

یک نکته وجود دارد که مجبورم امروز به توجه خاص شما بیاورم. در لحظه ای که مسیح داشت در اصل متعال خدا ادغام میشد، اخباری را با پیروانش گفت، که آنها به وسیله مفسران و کسانی که از روی هم گذاشتن نوشته ها بر نوشته ها و مفاهیم روی مفاهیم لذت میبرند تا همه به وضعی درهم و برهم عظیم باد کنند به طرق مختلف تفسیر شده اند.

خود گفته دستکاری و یک معمای غامض شده است. گفته مسیح ساده است: "او که مرا به میان شما فرستاد دوباره خواهد آمد!" و او به یک برن اشاره کرد. برن صرفا یک نشانه، یک سمبول است. آن نشانه صدای بع بع یا با با است، بیانیه ظهور بابا بود مسیح اعلام کرد، "نامش حقیقت خواهد بود". ستیا یعنی حقیقت. " او ردای قرمز به تن خواهد کرد، یک

ردای سرخ خونی." (اینجا بابا به ردایی که پوشیده بود اشاره کرد!) " او کوتاه خواهد بود با تاجی از مو. بره ضمنا علامت و سمبول عشق است."

عیسی مسیح اعلام کرد که او دوباره خواهد آمد. گفت، " او که مرا خلق کرد دوباره خواهد آمد." آن با- با این باباست و سایه، بابای کوتاه، با تاج موی فروری، ردای سرخ، آمده است. او نه تنها در این فرم است، بلکه ساکن دل هر یک از شماست. او اینجاست، کوتاه، با ردایی به رنگ خون.

گفتارهای ستیا سایه، جلد ۱۱ فصل ۵۴

کلام سوآمی که در بالا ذکر شد کاملا با دید سنت جان که در کتاب مکاشفه توضیح داده شد (درعهد جدید انجیل مقدس) مطابقت دارد:

و من دیدم بهشت باز شد، و یک اسب سفید دیدم؛ و کسی که روی آن نشسته بود به اسم صادق و راست نامیده میشد، و او در درستی قضاوت میکند و جنگ میکند. چشمانش مثل شعله آتش بودند، و روی سرش تاج های بسیار؛ او نامی داشت که نوشته شده بود، هیچ انسانی، جز خودش آنرا نمیدانست. و او لباسی به تن داشت فرورفته در خون: و نامش خدا نامیده میشود. ارتش هایی که در بهشت بودند او را بر اسب سفید دنبال میکردند، آنها لباسی از کتان ظریف سفید و تمیز به تن داشتند. و خارج دهانش شمشیر تیزی بود، که او با آن ملت ها را مجازات میکرد: و او با یک عصای آهنی بر آنها حکمرانی میکرد: و بر چرخش بیرحمی و خشم خداوند متعال پامیگذاشت. و او بر لباسش و بر رانش نام نوشته " شاه شاهان، خدای خدایان" داشت.

مکاشفه ۱۶ - ۱۱ : ۱۹ از نسخه کینگ جیمز

سنت جان سوارکار سمبولیک اسب سفید (سفید نمایانگر آرامش و اسب نماینده قدرت فرمان دور رس) را به اسم " صادق و راست" می نامد. این با قسمتی از نام سوآمی "ستیا" که به معنی حقیقت است مطابق است. چشمان مشتعل یکی از ویژگی های برجسته سوآمی است و موهایش شبیه تاج است. ردای فرو رفته در خون اشاره به ردای قرمز یا نارنجی ای که سوآمی می پوشد میکند، " نامش کلمه خداست" تصادفاً به کلمه "باگاو" یا

اشاره میکند. قدرت سخنرانی های سوآمی دلالت بر شمشیر تیز دارد که از دهانش بیرون می آید. قدرت اراده و توانایی اش به عنوان "عصای آهنی" ذکر میشود. آیا این با پیشگویی های هندو درباره آمدن خداوند کالکی که بر اسب سفید میراند و شمشیر بکار میبرد شبیه نیست؟ البته، اسب و شمشیر نمادهایی هستند که جلوتر ذکر شدند. باید توجه شود که سنت جان به او به عنوان "شاه شاهان و خدای خدایان" اشاره میکند. این هم با توصیف پیشگویی نادى "وقتی تاثیر عصر کالی رشد میکند حتی با شدت بیشتر، آنوقت مردم قدرت واقعی وی را خواهنددید و تصدیق خواهند کرد که او قدرت مطلق دارد. آنوقت نوع بشر به او مثل یک امپراتور بزرگ تعظیم خواهد کرد."

سنت جان همچنین گروهی از مردم را می بیند که تعدادشان به میلیون ها میرسد که اطراف سریر پسر انسان جمع شده اند.

و من نگاه کردم و صدای فرشتگان زیادی در اطراف سریر و جانوران وحشی و سالخوردهگان را شنیدم، و تعداد آنها ده هزار برابر ده هزار، و هزاران هزار بود.

مکاشفه ۱۱: ۵، از نسخه کینگ جیمز

حالا بیائید آنرا با کلام خود سوآمی مقایسه کنیم:

(...) روزی که میلیون ها نفر جمع خواهندشد تا از آواتار مستفید شوند به سرعت نزدیک میشود. به شما توصیه میکنم جمع شوید و تمام رحمت و تمام سروری که می توانید، تا زمانیکه می توانید جمع کنید و ذخیره کنید و بسیار گرامی بدارید.

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۱۱ فصل ۴۱

در عهد نو در باره آمدن "پسر خدا" که مسیحیان معتقدند ورود دوم عیسی مسیح است آیات بسیاری وجود دارد. و ما قبلا کلام سوآمی را دیدیم که میگوید حضرت مسیح به برگشت خودش اشاره نکرده بود بلکه به آمدن بابا اشاره میکرد. آیا آن می توانست به این معنا باشد ورود دوم "پسر انسان" در انجیل مقدس به دومین ظهور خود شری ستیا سایی بابا اشاره میکند؟

وقتی پسر انسان در شکوهش بیاید و تمام فرشتگان مقدس با او، آنوقت او بر سریر شکوهش خواهد نشست. در مقابل او تمام ملت ها جمع خواهند شد.

متی ۳۴ - ۲۵:۳۱، از نسخه کینگ جیمز

اعتقاد بر اینست که آمدن "پسر انسان" عصری تازه از حقیقت، محبت و آرامش را منادی میدهد شبیه به عصر طلایی ذکر شده در سخنرانی های سوآمی.

پسر انسان فرشتگانش را خواهد فرستاد و آنها از قلمروش تمام چیزهایی که تخطی میکنند و آهایی که شرارت میکنند را جمع خواهد کرد.

متی ۴۳ - ۴۰: ۱۳، از نسخه کینگ جیمز

پسر انسان و فرشتگانش تمام بدی ها را موقوف خواهند کرد تا درستی و آرامش را در قلمرو جدید تامین کنند. این دوره طلایی که بدی، دروغ، تنفر و عدم هماهنگی بطور کامل غایب است، گفته میشود حد اقل یکصد سال طول میکشد:

و من فرشته ای را دیدم که از بهشت پائین می آمد، کلید دوزخ بی ته را داشت و یک زنجیر بزرگ در دستش بود و بر اژدها، آن مار پیر، که شیطان است، دست یافت و در آن دوزخ بدون ته انداخت، و او را حبس کرد، و او را مهر و موم کرد، که او دیگر ملل را گول نخواهد زد تا هزار سال اجابت خواهد شد.

مکاشفه ۳ - ۱: ۲.

در دید سنت جان، او فرشتگان را می بیند که شیطان را برای هزار سال می بندند. این نمادین تمام بدی ها، دروغ و عدم هماهنگی هاست که از زمین بیرون انداخته میشود. آنچه که به دنبال می آید دیدد باشکوه دیگری است که در آن سنت جان یک شهر زیبای نو را می بیند که از بهشت پائین می آید که مرکز این جهان آرام میشود.

و من جان، شهر مقدس، اورشلیم نو را دیدم که از خارج از بهشت خدا پائین می آمد چون عروسی آرایش شده برای شوهرش آماده شده بود. و من از بهشت صدای عظیمی شنیدم، که می گفت، نگاه کنید، خیمه خدا با انسان هاست، و او با آنها زناگی خواهد کرد، و

آنها مردمش خواهند بود، و خود خدا با آنها خواهد بود، و خدایشان میشود. و خدا تمام اشک ها را از چشمانشان پاک میکند؛ و دیگر مرگی وجود نخواهد داشت، و نه غم، و نه گریه کردن، دیگر درد و رنجی وجود نخواهد داشت زیرا چیزهای قبلی درگذشتند.

مکاشفه ۴-۲ : ۲۱

سنت جان این شهر جدید که از بهشت جاییکه خدا از آن به عنوان " پسر انسان " پائین آمده در آن همراه با مردمش زندگی خواهد کرد را می بیند. او تمام غم ها را از صورت این زمین پاک خواهد کرد و دیگر ترسی از مرگ وجود نخواهد داشت. سنت جان این شهر را اورشلیم نو می خواند. اورشلیم نامی عبری است که کلمه به کلمه " ساکن آرامش " ترجمه میشود (به ویکی پدیا رجوع شود) آیا آن همان معنی پراشانتی نیلایام را ندارد؟ آیا دید سنت جان نگاهی گذرا به آینده پراشانتی نیلایام، خانه آرامش کامل نبود؟ شهری که سوآمی می گوید تمام جهان مجبور خواهند شد به آن بیایند؟

در روزهای پیش رو، تمام جهان مجبور خواهند شد به پراشانتی نیلایام بیایند.

سناتانا ساراتی، دسامبر ۱۹۹۱

شما پوتاپارتی را شاهد خواهید شد که یک مادورا ناگار (محل تولد کریشنا) میشود. هیچ کس نمی تواند این توسعه را متوقف کند.

سخنرانی الاهی، پراشانتی نیلایام، ۲۱ اکتبر ۱۹۶۱

باور کنید این پوتاپارتی به زودی تیروپاتی میشود (...). برقراری مجدد سناتانا دارما از اینجا ناشی خواهد شد.

ستیم، شیوم، سوندازم. بخش یک فصل ۱۶

جالب توجه است که برطبق پیشگویی های هندو، انتظار میرود خداوند کالکی به شهری به نام شَبْبالا که " محل آرامش، آسایش و شادی " ترجمه میشود (مرجع: ویکی پدیا) برسد. بیائید همه منتظر آن لحظه معین بمانیم. در تاریخ نوع بشر، وقتی که شهر بهشتی پراشانتی نیلایام،

جائی که خود خدا زندگی میکند مرکز خیزش معنوی اصلی خواهد شد، طلوع عصر طلایی ستیا سایی را اعلام می کند.

صبور باشید. به موقع همه چیز به شما داده خواهد شد. شاد باشید. احتیاجی نیست در باره چیزی نگران باشید. (...). شما همه روح های مقدس هستید و شما سهم خود را برای بازی کردن در نمایش باز نشده عصر طلایی تازه تر که دارد می آید خواهید داشت.

سناتانا ساراتی، اکتبر ۹۶، پشت جلد

چرا سوآمی بدنش را ترک کرد؟

هیچ کس نمی تواند راز مرا بفهمد. بهترین کاری که می توانید بکنید آنست که در آن غرق شوید.

ستیا سایی بابا، مظهر عشق، صفحه ۹۶

هیچکس نمیداند چرا سوآمی مجبور شد بدنش را زود تر از زمان منتظره ترک کند. آن باید جزئی از نقشه اش بوده باشد. تمام آنچه که میدانیم چیزهایی است که تاکنون دیده یا شنیده ایم. بدنش ضعیف تر و ضعیف تر میشد با تمام اندام های حیاتی اش که یکی یکی عاجز میشدند. آن به مرحله ای رسید که باید ترک میشدند. حالا میتواند سوآلی ایجاد شود که چرا خود را شفا نداد. چنین سوآلاتی فراتر از ماست و جزئی از راز بزرگ که سوآمی است هستند. تنها پاسخ آنستکه او آنرا آنطور اراده کرد و آن قصد داشت آنطور باشد. هیچ چیز برای شانس باقی نمانده است. او "استاد همه" است.

این بدن برای خاطر مریدان آمده است

(...) بیماری ای پذیرفته میشود، اراده میشود، به منظور اینکه شخصی که نمی توانست آنرا بگذراند یا حتی آنرا بدون تشویش تحمل کند، آسوده کند. این یکی از وظائف خداست، که برای آن جسم گرفته است - ریختن رحمت الاهی بر مریدان (...). من با این بدن آمده ام به منظور اینکه بدن های دیگر را از درد و رنج نجات دهم. این بدن همیشه از بیماری و درد آزاد خواهد بود؛ بیماری ها هرگز نمی توانند بر آن اثر کنند. آن حقیقت واقعی است.

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۱. فصل ۳۷

از گفته فوق سوآمی، کاملاً روشن است که به هر بیماری که مجبور بود تن در دهد، در بدن خودش سرچشمه نگرفته بود. قانون کارما به طریق خیلی اسرار آمیزی کار میکند. یک چیز

حتمی است که یکبار عمل (یا فکر) پیش می‌رود، نتیجه یا "ثمره" قریب الوقوع است. آن نیز درست است که "بدهی کارمایی" می‌تواند به وسیله یک نفر از دیگری عمدا دریافت شود. سوآمی کارمای مریدانش را بارها گرفته است چون آنها نمی‌توانستند خودشان اثراتش را تحمل کنند. با وجودیکه او می‌توانست هر کارمایی را با خواست صرفش لغو کند، سوآمی انتخاب کرد نکند. به جایش کارمای مریدان را بر خودش گرفت. سوآمی که بدن انسانی گرفته است همیشه قوانین کارمایی را احترام می‌گذارد با وجودیکه او خود با آن بی‌تاثیر بود.

هر راه حل فوری خلاف چگونگی اساسی خود طبیعت و نیز علیه قانون کارمیک علت و معلول خواهد رفت.

مصاحبه بلیتس، سپتامبر ۱۹۷۶

جلوتر هروقت او کارمای مریدی را قبول می‌کرد، بدنش رنج‌هایی گرچه برای مدت کوتاه را به پایان می‌رساند. اما این بار آیا خداوند رحیم همیشه مهربان ما تصمیم گرفت کارمای تمام بشریت را بپذیرد و آنرا با هریک از سلولهای بدنش بسوزاند؟ او تمام زندگیش را با تنها ماموریت تعالی بخشیدن نوع بشر زندگی کرد، و بدنش را برای همان منظور هم قربانی کرد.

یکبار در مصاحبه ای با ژورنالیست برجسته ر.ک. کارانجیا، سوآمی اشاره کرد که بلیه‌های آسمانی نتایج مستقیم کارماهای جمعی یا اعمال بد انسان هستند.

رنج و بدبختی اعمال اجتناب ناپذیر دارمای کیهانی هستند. خدا این بلاها را مقرر نمیدارد، اما انسان آنها را از طریق مکافات برای اعمال بد خودش دعوت میکند.

مصاحبه بلیتس، سپتامبر ۱۹۷۶

سوآمی در فرصت‌های دیگر هم به این موضوع پرداخت:

(...) انسان بدهی بیشماری از طبیعت می‌گیرد، و از وسائل تفریح و آسایش که به طرق مختلف به وسیله طبیعت تامین میشود لذت می‌برد. اما قدردانی اینکه به طبیعت نشان میدهد چیست؟ به خدا چه سپاسگزاری ای تقدیم میکند؟ خداوند که تامین کننده همه چیز است را فراموش میکند. آن دلیلی است برای او که طعمه مشکلات و بلاهای مختلفی گردد (...)

گفتارهای ستیا سایی جلد ۲۱ فصل ۱۹

(...) فاجعه های طبیعی زیادی تماما به واسطه رفتار انسان هستند. زمین لرزه، فوران آتشفشان در طبیعت، جنگ ها، سیل ها و قحطی ها و سایر بلايا نتیجه بی نظمی های شدید در طبیعت هستند (...). این بی نظمی ها به رفتار انسان قابل تعقیب هستند و انسان رابطه درست بین انسانیت و جهان طبیعت را نشناخته است (...)

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۲۵، فصل ۳۷

در تئوری های کارمیک به این به عنوان "کارمای توده" اشاره میشود. باگاوان گفته است که دفع کردن این میزان بزرگ بلیه های طبیعی و انسان ساخته منجمله قتل عام های هسته ای جزئی از مامورتش هستند. اگر بلايا نتایج مستقیم کارمای جمعی باشند، آیا دفع آن بلاها پاک کردن چنین کارماهایی را هم لازم دارد؟ آیا سوآمی یک توده بزرگ وخیم کارما را جذب نکرد تا برخی از فاجعه های اساسی را جلوگیری کند؟ وقتی ما با دقت وقایع مختلف جهان در خلال مدتی که سوآمی در بیمارستان بستری بود داشت باز میشد را بررسی کنیم، مشکل نیست که رابطه ای یافت. چند روز پس از فاجعه هسته ای ژاپن، او با مشکل تنفسی به بیمارستان برده شد (سینه پهلوی). فاجعه سه گانه واقعه ای فوق العاده مایه تاسف بود که هزاران جان را گرفت. و افراد زیادی را بی خانمان و بیمار کرد. بزرگترین زمین لرزه در تاریخ ژاپن همراه با سوآمی بیرحم ماشه را کشید، قسمت هایی از نیروگاه هسته ای فوکوشیما را ویران کرد و کشور خود را برای فاجعه هسته ای ممکن آماده تلاش میکرد. راکتور فوکوشیما برای بدترین مورد زلزله با درجه ای با شدت $8/2$ ریشتر طراحی شده بود اما زمین لرزه واقعی متجاوز از آن بود (به مقیاس ۹ ریشتر). برخی متخصصین می گویند که معجزه بود که سیاره حادثه را تحمل کرد که ذوب کامل راکتور را اجتناب کرد. خلاصه اگر ذوب کامل رخ داده بود، فاجعه می توانست ابعاد غیر قابل تصویری گرفته باشد؛ چیزی از درجه ای که هنوز قرار است به وسیله بشریت شاهد شود. آن درباره چیزی که ما از آن اطلاع داریم بود اما ما چگونه مقرر است در باره فاجعه هایی که قرار بود رخ دهند و معدالک هرگز رخ ندادند،

بدانیم؟ او تنها میدانند! در این جا من از پیشگویی سوکا نادى " که تنها او میتواند خشم طبیعت را کنترل کند. " یادآور شدم.

سوآمی آنرا خیلی روشن ساخته است که هرچه به بدنش رخ میدهد تنها برای خیر بشریت است. همانطور که ناراسیمها مورتی خاطر نشان کرد کستوری یکبار مرا واداشت که این بدن را در جریان نجات یک مرید نادیده نگیرم. من پاسخ دادم که این بدن بخاطر مریدان آمده است و برای انجام هرکار و همه چیز برای خیر آنها مورد استفاده قرار داده خواهد شد. دلبستگی بدنى انسانی است و گسستگی کامل الاهی است. دلبستگی به بدن مسئول همه رنج ها و بدبختی هاست. چون خدا هیچ دلبستگی بدنى ندارد، لذا او هیچ اهمیتی به رنج بدنش نمیدهد. همینکه او بدنى میگیرد، چیزهای بسیاری برای بدن مقید هستند رخ دهند. هرچه رخ دهد برای خیر تمام جهان است.

سخنرانی الاهی، پراشانتی نیلایام، ۱۴ ژانویه ۱۹۹۹

به چه دلیل دیگری احتیاج داریم؟ تمام آنچه را که احتیاج داریم بفهمیم آنست که بدنش " برای خیر تمام جهان" قربانی شد. آنطور که در نقل قول از سخنرانی اش ذکر شد، او هیچ اهمیتی به رنج بدنش نمیداد. سوآمی می توانست به هر وسعتی برود به منظور اینکه مریدی را نجات دهد آنطور که او بعدها در خود همان سخنرانی آشکار ساخت:

(به عقیده متواضع من، این را باید به عنوان یکی از سخنرانی های تاریخی سوآمی ملاحظه کنیم که هر مرید سایی باید آنرا بخواند.)

در حالیکه از بنگلور (در ماه دسامبر) بر میگشتیم، من به رئیس دانشگاه دستور دادم پسر ها را برای مسابقات ورزشی نیابرد. آنها نسبت به این حرف من دلائل مختلفی آوردند (...). دانشجویان دل نازکنند، سرشار از احساسات شریف و عشق برای سوآمی هستند. آنها برنامه های مختلفی طرح کردند با نظر به اینکه شما را خوشنود کنند. من خیلی خوب از خطر قریب الوقوع آگاه بودم. اما دانشجویان پذیرنده کلام من نبودند. احساس کردم فایده ای ندارد در چنین وضعی آنها را نصیحت کنم. تنها وقتی که با نتایج عدم اطاعت دستور من مواجه شوند است که ارزش گفته ی مرا درک میکنند. تا این لحظه هیچکس از اینکه در روز یازدهم

دقیقا چه رخ داد آگاه نیست. آنها گفتند که مسابقات ورزشی یک موفقیت عالی بود. من هم خوشحالم که شما موفق هستید. دانشجویان فوق العاده خوب اجرا کردند. هر کس در حد استعداد و توانایی اش به موفقیت کمک کرد. آن روز صبح همینکه وارد استادیوم شدم، دو کامیون را تشخیص دادم. بلافاصله توانستم خطری که در گوشه کمین کرده بود را پیش چشم مجسم کنم. کامیون ها با داریست بزرگی که روی آنها قرار داده شده بود را دیدم. پسرها خیال داشتند چند عمل آکروباتی بر روی آنها انجام دهند. میدانستم که یکی از میله ها بطور کامل جور نیست. اگر قرار بود آن رخ دهد پسر صدمه زیادی به سرش و شکستگی ستون فقرات خواهد داشت.... اراده کردم که پسر باید نجات داده شود و تصمیم گرفتم به خودم بگیرم (...). یک روز جلوتر از آن به چهار پسر دستور داده بودم ارابه را احاطه کنند و پاس بدهند. آنها هم برای سوآمی پراز عشق و ایمان هستند. اما متوجه شدم که هیچ یک در محل حاضر نیست. و مقرر نیست کسی ملامت شود. هیچکس این را عمدا نمی کند. سوآمی خود جان دانشجویان است.

من خواستم ارابه متوقف شود. یک مرید ارشد با تمام صمیمیت، عشق و ارادت داشت ارابه را میراند. او بنا به دستور من ماشین را نگه داشت. درست همانموقع که در شرف صحبت کردن با رئیس دانشگاه بودم، راننده تصادفا به جای اینکه ترمز را بکار بگیرد پایش را بر کلاچ گذاشت. آن باعث تکان شدید شد من روی ارابه افتادم. در نتیجه صدماتی به سرم، و دستم وارد آمد و ستون فقراتم بطور بد آسیب دید. آنچه که پسر می بایست با آن مواجه شود، من برخورد گرفتم. مردان و زنان زیادی در گالری نشسته بودند، اما مراقبت کردم هیچکس متوجه صدمات من نشود. وانمود کردم گویی هیچ چیز رخ نداده است.

رئیس دانشگاه نگران بود فکر میکرد که سوآمی قادر نیست بلند شود. میدانستم که هر تاخیر بیشتر در اذهان مریدان موجب نگرانی خواهد شد. لذا بلافاصله از جابم بلند شدم و درد را فراموش کردم و با حرکت دادن دستاتم مریدان را برکت دادم. درد شدید بود و برش دستم بقدری عمیق بود که گویی با چاقو سوراخ شده بود. اما آستین ردا که دستم را می پوشاند بی عیب بود. این حادثه به شما نگاهی گذرا از قدرت خدا میدهد.

خودم را در وضعی ناراحت یافتم. مجبور بودم از جایگاه بالا روم بدون اینکه کسی متوجه صدماتم شود. لذا اراده کردم هیچکس متوجه صدمات من نشود، مبادا نگران شوند. از جایگاه بالا رفتم و نشستم. اما در این ضمن دوتی زیر رانم از خون خیس شد. نگران بودم که مبادا مریدان متوجه این شوند. با احتیاط به دستشویی رفتم. حوله های موجود برای پاک کردن خونی که فوران میزد کافی نبودند، نمی خواستم حوله های پر از لکه خون را در دستشویی رها کنم مبادا کسی متوجه آن ها شود. گرچه درد سختی وجود داشت، حوله ها را خودم با صابون شستم، آنها را چلاندم و برای خشک شدن بالا گذاشتم. تحت هیچ شرایطی رنج، درد و خستگی ام را آشکار نمی کردم. برخی پسرها کنجکاو بودند که چرا من مکرر به دستشویی می رفتم. پاسخ دادم چرا شما علاقمند هستید؟ آن کار من است. " معمولاً من فقط روزی دوبار به دستشویی میروم صبح و شب. از آنجا که به شدت خون می آمد، مجبور شدم در آن مدت کوتاه ۶-۵ بار به دستشویی بروم. در این ضمن دو تا از دانشجویان آمدند استدعا کردند که پرچم برافراشته شود. وقتی از صندلی پائین رفتم احساسم طوری بود که گویی در معرض شوک برقی قرار داده شده بودم.

با بخاطر آوردن حادثه دلم می خواهد به خودم بخندم. نمی توانستم محکم روی زمین بایستم. فکر کردم نباید با وابستگی به بدن گول زده شوم و در حال لبخند زدن پیش رفتم تا پرچم را برافراشته کنم. بعد چراغ را روشن کردم. خودم را در وضعیت دستپاچه شده یافتم. به هیچ وضعی نمی توانستم بنشینم. وقتی همه مریدان را ترغیب میکنم دلبستگی بدنی را رها کنید، در اینمورد باید خودم سرمشق بگذارم. به خودم به این روش می گفتم و برهمان اساس رفتار کردم. بچه های مدرسه ابتدایی خیلی خوب اجرا کردند و آرزو کردند با من عکس بگیرند. با رضایت دادن به درخواست هایشان به سمت آنها رفتم و عکس گرفتم، چون نمی خواستم آنها را ناامید کنم. در نتیجه مجبور شدم پنج بار دیگر تا زمین بازی راه بروم و با بقیه دانش آموزان عکس بگیرم. به این طریق خودم را از بدن جدا کردم. بدنم کرخ بود. هیچ احساسی وجود نداشت. سرم گیج می خورد. تصمیم داشتم آنها را خوشحال سازم هرچه میخواست به بدنم رخ دهد. تصمیم گرفتم این را برای خود حفظ کنم. نگران بودم وقتی از زمین بازی به جایگاه بر میگشتم لکه های خون قابل رویت شود از پله هائی بالا رفتم که مستقیماً به

صندلی ام میرفت. آیا برای یک انسان ممکن است چنین صدمه مهمی را از دید عموم برای مدت طولانی که در میان چنان جمعیت زیادی بودم پنهان کند؟ نه. من برای پنج ساعت طولانی روی صندلی نشستم. حتی یک قدم جلو گذاشتن غیر ممکن بود. آن مثل شوک برق بود که بدنم را سوراخ میکرد. آن جریان الکتریکی است که شوک میدهد، اما وقتی من خودم جریان برق هستم، کجا در معرض شوک بودن مطرح است؟

با آن احساس من در سراسر جریان نشستم و به مندریر برگشتم. اعضای بنیاد مرکزی مرا دنبال کردند. اما آنها اطلاع نداشتند که بر من چه رخ داد. مرید ارشد برای آنچه که رخ داده بود معذرت خواست. آنوقت به او گفتم، "چرا درباره گذشته نگران هستی؟ گذشته گذشته است. من خوشحالم. برای من نگران مباش." همه آنها ناهار خوردند. پس از غذا من دوباره شروع به خونریزی کردم. همه دانش آموزان در خارج از مندریر برای عکس گرفتن منتظر بودند. دوباره به دستشویی رفتم تا خون را پاک کنم. ایندولعل شاه فریاد زد "این چیه سوآمی؟" با محبت به او گفتم، "ایندولعل شاه، هرچه باید بریدن رخ میداد رخ داده است." با گفتن این زخم ها را به او نشان دادم. همه آنها از غصه گریه کردند. آنها متوجه خون در سراسر بدنم شدند. به آنها گفتم اگر مثل این غم خود را نشان دهید دیگر هیچ چیز برایتان آشکار نخواهم کرد. تا به مندریر رسیدم درباره آن هیچکس نمیدانست. بطور مشابه، من رنج های ناگفته ای از دانش آموزان و مریدان را در زمان های مختلف بر خودم گرفته ام به منظور اینکه آنها را حمایت کنم. هیچ کس برای این حادثه ناگوار مسئول نیست. هرچه قرار بود رخ دهد، رخ داد. فقط همین.

من این حادثه را تعریف کردم تنها برای اینکه این حقیقت را تاکید کنم که من تا هر حدی میروم تا مریدانم که از دستورات من اطاعت میکنند را حمایت کنم. وقتی به مندریر برگشتم، آن چهار پسر را صدا زدم. آنها متوجه صدمات من شدند و دل شکسته شدند. آنها را برای اطاعت نکردن دستورم سرزنش کردم. از آنها پرسیدم چرا در آن موقع آنطور که من فرمان داده بودم آنجا حاضر نبودید؟ اگر تنها شما دستور مرا اطاعت کرده بودید، این حادثه رخ نمیداد." به آنها گفتم که برای آن متأسف نباشید.

چون سوآمی سخنرانی اش را تمام کرد، مریدان گریه کردند، دانش آموزان گریه کردند. سوآمی نه تنها صدمه شدید را بر خود گرفت، بلکه رنجبرانه از مریدان پنهان کرد به منظور اینکه مطمئن شود جریان مسابقات قطع نشود. او در سراسر تمام برنامه نشست حتی با آن درد سخت، فقط برای اینکه مریدانش را راضی کند. کلمات چگونه می توانند محبت سوآمی برای ما را وصف کنند؟ حتی اگر دانشجویان پذیرنده کلامش نباشند، او هنوز آنها را حفاظت میکند. سوآمی با عشق بیکران یک هزار مادر خود، هرگز وقتی به خیر مریدانش میرسد سازش نمی کند. خوشا به حال ما که در عشق او هستیم!

برای درک کردن "بزرگواری" عمل نهای سوآمی با بدنش، بیائید بر داستان مشهوری که سوآمی چگونه شاگردی که آسم داشت را با منتقل کردن بیماری به خودش شفا داد تفکر کنیم. یکی از دانشجویان ورینداوان مبتلا به یک مورد سخت آسم شده بود. در خلال یکی از دارشان های عصر، سوآمی مستقیما به طرف پسر رفت و دستش را نگه داشت. در یک لحظه شاگرد دریافت که سوآمی سخت نفس میکشد و درک کرد که سوآمی داشت بیماری اش را تحویل میگرفت. پسر فریاد زد، "بابا من می خواهم مرا شفا دهید نه اینکه بیماری مرا بر خود بگیرید. لطفا به خاطر من رنج نبرید." ضمن گفتن این، سعی کرد خودش را از چنگ سوآمی خلاص کند. اما سوآمی برای دو دقیقه دست او را نگه داشت و بعد شروع به نفس کشیدن طبیعی کرد. آنوقت به پسر عمیقا نگاه کرد و گفت:

آیا فکر میکنی من احتیاج به نامه های تو دارم تا بدانم چه دارد به تو رخ میدهد؟ دربار آسم تو میدانستم. اثر کارمیک تو به من منتقل شد. بیست سال رنج برای تو فقط دو دقیقه رنج برای من می برد.

اگر بیست سال رنج یک نفر فقط دو دقیقه رنج برای او بود، چگونه می توانیم حتی تلاش کنیم مقدار کارمایی که خداوند مهربان بر خود گرفت برای آن ۲۸ روزی که او در بیمارستان بود را بفهمیم؟ و این روزها، هفته ها و ماههای بسیار قبل از آن که گفته بود او در سکوت تحمل میکند را به حساب نمی آورد!

قدرت دعاها

بخاطر بسپريد که در اين جهان چيزی به قدرتمندی نام خدا وجود ندارد تا آنرا حمايت کند. آن بزرگترين وظيفه انسان است. برای رحمت خدا دعا کنید. دعا از اهميت برتر برخوردار است.

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۲۴ فصل ۴

از طريق دعای واقعی، کوهها بدی می تواند فوری نابود شود.

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۱۳ فصل ۲۶

وقتی سوآمی در بیمارستان بود تمام مريدان به شدت به او دعا میکردند که خود را شفا دهد. جلسات دعای مداوم وجود داشت و ذکر منترا در تمام نقاط جهان برگزار میشد. هر مريدسایي فقط یک چيز در ذهن داشت، یعنی سلامت سوآمی. اگر فقط مورد خودم را بگیرم، هرگز من با آنمه توجه صددرصد و اشتیاق به اندازه ای که در آن بیست و هشت روز دعا کردم دعا نکرده بودم. استنباط میکنم آن باید برای هر مريد سایی مورد بوده باشد. فقط به واسطه تلاش متمرکز مريدان سایی در خلال آن چند روز، ارتعاشات مثبت در جهان باید تا حد زیادی بالا رفته باشد.

دریکی از پیام هایی که سیما دیوان (لطفاً به فصل "سرنخ هایی برای برگشت قریب الوقوعش" مراجعه فرمائید) به اسم " فقط به خاطر شما" که در روز چهارم آوریل ۲۰۱۱ دریافت کرد، سوآمی یک پیام آشکارکننده میدهد (فقط برگزیده تامین شده).

(...) وقتی نام خدا ذکر میشود انرژی منفی ای که امروزه بطور مداوم بر جهان می پلکد را آزاد میکند. من همیشه در سرور هستم حتی وقتی بدن من آشوب را تحمل میکند. درد احساس نمی کنم... فقط شما را بیاد می آورم... سلامت شما... و من در سرور محض باقی میمانم. شما مرا اغلب در اوقات مشکل بیاد می آورید. اما من چگونه میتوانم به شما مشکل بدهم؟ من مادر شما هستم. همیشه مواظب خیر شما هستم. دیدن یک قطره اشک شما مرا وامیدارد بشتابم تا کنار شما باشم. من همیشه کنار شما هستم. شما قادر نیستید مرا ببینید زیرا

چشماتان پی این جهان میگردد. شما کسی نیستید جز من. برای دفع کردن انرژی بد باید نام خدا را بخاطر داشته باشید. به آن دلیل است که این بیماری را بر خود گرفته ام. شما مرا بیاد می آورید... دعا کنید و با آن دعا در طرز فکر پاک محض باقی بمانید. فقط با آن انرژی مثبتی که از شما ساطع میشود، تمام مصائب و بلاهایی که شما و عزیزانتان در شرف مواجه شدن هستید، شسته میشوند.

برای من بیماری بدن هیچ چیز نیست. شما رنج را تحمل میکنید وقتی مرا مثل این می بینید واز آن قدرت میگیرید برای اینکه دعا کنید، دوست بدارید، متحد شوید، و کارهای درست انجام دهید. آن تمام چیزی است که من برای خاطر شما می خواهم. آرامش شما در خوبی تنها است.

(...) حتی همشیره ها که می جنگند، وقتی بدن مادر بیمار میشود، باهم جمع میشوند. من می خواهم بینم شما با عشق برای همدیگر با وحدت کامل متحد میشوید و ایمان داشته باشید که شما زیر چتر حمایتی من هستید."

سوآمی به وضوح آرزویش که مریدان سخت دعا کنند تا جهان را از انرژی منفی پاک کنند را ذکر میکند. آیا واقعاً تمام این تلاوت ها و ذکر کردن ها تغییر مسیر داده میشوند تا مطمئن شود خیر این جهان تامین میگردد؟ گرفتن بیماری احتمالاً راه سوآمی بود تا مریدانش را در دعاهایشان متحد کند. وقتی مادر سایی بیمار میشود تمام فرزندانش متحد با هم جمع میشوند تا برای او دعا کنند. حتی پس از اینکه سوآمی رفت بند بین خانواده سایی، ده برابر زیاد شده است. فعالیت های سایی افزایش یافته است. هر کس احساس میکند سوآمی به آنها نزدیک تر از قبل است. مردم می توانند فراتر از هشیاری بدنی بروند، او را چون "هریدایا واسی" ساکن قلب هایشان تشخیص دهند.

اخباری که همه جا سفر کرد

مارک توآین یکبار گفت: "یک دروغ میتواند نیمی از جهان را بپیماید مادامی که حقیقت کفش خود را می پوشد."

در مورد اخبار ناخوشایند هم همینطور است. خیلی سریع همه جا پخش میشود. بسیاری از مردم سراسر جهان از طریق خبر اینکه بدنش را ترک میکنند از سوآمی آگاهی یافتند. جالب است که توجه شود، که درگذشت سوآمی برای چند روز یک از داستانهای مهم بین المللی بود. در اخبار گوگل یکی از بزرگترین هفت داستان سال ۲۰۱۱ بود. به قول مجله تائم برخی مردم که درباره سوآمی اطلاعات منفی داشتند، وقتی طریقی که دولت هند او را با مشایعت کشوری احترام گزارد را دیدند حتی نظرشان را تغییر دادند.

ازطرف دیگر، یک عالمه تبلیغ منفی هم وجود داشته است. مریدانی که در خارج از هند زندگی میکنند احتمالا با مردمی مواجه شده اند که درباره گورویی که اخیرا در هند درگذشته بود میپرسیدند(بیشتر مردم هند او را میشناختند) مهمتر، آنها ممکن است کنجکاو باشند بدانند چگونه پیش بینی اش که تا نود و شش سالگی زندگی خواهد کرد شکست خورده است. به وسیله گروه های مختلف علیه برادری مریدان سایبی حتی از زمانی که سوآمی در بیمارستان بستری شد حملات نیشداری شده است. درحالیکه مریدان سایبی به او به شدت دعا میکردند خود را شفا دهد، آن مردم به پرسیدن اینکه چگونه کسی که بیمار میشود و در بیمارستان بستری میشود میتواند خدا فرض شود ادامه میدادند. پس از اینکه سوآمی بدن خود را ترک کرد، درحالی که مریدان برای برگشت او امیدوارانه منتظر بودند، حتی برخی از بخش های رسانه های جهانی پائین آمدند تا ایمان ما را مسخره کنند. معذالک، مهم تر از همه، نامش در سراسر جهان، همه جا، به هر دلیلی که میتوانست باشد پخش شده است. حالا تصور کنید وقتی سوآمی برمیگردد، بیشتر مردم از قبل در باره او شنیده اند و فرضا پیش گویی شکست بخورد!

به نظر من تمام تبلیغات منفی واقعا به هدفی خدمت کرده اند و احتمالا مُهر طرح الاهی دارند. وقتی مردم مختلف با انگیزه های خودخواهانه خودشان سعی میکنند نامش را خدشه دار کنند و بطور انعطاف ناپذیر ایمان مریدانش را بی بها کنند، من در ذهن مشتاق خودم می توانم نمایش الاهی را که باز میشود، پاسخ رعد آسایی که در پهنه های ظریف این عالم هستی شکل میگیرد را پیش چشم مجسم کنم.

(...) حتی آنهایی که حالا قادر نیستند حقیقت سوآمی را درک کنند مجبور خواهند شد با اشک ندامت نزدیک شوند و مرا تجربه کنند. خیلی زود، این جهانی خواهد شد.

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۱، فصل ۵۵

یک نمایش چگونه میتواند لذت بخش باشد بدون داشتن نکته های پیش پا افتاده؟ نویسنده ای نمایشی می نویسد مطمئن میشود چند مانع برای شخصیت اصلی اضافه کند تا در آخر حضار شاید در نوزایی یا پیروزی شخصیت خوشحالی کنند. در این نمایش الهی که به وسیله خود سوآمی نوشته و کارگردانی شده، چرا او نباید پیچ و تاب های خودش را ضمیمه کند تا مریدانش که همه چیز را به پاهای نیلوفرین الهی اش تسلیم کرده اند شاید در وجد پیروزی تهای اش خوشحالی کنند؟

این پدیده الهی حقیقت را پشتیبانی خواهد کرد، دروغ را ریشه کن خواهد کرد، و در آن پیروزی موجب میشود همه شما در وجد خوشحالی کنید. این خواست (سنکالپا) سایی است.

سخنرانی الهی، ۱۷ مه ۱۹۶۸

چیزهای بسیاری در یک ضریب

من یقیناً هدف این آواتار را بدست خواهم آورد، تردید نداشته باشید. من وقت خودم را میگیرم تا نقشه ام را اجرا کنم. تا جایی که به شما مربوط میشود، من نمی توانم عجله کنم برای اینکه شما عجله دارید. ممکن است زمانی صبر کنم تا بتوانم ده چیز را در یک ضریب بدست آورم، درست مثل یک موتور که با کشیدن یک واگن آشنا نیست، منتظر میماند تا واگن های کافی متناسب با توانایی اش آماده شود. کلام من هرگز شکست نمی خورد؛ باید آنطور که اراده میکنم رخ دهد.

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۱ فصل ۳۱

ما تاکنون درباره دلائل زیادی استنتاج شده از کلام خود سوآمی از اینکه چرا توانست بدنش را ترک کند بحث کرده ایم. عصر طلایی که هنوز برسد وجود دارد. بلایا باید دفع شوند. برای آن باید کارهای جمعی انجام شود و انرژی منفی بیرون رانده شود. آن چگونه

ممکن بود؟ از طریق گرفتن کارما در بدنش و باعث شدن اینکه مریدان دعا کنند. آن آنجا متوقف نمیشود. چگونه فداکاری و سادانای مریدانش زیادتیر شود؟ چگونه آنها را متحدتر کند؟ چگونه آنها را وادارد درک کنند که سایی فقط یک بدن نیست؛ او در همه چیز و همه کس است. نه تنها آن، مردم زیادی از طریق خبر ترک کردن بدنش از او مطلع شده اند. او روز ایستر، روز عید رستاخیز مسیح ترک کرد (لطفا فصل "شکوه رستاخیز" را ببینید). سوآمی گفت او گاهی اوقات منتظر میماند تا بتواند ده چیز را در یک ضریب بدست آورد. اما بین بستری شدنش در بیمارستان و مآلا ترک بدن، او احتمالا بیست تا بدست آورد!

احتیاجی نیست درباره چیزی نگران شوید. هرچه تجربه میشود، هرچه رخ میدهد، بدانید که این آواتار آنرا آنطور اراده کرد. روی زمین نیرویی وجود ندارد که بتواند برای یک ماموریتی که این آواتار برای آن آمده است را به تاخیر بیاورد.

سناتانا ساراتی، اکتبر ۱۹۹۶ پشت جلد

شکوه رستاخیز

پیروان مسیح معتقدند که او رنج برد و بر روی صلیب مرد برای اینکه گناهان مریدانش را جذب کند. سوآمی هم ذکر کرده که مسیح جانش را برای خاطر پیروانش قربانی کرد.

برخود گرفتن رنج های کسانی که تسلیم من شده اند وظیفه من است. من رنجی ندارم و شما هم دلیلی ندارد رنج ببرید وقتی من این وظیفه ام را انجام میدهم. کل دادن و گرفتن بازی عشق است. با عشق به وسیله من گرفته میشود؛ لذا چگونه می توانم رنج ببرم؟ مسیح زندگیش را به خاطر کسانی که به او ایمان آوردند قربانی کرد. او حقیقت اینکه خدمت خداست، فداکاری خداست را منتشر کرد.

بابا، ستیا سایی، قسمت ۲ صفحه ۱۷۱

ما از انجیل مقدس میدانیم که مسیح خود را روز سوم پس از مصلوب شدن زنده کرده بود. او همان بدن در حالیکه به هدف جذب کارما خدمت میکرد هلاک شد را با قدرت های الهی اش به زندگی برگرداند. ولی ما خیلی کم درباره فعالیت های حضرت مسیح پس از زنده شدن دوباره میدانیم. نمونه هایی وجود دارد که در انجیل مقدس ذکر شده، جایی که او دید دوباره زنده شدن بدن را به مریدان نزدیکش داد. پس از آن چه کار دیگری کرد؟ بیائید به برگزیده ای از کتاب "ستیا سایی بابا، مظهر عشق" پگی میسون و ران لینگ اشاره کنیم.

من نگران بودم که از بابا سوآلی بپرسم. لذا گفتم، "سوآمی چیزی وجود دارد که برای مدت طولانی است می خواهم بدانم آیا بدن جسمانی مسیح در قبر زنده شد؟ منظورم اینست آیا آن بدن مجسم شده از روح نبود- استاد یوگاندا (سوآمی شری یوکتیشوار گپری) در فرم کاملاً مجسم شده سه ماه پس از اینکه دفن شده بود خود را به او نشان داد؟

سوآمی پاسخ داد، "نه، فرم جسمانی. نه روح مجسم شده بدن. جسمی."

گفتم، "آه، آیا او به شرق سفر کرد و به ماموریتش در کشمیر ادامه داد؟"

"بله، او به کلکته و مالزی هم سفر کرد."

"پس آن بدن مسیح است که در معبد ژزابل در شری ناگار، کشمیر دفن شده بود؟"

سوآمی سرش را تکان داد و گفت، "بله" (...)

ستیا سایی بابا، تجسم عشق، صفحات ۴۹-۴۸

کتاب درباره مصاحبه ای که پگی میسون با سوآمی داشت که در خلال آن از او پرسید آیا حضرت عیسی مسیح بدن جسمانی واقعی را زنده کرده بود یا یک بدن دیگر گرفت، سوآمی پاسخ داد که بدن جسمانی واقعی بود. بعد سوآمی ادامه میدهد تا تاکید کند محققان زیادی تا آن موقع تفکر کرده بودند، که مسیح پس از زنده شدن دوباره به هند سفر کرده بود. قبر در ژزابل در شری ناگار (جامو و کشمیر، هند) در واقع متعلق به اوست. بدن حضرت مسیح (که در آن قسمت از جهان به عنوان یوز آسف شناخته میشد، یوز یعنی پسر یوسف) باور میشود پس از مرگ واقعی جسمی در آنجا دفن شده است. اعتقاد براینست که عیسی مسیح پس از زنده شدن سالهای زیادی به عنوان استاد معنوی گذرانده است.

مصاحبه پگی میسون با سوآمی هم چنین اشاره ای به مورد سوآمی شری یوکتشوار گیری که سه ماه پس از مرگش زنده شد و خود را در مقابل شاگردش شری پاراماهاامسا یوگاندا نشان داد دارد. آنطور که خود سوآمی غیر مستقیم تاکید کرد که احیای یوک تیشوار گیری در بدن مجسم شده بود، لذا دو نوع زنده شدن بحث میشود. شیردی سایی بابا هم بدنش را ترک کرد تا سه روزه به آن برگردد. آنچه که مهم است آنست که عمل احیا جزئی از ماموریت افراد مقدس که گاه روی زمین مجسم میشوند است. اما وقتی ما از جنبه متفاوتی نگاه می کنیم، آن در واقع عمل مرگ است که احیا را جلال میدهد. اگر مرگ وجود نداشته باشد، آنوقت احیا وجود نخواهد داشت. درواقع، آن عمل تنهای مسیح مسئول بدست آوردن ایمان میلیاردها نفر که امروزه او را پیروی میکنند است. پال در کورین تیانز (عهد نو) اهمیت احیای مسیح را به تفصیل توضیح میدهد:

اگر مسیح بلند نمیشد، پس آیا تعلیم ما بیهوده است، ایمان شما هم بیهوده است؟

کورین تیانز ۱۴: ۱۵ انجیل، از نسخه کینگ جیمز

تعبیر سنت پال میتواند به صورت " اعتقاد به احیا، اعتقاد به خداست" خلاصه شود. اگر خدا واقعا هست و اگر او جهان را آفریده، پس او نیز قدرت دارد که مرده را زنده کند. تنها او که جان میدهد می تواند پس از مرگ زنده کند. سنت پال ادامه میدهد توضیح دهد که اگر احیا وجود نداشت، دراینصورت فایده ندارد درباره مسیح وعظ کنیم. عمل احیا ستونی است که بر آن سقف مسیحیت قرار دارد. همچنین فرض میشود آن بزرگترین معجزه ای بود که حضرت عیسی هرگز اجرا کرده بود. در دین اسلام، روزی که مهدی، "استادی که قول داده" انتظار می رود بلند شود، به عنوان "روز قیامت" (روز رستاخیز) خوانده میشود. وقتی سوآمی درباره "ورود نو" صحبت میکند آن منادی عصر نو طلایی خواهد بود. (لطفا فصل "سرنخ هایی برای برگشت قریب الوقوعش" را ملاحظه فرمائید)، آیا او به معجزه ای از این نوع اشاره میکرد؟ چرا سوآمی برای ترک بدنش روز ایستر¹ که روز احیاء عیسی مسیح ملاحظه میشود را انتخاب کرد؟ آیا او به ما اشاره دیگری میداد که همان چیز در سایی آواتار هم رخ خواهد داد؟ شری ب. ک. میثرا یک مرید سایی که چندین کتاب درباره سوآمی نوشته و ترجمه کرده باورش را محکم بیان میکند²:

او(سوآمی) روح الاهی است. او تازه بدن فانی اش را رها کرده است. درواقع، مرگش در روز ایستر تعیین میکند که او ممکن است درست مثل حضرت عیسی مسیح دوباره زنده شود.

موضوع بدن

شما متعجب میشوید که من می توانم در یک زمان در دو بدن باشم، یا در هزار محل مختلف.

ستیم، شیوم، سوندازم، بخش ۴، صفحه ۱۹۴

در خلال آن چند روز پس از ترک سوآمی، افکار زیادی از ذهنم گذشت. آیا سوآمی مثل مسیح خود را در چند روز زنده خواهد کرد؟ اگر مقرر بود آنقدر زود زنده شود، اصلا چرا مجبور شد بدن را ترک کند؟ سوآمی تعیین کرده بود که از طریق یک واقعه الوهیتش به جهان

¹ برای یادآوری اهمیت انتخاب سوآمی برای ترک بدنش در روز ایستر و پیش بینی برگشت قریب الوقوعش، اولین

چاپ این کتاب در ۸ آوریل، روز ایستر سال ۱۹۱۲. ۲ می باشد.

² بنا به گفته اش به روزنامه ی آینه احمد آباد به تاریخ ۲۵ آوریل ۲۰۱۱.

آشکار خواهد شد. آیا رستاخیز به آن هدف کمک می کند؟ ولی بعد آیا جهان واقعا آنرا می پذیرد؟ (در توجهی سبک تر: حالا وقتی به آن فکر میکنم، اگر سوآمی دو سه روزه برگشته بود، احتمالا اجرای قانون به دنبال بنیاد ستیا سایه میرفت با فکر اینکه آنها نمایش مرگ و رستاخیز را اجرا کرده اند به منظور اینکه مریدان و جهان را خیره کنند. این بدبختانه دوران حضرت مسیح یا شیردی سایه بابا نیست!) اگر سوآمی مقرر است زنده شود، آیا او واقعا احتیاج به همان بدن دارد که این کار را بکند؟ آیا آن باید قبل از فساد بدن رخ دهد؟ سوآلات زیادی نظیر این وجود داشت که از خودم پرسیدم. اما حقیقت آنستکه وقتی که به سوآمی و راههای اسرار آمیزش میرسد نمی تواند اصلا دلیلی وجود داشته باشد. سوآمی خدای خدایان، فراتر از زمان و مکان است. برای او خلق دوباره یک بدن به سادگی بلند کردن یک ساقه علف است.

چیزی وجود ندارد که قدرت خدا نتواند انجام دهد. می تواند زمین را به آسمان تبدیل کند. تردید کردن به این ثابت میکند که شما خیلی ضعیف هستید تا عظمت خدا را درک کنید.

گفتارهای ستیا سایه، جلد ۴، فصل ۴۹

حتی وقتی سوآمی در بدنش بود نمونه هایی بوده است که او در یک زمان در چندین محل ظاهر شده بود. یکی از چنین نمونه هایی که به ذهنم میرسد تجربه ک.ن.پ. نایار است. مرد تاجری که سوآمی در ششم ژوئن ۱۹۹۳ از او در خانه اش در لندن در بدن ظریف خود دیدن کرد.¹ نه تنها سوآمی حدود چهار روز در خانه اش ماند بلکه با آقای نایار و خانمش به دیدن مناظر هم رفت. بدن یک بدن واقعی بود که آقای نایار و همسرش می توانستند آنرا لمس و احساس کنند. تمام مدت بدن جسمانی اش هنوز در پراشانتی نیلایام بود و مثل معمول مشغول انجام کار بود. این یکی از نمونه های زیاد است که سوآمی در دو (یا بیشتر) بدن در یک زمان بوده است. حالا سوآل اینست که کدام بدن واقعی بود؟ آن بدنی که در پراشانتی نیلایام کارهای روزمره را انجام میداد یا بدنی که زمانی را با مریدی در نقطه دیگر جهان می گذراند؟ یا هر دو؟ کدام یک از بدن هاست که در قبرش قرار داده شده است؟

¹ مرجع: مصاحبه ویدیویی از شری ک. ن. پ نایار از تدهنری و جودی کلیری-souljourns.net

پاسخی نداریم. نکته آنست که حتی وقتی سوآمی در بدنش بود، او در یک بدن جسمی تنها منحصر نمیشد. چرا باید حالا پس از اینکه یکی از آنها را ترک کرده انحصارهایی وجود داشته باشد؟

سوآمی در راماکاتا راسا واهینی ذکر میکنند، آن شبه سیتا یا مایا سیتا بود که به وسیله راوانا روده شد و نه سیتای واقعی. سیتای واقعی هرگز قادر نبود به وسیله راوانا لمس شود. اما نمایش باید ادامه می یافت زیرا هدف راما آواتار را اجابت میکرد. مایا بدن سیتا بازی کرد تا عمل خاتمه یافت و آنوقت پس از مرگ راوانا، سیتای اصلی به وسیله راما از آتش دوباره بدست آورده شد. برای تمام منظورها، بدن توهمی همان ویژگی ها و رفتارهایی داشت که به وسیله نمایش الاهی لازم میشد و هیچ اختلاف واقعی در حس جسمی مطلق وجود نداشت. وقتی سوآمی چنین حقایق ظریفی از آواتارهای قبلی را توضیح میدهد، او در حقیقت به رفتار آواتارها در کل منجمله خودش اشاره کننده میدهد. در فصل "نادی های باور نکردنی" ما نادی هایی دیدیم که به بدن مایای سوآمی اشاره میکنند و نیز پیش بینی های مهدی را دیده ایم که به ناپدید شدن مهدی که به نظر میرسد مرگ بود اشاره میکنند. لذا آیا میتواند ممکن باشد که ترک بدن سوآمی فقط یک توهم بود برای جهان خارج و در آن صورت برگشتنش میتواند آشکار شدن یا ظهور مجدد بدن واقعی اش باشد!

مفهوم نیرمانا کایاس

یکی از قدرت های غائی یوگیک به عنوان "نیرمانا کایاس" تعریف میشود (معنی لغت به لغت تجسم بدن است). توانایی خلق مجدد بدن ها حتی پس از مرگ بدن جسمانی است. یوگی های برگزیده گمان میروند این توان را دارند. من این توضیح را از سد گورو جگی واسو دو از بنیاد ایشا یافتم¹

در گذشته یوگی های زیادی بوده اند که هنوز به طریقی هستند، آنها ظریف ترین جزء بدن هایشان را دست نخورده حفظ میکنند و بعد می گذارند باشد. هر وقت حس میکنند لازم است، قادرند بدن قدیمی شان را دوباره خلق کنند. فرض میشود بودا یکی از نیرمانا کایا

¹ مرجع: www.ishafoundation.org از ویدیو گفتگوی داده شده به وسیله سد گورو جگی واسو دو

هاست. بسیاری دیگر وجود دارند که بدن خود را آنطور که قبلا بود را دوباره خلق میکنند، یک بدن جوان همان که آنرا دوست دارند (...). زمان مساله نیست.

اگر یوگی ها قدرت دارند که بدن هایشان را دوباره خلق کنند آیا بخشنده همه قدرت ها نمی تواند آنرا انجام دهد؟ حدس میزنم مساله اینکه آیا سوآمی می تواند آنرا بکند یا نه نیست. آنستکه آیا سوآمی انتخاب میکند انجام دهد. بسیاری بحث میکنند چون سوآمی به قوانین طبیعت احترام میگذارد، ممکن است تمایل نداشته باشد علیه آن قوانین برود. آیا آن پیشنهاد نمیکند که حضرت مسیح کاری خلاف قانون طبیعت انجام داد؟ معذالک، من می توانم حوادث زیادی حکایت کنم که سوآمی از قبل مافوق قوانین طبیعت بوده است. اگر مورد این باشد، خود سوآمی این را تاکید کرده است. بیائید نقل قول زیرین را از سوآمی ملاحظه کنیم:

برخی از بزرگترها سعی میکنند مرا سردرگم کنند. کریشنا عجایب زیادی نشان داد، با بی اعتنایی شگفت آور به قوانین طبیعت، و لذا به گفته آنها، او مجبور بود از تیر شکارچی با مرگ مواجه شود! مسیح تصلیب را تحمل کرد، زیرا، او هم معجزات زیادی آشکار ساخت! بحث آنها اینست که، چون من به قوانین طبیعت بی اعتنایی کرده ام، من هم به همان طریق رنج خواهم برد! آنها امید دارند ترس ایجاد کنند و هراس پخش کنند. اما اینها سخنان ضعیف، جهل و دشمنی است. آنها نمی توانند این شکوه را بفهمند، و نه آرزو میکنند آنرا تحمل کنند!

ستیم، شیوم، سوندارم، قسمت ۳ فصل ۸

درکلام فوق، سوآمی مستقیما تاکید میکند که خداوند کریشنا، مسیح و خودش فوق قوانین طبیعت رفته اند. آواتارها با هیچ چیز تحت تاثیر قرار گرفته نمی شوند. هراواتاری مجبور میشد به منظور انجام دادن ماموریت خود فراتر از قوانین طبیعت برود. در حقیقت، در کار حرفه ای آواتارها لحظات مشخصی وجود داشته است که کارهای فوق العاده انجام دهند تا مردم بتوانند آنها را چون مظاهر خدا تلقی کنند. درباره آنها شعر بسرایند، آنها را با آواز بخوانند و بر شکوه تفکر کنند. خداوند کریشنا کوه گُ وِرَدَن را بلند کرد تا دهکده را از باران زیاد

محافظت کند وقتی که او هنوز یک بچه بود. پسر گرویش را که دوازده سال طولانی بود که مرده بود را بازسازی کند و به او جان دهد. خداوند کریشنا کارهای برجسته حیرت انگیزی اجرا کرد از جمله نابودی سیاره ناراکا که یکبار جلو آمد که به زمین ضربه بزند.¹ در آواتاری سایی هم، او معجزات حیرت انگیز بیشماری کرد منجمله دوباره زنده کردن مریدان، متوقف کردن باران و سیل، شفای بیماری ها و حتی مریدان را از این سو به آن سوی کشورها دوربری میکند. در حقیقت، تمام این معجزات به نظر میرسند فراتر از قوانین طبیعت هستند. آیا به آن دلیل نیست که آنها اصلاً "معجزات" نامیده می شوند.

کارانجیا ژورنالیست برجسته در خلال مصاحبه ای از سوآمی دلیل اینکه چرا باید خدا فرم انسانی بگیرد را پرسید. سوآمی جواب میدهد:

زیرا آن تنها راه مجسم شدن خدا بین انسان هاست. آواتار فرم انسانی میگیرد و به طریق انسانی رفتار میکند تا انسانیت بتواند با الوهیت خویشی احساس کند. درعین حال، او به ارتفاعات خدایی بالا میروود تا نوع بشر هم بتواند آرزو کند به خدا برسد. درک خداوند ساکن شونده به عنوان برانگیزاننده زندگی وظیفه ای است که آواتارها در فرم انسان می آیند.

مصاحبه بلیتس، سپتامبر ۱۹۷۶

حتی اعمال پرهیزکارانه نمونه هایی بودند تا به مردم از الوهیت خودشان یادآوری کنند، که آنها می توانند همان کار را بکنند اگر آنها هم به همان سطح بالا روند. به آن دلیل است که مسیح میگوید:

به راستی، به راستی من به شما می گویم، او که به من معتقد است، او هم کاری که من میکنم را خواهد کرد؛ و او کارهای بزرگتر از این خواهد کرد؛ زیرا من نزد پدرم میروم.

جان، ۱۲: ۱۴ انجیل، از نسخه کینگ جیمز

احیا واقعاً چیست؟ احیا آشکار سازی الوهیت ذاتی در انسان است.

¹ زمانی، بنظرمیرسید سیاره ناراکا به زمین نزدیک میشود. ساکنان زمین با ترس رسیدن فاجعه پر شدند. به خدا برای دفع بلیه قریب الوقوع و نجاتشان دعا کردند. کریشنا دانش فوق العاده اش را بکار برد تا سیاره را نابود کند.

سخنرانی الاهی ۲۸ فوریه ۱۹۶۴

سوآمی زندگی اش را چون سرمشقی برای این جهان گذراند. معجزه اش برای همه ما تذکاریه هایی درباره استعداد های ذاتی خودمان بوده اند. به آن دلیل است که سوآمی همیشه میگوید، "من خدا هستم و شما هم خدا هستید." لذا اعتقاد خلاف ظهور مجددش با فراتر رفتن از قوانین طبیعت بطور کلی بی اساس است. در حقیقت، آن تنها زینت در خور برای شکوه بزرگترین آواتاری که هرگز بر روی این زمین راه رفته می باشد.

فصل دوازده

پایان

نشانه های زیادی درباره امکان برگشت قریب الوقوع سوآمی در این کتاب تامین شده است. اما، من همچنین معتقدم که آن ایمان و دعای مریدانش است که او را برخواهد گرداند. سوآمی یکبار گفت که او حتی آماده است از پراشانتی نیلیام جدا شود تا با احتیاجات مریدانش مواجه شود.

من حتی آماده ام از پراشانتی نیلیام جدا شوم تا درخواست های شما را برآورده کنم. آماده ام برای خیر مردم هرکار بکنم. آن تنها علاقه من است.

سایبی وانی، پیام های جمع آوری شده از سخنرانی های ستیا سایبی بابا

میدانیم منظور سوآمی چیست اما هیچ کس انتظار نداشت که او جداً جسماً از پراشانتی نیلیام جدا شود. من مطمئن هستم که به خاطر تمام جهان آن انجام شد (به دلائلی که در فصل "چرا سوآمی بدنش را ترک میکند" بحث شد). لذا اگر او مقرر است برگردد، آن نیز تنها به همان خاطر خواهد بود. برای آن اولین قدم که مریدان احتیاج دارند بردارند، به نظر حقیر من، آنستکه با تمام وجود به کلام سوآمی با ایمان نامتزلزل باور کنند و برای برگشت او دعا کنند. در خلال یکی از اعلامیه های اولیه، سوآمی درباره آواتاری اش بیان کرده بود، "سادوها (طالبین معنوی) دعا کردند و من آمده ام". ظهور مجدد ستیا سایبی آواتار در کتب مقدس زیادی از هزاران سال قبل پیش بینی شده است. اما هنوز طالبین معنوی باید به او دعا کنند پائین بیاید. لذا آیا منطقی نیست که ما مریدان بپذیریم احتیاج داریم به شدت به او دعا کنیم که برگردد؟ سوآمی یکبار به یکی از مریدانش گفت:

بله، من نسبت به آنهایی که در ایمانشان ثابت هستند قولم را حفظ می کنم.

حالا میدانیم که داشتن ایمان کامل کلید است. دلیل اصلی برای انتشار این کتاب ساختن اجتماعی میان مریدان است که ایمان داشته باشند و هم رای برای برگشت سوآمی دعا کنند. من هیچ انگیزه پوشیده یا برنامه مخفی ندارم. چاپ اینترنتی این کتاب خواندن رایگان را نیز فراهم میکند. یک چیز که میل دارم از طریق این کتاب پافشاری کنم این است که باورکردن به گفته سوآمی ضعف نیست برعکس داشتن ایمان ثابت به کلام گورو قدرت شاگرد یا مرید بحساب آورده میشود. اما، شخص نباید راههای گرویش را مورد تردید قرار دهد. سوآمی هرکار میکند، او تنها مفهوم یا دلیل آنرا میداند ما نباید آن را مورد تردید قرار دهیم. اما حق ماست به سخنانش ایمان کامل داشته باشیم، زیرا آن چیزی است که سوآمی ما را وامیدارد انجام دهیم:

حقیقت جانِ قول داده شده است. کلام من مهر حقیقت دارد. من نمی توانم از حقیقت جدا شوم. من با آنها که به گفته ی من هیچ ارزشی نمی گذارند صحبت نمی کنم. (... و وقتی مردم به کلام من اعتنا میکنند، آماده ام به هر طریقی به آنها کمک کنم و به آنها شادی دهم.

گفتارهای ستیا سایی، جلد ۲۸ فصل ۲

سوآمی به همه دستور میدهد ارزش کامل به گفتارش بدهد. در اینصورت چگونه ما مریدان می توانیم انتخاب کننده باشیم که به کدام یک از گفتارش ایمان بیاوریم و به کدام نه؟ ما مریدان سعی می کنیم او را به درک خودمان درباره اینکه چه کار می تواند و چه کار نمی تواند بکنند محدود کنیم. به جای ایمان آوردن به یقین کلام سوآمی، سعی می کنیم در تعبیری مبهم از آنها، شایسته هر چیز که قبلا رخ داده باشیم. تمایل داریم فراموش کنیم این خود همان خدایی است که تمام جهان را خلق کرده است و چه چیز دیگری وجود دارد. آیا او می تواند به چیزی محدود شود؟ بیشتر مریدان در خلال روزهای اولیه پس از ترک سوآمی معتقد بودند که بابا خود را زنده میکند، چون از خود کلام سوآمی که هنوز زمان ترک کردن او نرسیده بود، پیروی میکردند. پس چرا حالا غیر از آن را باورکنیم؟ از آن زمان چی تغییر کرده است؟ اگر آن موقع می توانست برگردد، چی او را از برگشتن در حال حاضر مانع میشود؟ او به هر حال

به آن بدن محدود نبود! آن وظیفه ماست که ایمان کامل به تمام حرف هایش داشته باشیم. من یقین دارم تنها چنین ایمان ثابتی است که او را برخواهد گرداند.

من ایمان خودم را درباره برگشت سوآمی، در مصاحبه ای با رادیو سای (در تاریخ پانزدهم فوریه ۲۰۱۲ پخش شد) به وسیله یکی از فارغ التحصیلان صاحب مدال طلا رشته مدیریت بازرگانی از موسسه آموزش عالی شری ستیا سای داده شد، یافتیم. او یقینش را در مصاحبه سهیم^۱ میشود (تنها برگزیده تامین شده):

(...) در یک یادداشت شخصی، من یقینی که - بازهم، نمیتوانم توضیح دهم - آن فقط درک مستقیم است که البته سوآمی در همه جا هست را سهیم میشوم؛ او همیشه اینجاست، اما من بطور مطلق، دویست درصد مطمئن هستم که ما او را دوباره جسم می بینیم. درباره این تردیدی ندارم.

سوآمی چیزهای زیادی گفته است؛ فکر نمی کنم نیاز داشته باشیم ایمان مان را به دلایل مختلف کم کنیم. سوآمی هر قول خود را حفظ میکند. تمام جهان مجبور است خود را دوباره تعدیل کند تا او قولش را اجابت کند. بیائید همه بخاطر بسپریم، که ما درباره تجسم خداوند و نه یک آدم معمولی صحبت می کنیم.

از تجربه ام، تا آنجا که به جنبه جسمانی سوآمی مربوط میشود، اگر یک دانش ضروری وجود داشته باشد، میدانم که صدای سوآمی وجدان هم هست. هرگز بی تکلیفی ای جایی که سوآمی چیزی گفته و وجدان چیز دیگری بگوید وجود نداشته است. به آن دلیل است که من با عقیده محکم کامل میگویم که هرچیز کوچک که او گفته است خود را به موقع ثابت خواهد کرد.

سوآمی به تمام قول ها وفا می کند

سوآمی گفته است که شرایط هرچه ممکن است باشد او همه قول هایش را اجابت خواهد کرد. در خلال سال های اولیه ستیا سای آواتار داستانی از سوباما، مریدی که خانه اش

برای محل اجتماع مریدان بکار رفت تا دارشان داشته باشند وجود دارد. او عشق و ارادتی فراوان به خدا داشت. سوآمی به او قول داده بود که آرزویش، یعنی داشتن دارشان بابا در آخرین لحظات حیات را ارضا خواهد کرد. وقتی سوآما مرد، سوآمی در پوتاپارتی نبود. اما خویشاوندان جسد را حفظ کردند تا سوآمی روز بعد برگردد. چگونه سوآمی آخرین آرزویش را اجابت کرد داستانی هیجان انگیز است که او خودش تعریف میکند:

(...) مردم به سمت من دویدند و گفتند، "سوآمی، سوآما دیشب درگذشت." من فوراً اتومبیل را برگرداندم و به بوکا پتنام رفتم. جسدش در ایوان نگه داشته شده بود. تمام اهل خانه غم زده بودند. یکبار که سوآمی قولی میدهد، یقیناً آنرا تحت هر شرایطی اجابت خواهد کرد. من ملافه ای که جسد را پوشانده بود را برداشتم. چون او شب قبل درگذشته بود مورچه ها در سرتاسر بدنش راه میرفتند. صدا زدم "سوآما" و او چشمانش را باز کرد. این خیر به سرعت پخش شد. مردم بوکا پتنام شروع به آمدن به محل کردند. به هم میگفتند سوآما به زندگی برگشته است. مادر سوآما در آن موقع یکصد سال داشت، به او گفتم یک لیوان آب با یک برگ تولسی (ریحان مقدس) خیسانده شده در آن بیاورد. من برگ ریحان را در دهان سوآما گذاشتم و او را واداشتم کمی آب بخورد. گفتم، "سوآما من قولم را حفظ کرده ام. حالا می توانی چشمانت را با آرامش به بندی." او گفت، "سوآمی چه چیز بیشتر احتیاج دارم؟ من با سرور ترک میکنم." اشک شادی ریخت، دست مرا نگه داشت و آخرین نفس خود را کشید. اینطور من تحت هر شرایطی به قولم وفا میکنم. به این روش، من هرگز خلاف قولم نمی روم.

سخنرانی الاهی، ۲۰ اکتبر ۲۰۰۲

سوآمی روح سوآما را موقتا احضار کرد به منظور اینکه آخرین دارشان را به او اعطا کند. این حادثه یک گواهی به حقیقت این است که سوآمی تمام قول هایش را اجابت میکند بی توجه به اینکه چه رخ میدهد. اگر سوآمی میتواندست مریدش را به زندگی برگرداند فقط برای اینکه به قول آخرین دارشان وفا کند، چه چیز او را از برگرداندن خودش به منظور اجابت کردن کلامش باز میدارد؟

من حتی کمترین تردید به اینکه کلام سوآمی، آنکه قبلا اجابت نشده، عاقبت اجابت خواهد شد ندارم. چگونه و کی، فقط خود سوآمی میداند! تنها در چند سال بعد وقتی به عقب نگاه میکنیم خواهیم فهمید. شری ستیا سایی بابا یک آواتار عادی نیست. ما درباره قدرتمندترین تجسم خدا که به صورت انسان هرگز روی این زمین آمده صحبت می کنیم! سالهای زیادی از حالا، وقتی نسل های آینده درباره شکوه ستیا سایی آواتار صحبت خواهند کرد، هیچ اثری حتی یک پیشگویی غلط درآمده در میان تمام ستایش های با شکوه وجود نخواهد داشت. من از باور اینکه وجود خواهد داشت امتناع میکنم!

زمان تعلیم برای مریدانش

وقتی سوآمی ترک کرد، تمام مریدانش غم زده بودند. گویی ما را برای آن واقعه آماده میکند، سوآمی یک اطمینان بی نظیر داده بود:

هیچ کس نیاز ندارد درباره خیر سوآمی نگران یا دلواپس باشد. هیچ خطری نمی تواند بر سوآمی رخ دهد. سوآمی همیشه از تمام مشکلات و ددرسرها قسر بیرون خواهد آمد؛ هیچکس نباید بترسد یا احساس تاسف یا غم کند. سوآمی همه موفقیت ها را بدست خواهد آورد.

سخنرانی الاهی، ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۳

اظهاریه فوق خیلی مربوط است زیرا سوآمی درحالیکه آن مشکلات و سختی ها بی که در پیش خواهد بود را تصدیق میکند، به ما اطمینان میدهد که او از آنها بدون تحمل کردن صدمه ای بیرون خواهد آمد. اما ما چگونه می توانیم نگران یا دلواپس نباشیم؟ آن سوآمی محبوب ماست! سوآمی میگوید وقتی کریشنا بدنش را ترک کرد، آرجون قادر نبود آن جدایی را تحمل کند و قدرت ذهنی اش را از دست داد.

آرجون همیشه احساس میکرد که کریشنا در دلش است و آن قدرتش را به او میداد. وقتی شنید که کریشنا مرده، احساس کرد که کریشنا رفته است به محض اینکه این را فهمید قدرتش او را ترک کرد.

حتی در عصر دوآپارا، وقتی یک مرید پیشرفته مثل آرجون نتوانست جدایی از خدایش را تحمل کند، ما در این عصر کالی چگونه حریف چنین غمی شویم؟ اما، با رحمت الاهی سوآمی، آن هم حقیقت است که بسیاری از مریدان ادامه داده اند و تلاش کرده اند فراتر از فرم بروند و سوآمی را در دل هایشان جا دهند. به اعتقاد من آن هم جزئی از نمایش الاهی اوست تا به مریدانش کمک کند، بردلبستگی به فرم و بدنش غلبه کنند. بر همان قرار، حتی وقتی که به شدت به بازگشت او اشتیاق داریم، احتیاج داریم مطمئن شویم که دعاهایمان به سوی دوباره بدست آوردن نزدیکی جسمانی اش نباشد. چنین دعاهایی هدف چرا سوآمی اصلا خود را ناپدید کرد را شکست میدهد. در فصل قبل ما اظهارات سوآمی درباره عمر طولانی اش و چگونه ستیا سایه آواتار در این جهان منادی عصر طلایی خواهد شد را دیدیم. اگر سوآمی آن اظهارات را نکرده بود، احتمالا همین حالا انتظار پریما سایه آواتار را داشتیم و نه برگشت ستیا سایه آواتار را. به همان دلیل ما همگی باید از نقطه نظر اثر تعالی بخشی که برگشت سوآمی بر تمام جهان و بر وضع ترسناکی که هم اکنون جهان در آن است خواهد داشت دعا کنیم.

همانطور که سوآمی نام برده است، تمام مریدانش در ماموریت الاهی اش نقش هایی دارند که بازی کنند.

همه شما باید در آوردن تبدیل (که منجر به عصر طلایی میشود) نقشی داشته باشید و وسیله ای که باید استفاده کنید محبت است.

شری ستیا سایه بابا و آینده بشر، صفحه ۲۲۴

حتی به قدمت سال ۱۹۷۹، سوآمی از طریق پیامی به چارلز پن به همه ی ما دستور داد آماده شوید و تدارک ببینید که وسائل سایه در ماموریتش شوید.

ماموریت شما شروع شده است. آنها کلام من برای شما، مریدانم است. هر یک از شما در این طول عمر، نقشی بی نظیر و باارزش دارید. تنها آنهایی که صدا زده ام می توانند به من خدمت کنند. ماموریت من حالا به آن نقطه در زمان رسیده است که هر یک از شما کاری

دارد که بکند. این زمین در کهکشان بزرگ هدفی دارد که در آن نگه داری میشود. آن هدف هم اکنون در برابر چشمان مان باز میشود. من شما را دعوت میکنم از درون خود پرتو وار باکسی (عشق و ارادت) بیرون دهید تا قدرت نادیده اش همه آنهایی که بر مسیر شما می آیند را فرا بگیرد. برای انجام دادن موفقیت آمیز نقش خود همیشه در من متمرکز بمانید (...). تکثیر عشق من در سرتاسر جهان احساس خواهد شد. برای این کار در طول تجسمات بسیار شما را آماده کرده ام. شما را بسوی خود کشیده ام. من در ماموریتم در مدت این تجسمات گذشته قدم بلندی برداشته ام. کارم بدون توقف است و نیز کار شما، هم بی پایان است. (...). بدانید که من درون و بیرون از شما هستم. تفاوتی وجود ندارد. خود را از امورات جزئی برای همیشه خلاص کنید. شما حالا در من هستید و من حالا در شما هستم. اختلافی وجود ندارد. دارشان من (برکات معنوی) از من به شما و به درون شما خواهد ریخت. شما ممکن است از این عمل مدام بی خبر باشید. همیشه در دل و روح پاک باشید و نوع بشر در طول زندگی تان از صفات بی نظیر شما مستفید خواهد شد.

دیگران هم، در این ماموریت به من خواهند پیوست وقتی آنها را به خود بکشم. زمان دارد نزدیک میشود وقتی همه بشریت در هماهنگی خواهند زیست. آن زمان زودتر از آن که شخص انتظار دارد اینجا خواهد بود. قبل از اینکه برسد برای هرچه که احتیاج میشود تا هدف واقعی هستی برهر موجود زنده آشکار شود آماده باشید (...).

محبوب من، چارلز پن، صفحات ۹۷ - ۹۶

هر مرید به جای منتظر ماندن برای برگشت سوآمی به منظور اینکه کارش را ادامه دهد، باید سادانای خود را تشدید کند و برای وسیله الهی اش شدن در عصر نو سایی که قرار است مقابل ما باز شود اشتیاق داشته باشد. این چیزی است که سوآمی در پیام فکر برانگیز فوق ما را ترغیب میکند.

حتی در خلال دوران اولیه وقتی سوآمی برای مریدان واقعا قابل دسترس بود، من داستانهایی شنیده ام که او فرم فیزیکی اش را از برخی از مریدان نزدیک که زمانی توجه شخصی زیادی داده بود دور کرد. آنطور که می فهمم، آنچه که سوآمی را بر می انگیزد آن کار را بکند عشق

مادرانه اش و اشتیاقش است که مریدان خود را از وابستگی به فرم او خلاص کنند و وحدت با حقیقت بدون فرم او را درک کنند، که گاهی وقتی شما در حضور جسمانی اش هستید مشکل است. معتقدم که برای همان منظور است که او ناپدید می‌شود و موقتی اش را بر ما تحمیل کرده است؛ تا مهمترین درس که سوامی صرفاً بدن جسمانی نیست و که او همیشه بالای ما، اطراف ما، و درون ماست را یاد بگیریم. با آن درک، ما باید به درون برگردیم و خود را برای عصر معنوی زیبایی که در جلو قرار دارد، آنطور سوامی قول داده است آماده کنیم.

از طرف دیگر، وقتی سوامی برمیگردد، آیا می‌توانیم اندازه تأثیری که بر این جهان خواهد داشت را تصور کنیم؟ سوامی یکبار گفت که تمام جهان به پراشانی نیلایم خواهند آمد و هیچ جایی نخواهد بود که حتی ایستاد.¹ دکتر هانومان تاپا خودش در کتابش شری ستیا سایی بابا یک یوگ آواتار (صفحه ۱۶۷) آینده پوتاپارتی را وصف میکند.²

تنها در موقعیت های جشنی شخص می‌تواند دارشان سوامی را از جایی دور داشته باشد. حتی آنوقت ما نمی‌توانیم شکل کامل جسمی سوامی را ببینیم و لذا درآینده، این وضعی غیر قابل پیش بینی خواهد بود. ما مریدان قدیمی احساس می‌کنیم گویی در دنیایی غریب هستیم.

لذا آن فقط مناسب است که ما مریدان بکوشیم او را در دل هایمان ببینیم تا برای نزدیکی جسمانی اش اشتیاق داشته باشیم که به هر حال میتواند تقریباً غیر ممکن باشد. در فصل "ناپیدی مهدی" از پیش دیدم چگونه پیش گویی ها درباره مهدی بطور کامل با ویژگی های ستیا سایی آواتار مطابقت میکند. و نیز دیدم درباره ناپدید شدن مهدی و مآلا ظهورش چه نوشته شده است. من همچنین به پیشگویی جالب دیگری برخورد کردم که میگوید وقتی مهدی بر میگردد هیچ بیعتی با کسی نخواهد داشت.

قائم ما وقتی قیام میکند، بر شانه هایش به کسی وفاداری نخواهد داشت.

بحارالانوار، جلد ۱۳، بخش ۱، ترجمه انگلیسی، صفحه ۱۴۷

¹ لطفاً به فصل "طلوع عصر طلایی ستیا سایی" رجوع شود.

² لطفاً به فصل "سرنخ هایی برای برگشتن قریب الوقوعش" رجوع شود.

به بیان دیگر، وقتی قائم یا مهدی پس از ناپدیدی قیام میکند، برای خاطر هیچ بخش خاص مردم نخواهد بود بلکه او پروردگار تمام این جهان خواهد بود. احتمالا این مدت غیبتش یک دوره آموزش برای ما مریدان است که حریف چنین دلبستگی ای شویم.

سوآمی همیشه قدرت هایش را پس پرده مایا و انسانیتش فرو نشانده است. دلیلش آن بود اگر اجازه میداد قدرت واقعی اش ظاهر شود، همه جهان به نزد او می آمدند اما زمان برای آن هنوز مستعد نبود.

آن زمان (برای اعلان عمومی آواتاری) هنوز دور است. قبل از آن باید چنین افرادی را نزدیک خود بیاورم، که در زندگی های گذشته شان، دایما و خستگی ناپذیر کوشیده اند از طریق سادانای شدیدشان به من دسترسی یابند. زمانی خواهد آمد که جهان از طریق اعلان عمومی دربار آواتار خواهد دانست (...).

سای بیبا و اشرام نارا ناراین گویا، قسمت دوم، صفحه ۳۸

چون زمان میگذرد، حتی آنهایی که حالا قادر نیستند حقیقت سوآمی را تشخیص دهند؛ مجبور خواهند شد با اشک ندامت نزدیک شوند و مرا تجربه کنند. خیلی زود، این جهانی خواهد شد. سوآمی حالا از این پیشامد جلوگیری میکند، وقتی یکبار اجازه داده میشود ظاهر شود، تمام جهان به پراشانتی نیلایام تبدیل خواهد شد.

گفتارهای ستیا سای جلد ۱۵، فصل ۵۵

شاید حالا زمان برای توسعه حد جهانی رسیده باشد. لذا وقتی سوآمی برمیگردد ما اصلا با چیزی محدود نمیشویم. احتیاجی وجود نخواهد داشت. سوآمی از قبل یک طول عمر هشتاد و پنج ساله را چون یک پیام و یک سرمشق برای همه گذرانده است. حالا ورود دوم می تواند بدون هیچ نُهی های خود تجمیلی باشد، یک ظهور حاضر مطلق کامل را بخواند. تمام سرنخ هایی که روشن شده اند را داده، چه کسی می تواند علیه چنین امکانی حساب کند؟

ای پروردگار عزیز ستیا سای، سلطنت تو میرسد... امیدوارم زود برسد!

دعا

مادر سایه گرامی، ترا مهربانانه فرا می خوانیم...
خواست تو انجام میشود، سلطنت تو میرسد!
التماس ما را بشنو، با ننگه داشتن پاهای نیلوفرینت قول میدهیم
و تمام خودمان را به تو تقدیم می کنیم، ما فرزندان به تو التماس می کنیم...
ابراهای تیره نمی توانند انوار خورشید را برای مدت طولانی محو کنند
برای درخشیدن بر قلمرو تو، خورشید هم برای حقش منتظر میماند...
ما از نو لحظاتی را برای ستایش کردن و تحسین کردن تو طلب می کنیم!¹

پروردگارا، عشق مرا بگیر، و بگذار آن در کمال ارادت به سوی تو جریان یابد؛
پروردگارا، دستام را بگیر و بگذار آنها بی وقفه برای تو کار کنند؛
پروردگارا، روحم را بگیر و بگذار آن با تو یکی شود؛
پروردگارا، ذهن و فکرم را بگیر و بگذار آنها با تو هماهنگ شوند؛
پروردگارا، همه چیزم را بگیر و بگذار من وسیله ای باشم تا برایت کار کنم.

تقدیمی متواضعانه به پاهای نیلوفرین الاهی اش

جی سایه رام

¹ دعایی از جولی چادوری

کتاب شناسی و مرجع ها

- نظر یک شرقی درباره حضرت عیسی، لی هیولت و ک. ناتاراجه، انتشارات سایه،

۱۹۸۲

- جزئیات نیست، وچایا کوماری، انتشارات سایه شرم، ۱۹۹۹

- بابا، ستیا سایه، را. گناپاتی، ستیا جوتی، ۱۲ خیابان راداکریشنا، مدرس، هند ۱۹۸۱

- بحارالانوار، جلد ۳ بخش ۱ و ۲ علامه محمد مجلسی، ترجمه انگلیسی، مرکز تبلیغات

جعفری، مومئی

- باگاوان شری ستیا سایه بابا (یک تفسیر)، و. ک. گنگاک، نیودلهی، انتشارات ابھی ناو

۱۹۷۵

- گفتگو با باگاوان شری ستیا سایه بابا، جان هیسلاپ، بنیاد انتشارات و کتاب شری ستیا

سایه

- گفتگو با باگاوان شری ستیا سایه بابا، ج. هیسلاپ، San Diego, Birth Day

Publishing Co, CA. 1978

- خدا به زمین پائین میآید، سانجی کانت Sri Sathya Sai Towers Pvt, Ltd. 1998

- در جستجوی خداوند سایه، دکتر ستیا پال روہلا، Sri Sathya Sai Towers Pvt, Ltd.

1996

- خدای زنده، شاکونتالا بالو، Sawbridge enterprises 1981

- معجزات عصر جدید: گزارشی تحقیقی درباره پدیده روحی مربوط به ستیا سایه بابا،

الندور هرالدسان Hastings House, 1997

- بابام و من، دکتر ج. هیسلاپ، San Diego, Birth Day Publishing Co, 1985

- محبوبم، عشق و تعلیم باگوان شری ستیا سایی بابا، چارلز پن، بنیاد انتشارات و کتاب شری ستیا سایی بابا، پراشانتی نیلایام، ۱۹۸۱

- اطلاعات نادى مقدس، گردآوری شده به وسیله واستنا سایی، بنیاد انتشارات و کتاب واستنا سایی، موکتی نیلایام، ۲۰۱۱

- سایی بابا. اشرا م نارا ناراین گویا، قسمت های ۱ و ۲ سوآمی ماهشورآند،

ed. B.P. Mishra, Bombay: Prasanthi Printers, 1990

- سایی بابا آواتار، سفری نو در قدرت و شکوه، هوارد مورف San Diego, Birth Day Publishing Co, 1877

- سایی بابا، مردمقدس و روان پزشکی، ساموئل سَندوایس، San Diego, Birth Day Publishing Co, 1875

- پیام سایی برای تو و من، جلد ۱، لوکاس رالی، London, Vridnavanum Books, 1985

- پیام سایی برای تو و من، جلد ۲، لوکاس رالی، London, Vridnavanum Books, 1988

- سایی وانی، پیام های جمع آوری شده از سخنرانی های ستیا سایی بابا

- سایی واندانا، ک. هانومان تاپا، پراشانتی نیلایام، موسسه آموزش عالی شری ستیا سایی، ۱۹۹۵

- سناتانا ساراتی، مجله ماهانه منتشره از پراشانتی نیلایام

- ستیا سایی بابا، تجلی عشق، پگی میسون و رانی لُفینگ، London Sawbirdge 1982

- گفتارهای ستیا سایی، سخنرانی های باگوان ستیا سایی بابا، ترجمه شده از تلوگو، بنیاد انتشارات و کتاب شری ستیا سایی

- ستیم شیوم سوندارم، مجلدات ۴-۱ ن. کستوری، بنیاد انتشارات و کتاب شری ستیا سایی، پراشانتی نیلایام ۸۰-۱۹۶۱

- شری ستیا سایی آواتار، و. آرویند سوبرمنیم، 2004، Sura Books Pvt. Ltd.,

- شری ستیا سایی بابا و آینده نوع بشر، ستیا پال روہلا، Sai Kripa New Delhi: 1991

- شری ستیا سایی بابا یک یوگ آواتار، دکتر ک. هانوماننپا، بنیاد انتشارات و کتاب شری ستیا سایی ۲۰۰۸

- تاپ وائم شری ستیا سایی ست چاریترا، جندیالا و نکاتسورا شاستری، بنیاد انتشارات و کتاب شری ستیا سایی، ۲۰۰۲

- مصاحبه بلیتس : مصاحبه ای طولانی داده شده به وسیله شری ستیا سایی بابا به ا. ک. کارانجیا سردبیر مجله بلیتس در سپتامبر ۱۹۶۷

- قلب سایی، ر. لوئبرگ، Sri Sathya Sai Towers Pvt, Ltd., 1981

- زندگی شری ستیا سایی بابا، ن. کستوری، مرکز کتاب شری ستیا سایی بابا آمریکا ۱۹۷۱

